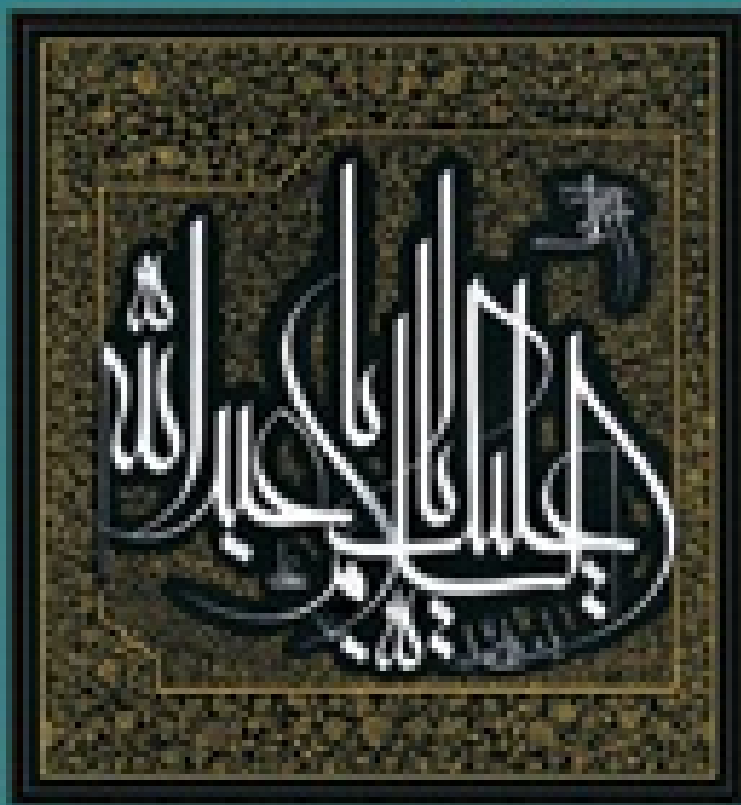


فرماننامه

مربی سرای و عزاداری سیدالشهدا



محمد تقی شیری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۹ | فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام |
| ۹ | مشخصات کتاب |
| ۹ | اشاره |
| ۱۵ | پیش گفتار |
| ۱۹ | فصل یکم : جایگاه مرثیه سرایی و عزاداری در سخن و سیره پیشوایان |
| ۱۹ | اشاره |
| ۲۱ | ۱. مرثیه سرایان سید الشهدا پیش از واقعه کربلا |
| ۲۲ | ۲. نخستین مرثیه سرایان سید الشهدا پس از واقعه کربلا |
| ۲۴ | ۳. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهدا |
| ۲۴ | ۴. تأکید بر زنده نگهداشتن یاد سید الشهدا |
| ۲۵ | ۵. تأکید بر تداوم عزاداری |
| ۲۷ | فصل دوم : فلسفه عزاداری |
| ۳۱ | فصل سوم : آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری |
| ۳۱ | اشاره |
| ۳۲ | ۱. تحریف هدف عزاداری |
| ۳۹ | ۲. استناد به منابع غیر معتبر |
| ۴۱ | ۳. گزارش های ذلت بار |
| ۴۱ | اشاره |
| ۴۴ | چرا ذلت فرزندان حسین را خواندی؟! - |
| ۴۷ | ۴. غلو |
| ۴۹ | ۵. دروغ |
| ۴۹ | اشاره |

- ۵۰ دروغ در مرثیه سرایی در دوران گذشته
- ۵۱ نمونه هایی از روضه های دروغ از نگاه محدث نوری
- ۵۱ اشاره
- ۵۲ ۱. اضافات داستان آمدن طیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بستر شهادت
- ۵۴ ۲. آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهداء در کودکی!
- ۵۵ ۳. پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهر
- ۵۶ ۴. احوال پرسی امام حسین علیه السلام از زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا
- ۵۶ ۵. داستان اسب امام حسین علیه السلام
- ۵۷ ۶. داستان عروسی حضرت قاسم
- ۵۸ ۷. نسبت دادن شعر ابو الحسن تهامی به امام حسین علیه السلام
- ۵۸ ۸. آمدن زینب علیها السلام به بالین برادر در قتلگاه
- ۵۹ ۹. اسیری در این خانواده نبود
- ۵۹ ۱۰. چگونگی حضور امام صادق در مجلس عزاداری
- ۵۹ اشاره
- ۶۰ دروغ در مرثیه سرایی در عصر حاضر
- ۶۰ اشاره
- ۶۱ ۱. دعای لیلا برای علی اکبر
- ۶۲ ۲. نذر کردن لیلا برای سلامتی علی اکبر
- ۶۴ ۳. داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می رود
- ۶۵ ریشه دروغ در مرثیه سرایی از نگاه محدث نوری
- ۶۵ ۱. تجویز دروغ در تعزیه!
- ۶۷ ۲. تسامح در ابواب فضایل ، قصص و مصایب
- ۶۷ ریشه های اصلی دروغ در مرثیه سرایی
- ۶۷ اشاره

- الف - جهل ۶۸
- ب - سوء استفاده از زبان حال ۶۸
- ج - تلاش برای ارائه مصیبتی نو! ۷۱
- د - دنیاطلبی ۷۱
۶. بدعت در نحوه عزاداری ۷۲
- فصل چهارم : مجالس عزاداری هدفمند ۷۶
۱. خدا محوری ۷۶
۲. ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا ۷۸
۳. تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام ۸۰
- فصل پنجم : کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری ۸۳
- اشاره ۸۳
۱. منابع قابل استناد ۸۵
۲. منابع غیر قابل استناد ۸۷
- اشاره ۸۷
۱. مقتل منسوب به ابومخنف ۹۱
۲. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام ۹۴
۳. روضه الشهداء ۹۵
۴. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب ۹۷
۵. محرق القلوب ۹۸
۶. اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات «اسرار الشهاده» ۹۹
۷. ناسخ التواریخ ۱۰۲
۸. عنوان الکلام ۱۰۳
۹. تذکره الشهداء ۱۰۴
۱۰. معالی السبطين ۱۰۵

| | |
|-----|--|
| ۱۰۷ | ۳. منابع معاصر |
| ۱۰۹ | فصل ششم: تحلیلی در باره متفردات منابع متأخر |
| ۱۰۹ | دلایل بهره نبردن از منابع متأخر |
| ۱۰۹ | اشاره |
| ۱۱۰ | ۱. ارائه مستند واقعه عاشورا |
| ۱۱۰ | ۲. عدم نیاز به گزارش متفردات منابع متأخر |
| ۱۱۱ | ۳. تمایز روشن گزارش های منابع کهن و منابع جدید |
| ۱۱۱ | یک نکته |
| ۱۱۲ | اقسام گزارش منابع متأخر |
| ۱۱۴ | نمونه هایی از متفردات منابع متأخر |
| ۱۱۴ | ۱. فتوای شریح قاضی در باره امام حسین علیه السلام |
| ۱۱۴ | ۲. نوازش دختر مسلم |
| ۱۱۵ | ۳. دستور خاموشی در شب عاشورا |
| ۱۱۷ | ۴. داستان هلال و حبیب و آوردن اصحاب به کنار خیمه اهل بیت |
| ۱۱۹ | فهرست شماری دیگر از متفردات منابع متأخر |
| ۱۲۹ | فهرست منابع و مأخذ |
| ۱۴۵ | درباره مرکز |

فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهدا علیه السلام / محمد محمدی ری شهری.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۱۱ ص.

شابک : ۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۴۲-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۰۱ - ۱۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. — سوگواری ها.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق. — مرثی.

رده بندی کنگره : ۳/۲۶۰/۳BP/م۳۵ف۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۳۱۲۵

ص : ۱

اشاره

ص: ۷

پیش گفتار

پیش گفتار مرثیه سرایی و عزاداری برای سید الشهداء، به دلیل اهداف بلند و نقش سازنده فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن، از جایگاه ویژه‌ای در سخن و سیره اهل بیت برخوردار است. اما باید توجه داشت که این حرکت پر برکت، مانند همه اقدامات مفید و سودمند، بدون آفت نیست. بی تردید شیاطین جن و انس، تلاش می‌کنند تا هر حرکت سازنده فرهنگی را دچار آفت نمایند تا آن را بی اثر کنند، یا لاقلاً از آثار و برکات آن بکاهند، و از این رو، هر چه فعالیت‌های فرهنگی مؤثرتر باشد، آفات خطرناکتری آنها را تهدید می‌نماید. بدین جهت، نقش فوق‌العاده سازنده فرهنگ عاشورا در زمینه‌سازی جهت حاکمیت ارزش‌ها، سبب شده تا دشمنان پیدا و ناپیدای اسلام ناب، از دیرباز برای تحریف این فرهنگ، برنامه‌ریزی نمایند، و این تلاش‌ها پس از نقش آفرینی فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشدید گردیده است.

ص: ۸

و بدین سان ، بر همه مرزبانان اسلام ناب و پاسداران فرهنگ اصیل عاشورا ، و علاقه مندان به اهل بیت علیهم السلام ، فرض است ، که همه توان خود را در جهت آفت زدایی و پالایش فرهنگ عاشورا ، و فرهنگ سازی صحیح مرثیه سرایی و عزاداری سید الشهداء به کار گیرند ، و نقشه دشمنان را نقش بر آب نمایند . تا آن جا که ما می دانیم نخستین کتابی که بدین منظور تألیف شده کتاب «لؤلؤ و مرجان»^(۱) نوشته محدث نوری است ، همچنین استاد شهید ، علامه مطهری رحمه الله علیه در «حماسه حسینی» همین هدف را تعقیب کرده است . اما فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سید الشهداء ، ضمن ادامه راه «لؤلؤ و مرجان» و «حماسه حسینی» اشاره به این نکته مهم دارد که در نظام جمهوری اسلامی برای آفت زدایی فرهنگ عاشورا نباید به گفتن و نوشتن و رهنمود بسنده کرد ، بلکه باید به گونه ای برنامه ریزی نمود که مرثیه سرایی و عزاداری به شیوه صحیحی که مورد رضای خدا و اهل بیت است به صورت یک فرهنگ ، همگانی گردد ، و همه نهادهای فرهنگی نظام ، به ویژه صدا و سیما برای این فرهنگ سازی ، برنامه ریزی و تلاش کنند . فصل یکم این فرهنگ نامه ^(۲) اختصاص به تبیین جایگاه مرثیه سرایی و عزاداری برای سید الشهداء در سخن و سیره اهل بیت

۱- این کتاب در سال ۱۳۱۹ هجری قمری ، یکصد و ده سال پیش ، نگارش یافته است .

۲- گفتنی است که این فرهنگ نامه ، بخشی از دانش نامه امام حسین علیه السلام است که به دلیل شدت نیاز به آن ، به صورت مستقل نیز تقدیم علاقمندان می گردد .

ص: ۹

دارد. در این فصل، به مرثیه سرایان آن حضرت پیش از واقعه کربلا و نخستین مرثیه سرایان، پس از این واقعه اشاره شده، و زنده نگهداشتن یاد سید الشهداء و تداوم عزاداری برای آن حضرت مورد تأکید قرار گرفته است. در فصل دوم توضیح داده شده که اصلی ترین فلسفه قیام وشهادت امام حسین علیه السلام جهل زدایی و زمینه سازی برای حاکمیت ارزش های انسانی و اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام است. فصل سوم که بزرگترین فصل این فرهنگ نامه است اختصاص دارد به آسیب شناسی فرهنگ عاشورا، در این فصل، تحریف هدف عزاداری سید الشهداء، استناد به منابع غیر معتبر در مرثیه سرایی، گزارش های ذلت بار از واقعه کربلا، غلو درباره اهل بیت، دروغ در مرثیه سرایی، و بدعت در نحوه عزاداری به عنوان مهم ترین آسیب های مرثیه سرایی و عزاداری، مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل چهارم توضیح داده شده که مجالس عزاداری هدفمند دارای سه ویژگی است، اول: خدا محوری، دوم: ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا، و سوم: تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام. در فصل پنجم، کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری، مورد بررسی قرار گرفته است، در این فصل، منابع تاریخ عاشورا و عزاداری به چهار گروه تقسیم شده و منابع قابل استناد و غیر قابل استناد که آشنایی با آنها به شدت مورد نیاز اهل منبر و مرثیه سرایان

ص: ۱۰

است به تفصیل ، تبیین گردیده است . (۱) در آخرین فصل این فرهنگ نامه ، به تحلیلی درباره متفردات منابع متأخر پرداخته ایم ، که ابتدا دلائل بهره نبردن خود از منابع متأخر و اقسام گزارش های این منابع ، بیان شده و در ادامه ، شماری از گزارش هایی که در منابع متأخر آمده یا در افواه ، شهرت یافته اند ، اما در منابع اصلی دیده نمی شوند ، گردآوری شده است . از خداوند منان می خواهم که در کنار دانش نامه امام حسین علیه السلام به این فرهنگ نامه ، برکتی عنایت کند که در سال نوآوری (۲) ، حرکتی نو در راه فرهنگ سازی صحیح مرثیه سرایی پدید آید و دست اندرکاران امور فرهنگی کشور ، و خطبا و مرثیه سرایان با مطالعه دقیق آن ، موجبات شکوفایی هر چه بیشتر فرهنگ عاشورا و بهره برداری از آن در جهت زمینه سازی حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم سازند ، آمین . اللهم ارزقنا شفاعه الحسين عليه السلام يوم الورد وثبت لنا قدم صدق عندك مع الحسين وأصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام . محمدی ری شهری ۱۰ / ۵ / ۱۳۸۷ ۲۸ رجب ۱۴۲۹

۱- .گفتنی است که این فصل توسط فاضل ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی تهیه شده که در همین جا از ایشان صمیمانه تشکر می کنم . جزاه الله عن اهل بیت نبیه خیر الجزاء .

۲- . سال ۱۳۸۷ هجری شمسی توسط رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای «سال نوآوری و شکوفایی» نامیده شده است .

فصل یکم: جایگاه مرثیه سرایی و عزاداری در سخن و سیره پیشوایان

اشاره

فصل یکم: جایگاه مرثیه سرایی عزاداری در سخن و سیره پیشوایان بر پایه روایات، مرثیه سرایی برای سالار شهیدان و یارانش، و عزاداری برای آنان و گریه بر مصایبی که بر ایشان گذشت، خصوصاً در دهه اول محرم و بالاخص در روز عاشورا مورد تأکید خاندان رسالت است. عزاداری برای سید الشهداء در حقیقت اظهار محبت به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که قرآن مودت آنها را واجب کرده است: (قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ). (۱) بگو در برابر این (رسالت) مزدی از شما نمی خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندان (مرا)). عزاداری برای سید الشهداء، اظهار همدردی در بزرگترین مصایبی است که برای اهل بیت علیهم السلام و در واقع برای اسلام پیش آمد. شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده که می فرماید: ...رَجِمَ اللَّهُ شَيْعَتَنَا، شَيْعَتُنَا - وَاللَّهِ - هُمُ الْمُؤْمِنُونَ، فَقَدْ - وَاللَّهِ - شَرِّ كُونَا

ص: ۱۲

فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَالْحَسْرَةِ (۱) خداوند شیعیان ما را رحمت کند - به خدا سوگند- آنان حقیقتاً مؤمنند. به خدا سوگند، آنان در اندوه و حسرتی مدام، در عزای ما سهیمند. و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده: اللَّهُمَّ ... وَارْحَمِ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَزَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا ، وَارْحَمِ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا ، وَارْحَمِ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا (۲) بار خدایا ... و بر آن چشم هایی که از سر ترحم بر ما اشک هایشان روان شد، رحم کن، و بر آن دل هایی را که بی تاب شدند و به حال ما سوختند، رحم نما، و بر شیون هایی که برای ما بلند گردیدند، ترحم آور. عزاداری برای سید الشهداء یکی از بزرگ ترین مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای دل ها است (۳). تحقیقاً یکی از مهم ترین امتیازات جامعه شیعه ، برخورداری از چشمه پر فیض نورانیت و معنویت عاشورا است . این چشمه جوشان از نخستین روزی که موضوع ذکر مصیبت سید الشهداء و یارانش مطرح شد ، جریان یافت و تا امروز همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت .

۱- .ثواب الأعمال : ص ۲۵۷ ح ۳ .

۲- .الکافی : ج ۴ ص ۵۸۳ ح ۱۱ .

۳- .(وَمِنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ؛ و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد ، در حقیقت این [حاکمی] از پاکی دلهاست) (حج : آیه ۳۲) .

ص: ۱۳

۱. مرثیه سرایان سید الشهداء پیش از واقعه کربلا

ائمه اهل بیت علیهم السلام به جز تأکیدهای مستقیم قولی به گونه های دیگری نیز بر اهمیت عزاداری و زنده نگه داشتن آن تأکید داشته اند که به مواردی اشاره می گردد:

۱. مرثیه سرایان سید الشهداء پیش از واقعه کربلا بر پایه روایات ، نخستین کسی که قبل از واقعه کربلا برای سید الشهداء مرثیه سرایی کرده خداوند متعال است که آدم ابو البشر ، ابراهیم خلیل و خاتم انبیا علیهم السلام را از مصیبتی که برای آن حضرت پیش خواهد آمد ، آگاه فرموده است ، و آنان بر این مصیبت گریسته اند . (۱) همچنین حضرت عیسی علیه السلام هنگام عبور از کربلا به مصیبت حسین علیه السلام اشاره کرده و همراه با حواریون خود بر مصایب آن حضرت گریسته است . (۲) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نیز بارها به حوادث خونبار کربلا- اشاره کرده و همراه با فاطمه زهرا علیها السلام بر فرزند عزیز خود اشک ریخته اند . (۳)

-
- ۱- . کمال الدین : ص ۲۸۲ ح ۳۶ ، الخصال : ص ۵۸ ح ۷۹ ، عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج ۱ ص ۲۰۹ ح ۱ ، الارشاد : ج ۲ ص ۱۳۰ ، کامل الزیارات : ص ۱۲۵ ح ۱۳۹ ، کشف الغمه : ج ۲ ص ۲۷۰ ، بحار الأنوار : ج ۴۴ ص ۲۴۵ ح ۴۴ .
 - ۲- . کمال الدین : ص ۵۳۱ ح ۱ ، الأملی ، صدوق : ص ۶۹۵ ح ۹۵۱ ، الخرائج والجرائح : ج ۳ ص ۱۱۴۳ ح ۵۵ ؛ الفتوح : ج ۲ ص ۵۵۳ .
 - ۳- . الأملی ، صدوق : ص ۱۹۷ ح ۲۰۸ ، المناقب ، کوفی : ج ۲ ص ۲۷۹ ح ۷۴۶ .

۲. نخستین مرثیه سرایان سید الشهداء پس از واقعه کربلا

۲. نخستین مرثیه سرایان سید الشهداء پس از واقعه کربلا پس از واقعه عاشورا، نخستین مرثیه سرایان سید الشهداء و یارانش فرزندش زین العابدین، خواهر بزرگوارش زینب کبرا، دختران امام، امّ کلثوم و فاطمه صغرا و همسرش رباب بوده اند که در کربلا، کوفه و شام، با مرثیه سرایی های هدمند خود، راه سالار شهیدان را ادامه دادند. اما در مدینه، نخستین مرثیه سرا همزمان باشهادت امام حسین علیه السلام، ام سلمه همسر بزرگوار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود، یعقوبی در این باره می نویسد: *كَانَ أَوَّلَ صَارِحِهِ صَرَخَتْ فِي الْمَدِينَةِ أُمُّ سَلَمَةَ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ .* نخستین ضجه زننده ای که در مدینه ضجه اش بلند شد، ام سلمه همسر رسول خدا بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شیشه ای که در آن خاکی قرار داشت به ام سلمه داده بود و فرموده بود که: «هر گاه این خاک تبدیل به خون تازه شود حسین علیه السلام کشته شده است». روز عاشورای سال ۶۱ هجری آن خاک تبدیل به خون تازه شد، و ام سلمه با دیدن آن فریاد کشید: *وَاحْسِينَاهُ! وَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! واحسینا،* واپسر رسول خدا شیون و زاری و مرثیه سرایی ام سلمه برای امام حسین علیه السلام به

ص: ۱۵

گونه ای بود که به دنبال آن ، مدینه یکپارچه عزادار شد : وَتَصَارَخَتِ النِّسَاءُ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ ، حَتَّى ارْتَفَعَتِ الْمَدِينَةُ بِالرَّجِّهِ الَّتِي مَا سُمِعَ بِمِثْلِهَا قَطُّ. (۱) و زنان شیون کردند تا این که در مدینه چنان ولوله ای شد که تا آن زمان شنیده نشده بود. سال ۶۱ هجری سال حزن نامیده شد (۲) و بر پایه گزارش دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام پس از واقعه عاشورا سه سال تمام بر آن حضرت مرثیه سرایی می شد (۳) ، همچنین طبق گزارشی دیگر ، از شهدات آن حضرت تا هلاکت ابن زیاد اهل بیت از عزا بیرون نیامدند : مَا اخْتَضَبَتْ مِنَّا امْرَأَةٌ ، وَلَا اَدَّهَنْتْ ، وَلَا اَكْتَحَلَّتْ ، وَلَا رَجَلَتْ ، حَتَّى اُتَانَا رَأْسُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ ، وَمَا زِلْنَا فِي عَبْرَةٍ بَعْدَهُ. (۴) هیچ یک از زنان ما خضاب نکرد، و روغنی استفاده نکرد و سرمه نکشید، و شانه نزد تا این که سر عبیدالله بن زیاد را برایمان آوردند، ما همواره پس از آن ماجرا گریان بودیم.

۱- تاریخ یعقوبی : ج ۲ ص ۲۴۵ .

۲- مقتل الحسین ، خوارزمی : ج ۲ ص ۴۰ ، التذکره ، قرطبی : ج ۲ ص ۴۵۳ .

۳- دعائم الاسلام : ج ۱ ص ۲۲۷ .

۴- کامل الزیارات : ص ۱۶۷ ح ۲۱۹ . نیز، ر. ک: التذکره الحمدونیه: ج ۹ ص ۱۵۰ ش ۳۵۹ ؛ هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، در هر خانه ای در مدینه به مدت یک سال تمام نوحه سرایی بود، و در سال دوم، در هر جمعه و در سال سوم، در دو ماه سوگواری به پا می شد. نیز ، ر. ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش دوازدهم / فصل یکم : تداوم سوگواری اهل بیت امام تا کشته شدن ابن زیاد .

۳. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهدا

۴. تأکید بر زنده نگهداشتن یاد سید الشهدا

۳. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهدانخستین کسانی که در عزای امام حسین علیه السلام لباس سیاه پوشیدند ، ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و زن های بنی هاشم بودند .(۱) این اقدام ، نشان می دهد که لباس سیاه از زمان های گذشته علامتِ عزا بوده ، ابو مسلم هم در آغاز قیام خود برای استفاده تبلیغاتی علیه حکومت بنی امیه لباس سیاه را انتخاب کرد . آنها می گفتند : هَذَا السَّوَادُ حِدَادُ آلِ مُحَمَّدٍ وَشُهَدَاءِ كَرْبَلَا وَزَيْدٍ وَيَحْيَى .(۲) این لباس سیاه ، عزای آل محمد و شهیدان کربلا و زید و یحیی است . در زمان معاصر نیز در میان پیروان اهل بیت علیهم السلام لباس سیاه نشانه عزاداری است .

۴. تأکید بر زنده نگه داشتن یاد سید الشهدا در روایات تأکید فراوان بر تداوم یاد سید الشهدا شده است ، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که هنگام یاد آن حضرت سه بار بگو : صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ .(۳) درود بر تو ای ابو عبدالله .

۱- .المحاسن : ج ۲ ص ۱۹۵ ح ۱۵۶۴ ، الأملی ، شجری : ج ۱ ص ۱۶۴ ، شرح الأخبار : ج ۳ ص ۱۷۱ ح ۱۱۱۹ .

۲- .المناقب ، ابن شهر آشوب : ج ۳ ص ۳۰۰ .

۳- .الكافی : ج ۴ ص ۵۷۵ ح ۲ ، تهذیب الأحكام : ج ۶ ص ۱۰۳ ح ۱۸۰ ، المزار ، مفید : ص ۲۱۴ ح ۱ ، الأملی ، طوسی : ص ۵۴ ح ۷۳ .

۵. تأکید بر تداوم عزاداری

که این سلام از نزدیک و دور به او ابلاغ می شود. همچنین یاد کردن آن حضرت هنگام نوشیدن آب توصیه شده است: *وما من عبد شرب الماء فذكر الحسين عليه السلام وأهل بيته ولعن قاتله، إلا كتب الله عز وجل له مئة ألف حسنة، وخط عنه مئة ألف سيئة، ورفع له مئة ألف درجة*. (۱) هیچ کس نیست که آب بنوشد و یاد حسین علیه السلام و خاندانش کند و کشنده اش را لعن کند، مگر این که خداوند، برایش یک صد هزار حسنه بنویسد، و یک صد هزار گناه را از او بزدايد و یک صد هزار درجه برایش بدهد. (۲) با عنایت به نیاز مکرر انسان در شبانه روز به نوشیدن آب، توصیه به سلام بر آن حضرت و لعن بر قاتلانش هنگام نوشیدن آب، بدین معنا است که پیروان اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه نباید ماجرای کربلا- را فراموش کنند و خاطره مبارزه با ظلم و ظالم و شهادتجانگداز سلاله پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله در این راه، برای همیشه، باید در تاریخ زنده بماند.

۵. تأکید بر تداوم عزاداری تأمل در توصیه اهل بیت علیهم السلام بر اقامه مجالس عزا برای شهدای کربلا و

۱- الکافی: ج ۶ ص ۳۹۱ ح ۶، کامل الزیارات: ص ۲۱۲ ح ۳۰۴.

۲- ر. ک: دانش نامه امام حسین علیه السلام: بخش دوازدهم / فصل دوم: به یاد مصیبت حسین علیه السلام بودن در هنگام آشامیدن آب.

ص: ۱۸

زنده نگاه داشتن خاطره عاشورا، تشویق آنان به سرودن شعر درباره این فاجعه بزرگ تاریخ اسلام، بشارت به پاداش های بزرگ در گریاندن و گریستن بر این مصیبت عظمی، تأکید بر اهمیت عزاداری در دهه اول محرم، خصوصاً در روز عاشورا(۱)، به روشنی بیانگر این حقیقت است که عزاداری برای سید الشهداء و یارانش، هدف بزرگی را تعقیب می کند که تا آن هدف تحقق نیافته، سنت عزاداری در میان پیروان اهل بیت باید تداوم یابد. بنا بر این مسئله مهم این است که هدف و حکمت ضرورت تداوم عزاداری برای سید الشهداء چیست؟

۱- ر. ک: روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش نامه امام حسین علیه السلام بخش دوازدهم آمده است.

فصل دوم : فلسفه عزاداری

فصل دوم : فلسفه عزاداری شناخت فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام ، نخستین گام در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت ساز پیروان اهل بیت علیهم السلام است . زیرا عزاداری بدون معرفت نه تنها ارزشی ندارد ، بلکه چه بسا به زیان اهداف اصلی این حرکت ارزشمند نیز باشد . بر پایه روایتی در رهنمودهای امام علی علیه السلام به کمیل آمده که می فرماید : ما مِنْ حَرَكَهٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ (۱) هیچ حرکتی [برای انجام کاری] نیست، مگر این که تو در آن به شناخت نیازمندی. ممکن است در پاسخ به فلسفه عزاداری ، گفته شود که مطابق نص صریح و روشن قرآن محبت خاندان رسالت واجب است (۲) ، بنا بر این می توان گفت فلسفه گریه بر امام حسین علیه السلام و اقامه عزا برای مصایب ایشان ، اظهار ارادت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آن بزرگوار است .

۱- تحف العقول : ص ۱۷۱ . و نیز ، ر . ک : دانش نامه عقاید اسلامی : ج ۲ ص ۳۱۰ ح ۱۴۳۱ .

۲- ر . ک : ص ۱۱ .

ص: ۲۰

بی تردید، اظهار محبت نسبت به خاندان پیامبر از طریق سوگواری برای سالار شهیدان همانطور که اشاره شده پسندیده و تعظیم شعائر الهی است، لیکن تأمل در روایاتی که توصیه و تأکید بر تداوم اقامه ماتم بر سید الشهداء دارند ایجاب می کند که عزاداری برای ایشان، فلسفه ای بسیار فراتر از اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد. بلکه از نگاه سید بن طاووس، اگر امثال امر کتاب و سنت نبود، اظهار محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام ایجاب می کرد که به دلیل منزلت والایی که امام حسین علیه السلام و یارانش به واسطه شهادتبدان دست یافتند، اظهار مسرت و شادمانی کنیم، متن سخن ایشان این است: اگر نبود که پوشیدن لباس سوگ و مصیبت، به خاطر از میان رفتن نشانه های هدایت و تأسیس پایه های گمراهی، و تأسف بر سعادت که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی امثال امر کتاب و سنت است، ما در برابر آن نعمت بزرگ لباس شادی و خوشحالی می پوشیدیم. و چون در بی تابی و سوگواری، خشنودی صاحب روز معاد هست و نیکان در آن غرضی دارند، ما لباس عزا پوشیدیم و همواره اشک ریختیم و به چشم هایمان، گفتیم: همواره بگریید و به دل هایمان گفتیم: همانند زنان جوان مرده ماتم بگریید. (۱) بنا بر این، باید دید حکمت آن همه تأکید بر عزاداری و گریه برای ابی عبد الله علیه السلام چیست؟

بنا بر این هر چه فلسفه‌شهادت‌آو باشد ، فلسفه عزاداری برای او نیز هست .

فلسفه‌شهادت‌آو امام حسین علیه السلام اصلی ترین فلسفه قیام وشهادت‌سید الشهداء علیه السلام مبارزه با جهل و از این طریق زمینه سازی برای حاکمیت ارزش های انسانی و اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام است . بر پایه آن چه بسیاری از منابع معتبر از امام صادق علیه السلام گزارش کرده اند ، ایشان در این باره می فرماید :...وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ (۱). و خونس را به خاطر تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی بیرون آورد . همه آن چه در تبیین فلسفه قیام وشهادت‌آو امام حسین علیه السلام ذکر شده (۲) ، در فلسفه جهل زدایی خلاصه می شود . جهل زدایی نه تنها فلسفه قیام سید الشهداء بلکه فلسفه بعثت خاتم الانبیا و نزول قرآن است : (كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) (۳). [این قرآن] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا مردم

-
- ۱- تهذیب الأحكام : ج ۶ ص ۱۱۳ ح ۲۰۱ ، المزار الكبير : ص ۵۱۴ ح ۱۰ ، الأقبال : ج ۳ ص ۱۰۲ ، مصباح المتعجد : ص ۷۸۸ ، المصباح ، کفعمی : ص ۶۴۹ .
 - ۲- ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : ج ۴ (تحلیلی درباره اهداف قیام امام حسین علیه السلام) .
 - ۳- ابراهیم : آیه ۱ .

ص: ۲۲

را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری). فلسفه بعثت انبیاء پیشین نیز جهل زدایی بوده است: (وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۱). ما موسی را با آیات خود فرو فرستادیم (ودستور دادیم) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر). در حقیقت، «جهل» ریشه همه مصایب و مفسدات جامعه بشر است، چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده: الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ (۲). نادانی، ریشه همه بدی‌هاست. و بر این اساس اصلی‌ترین کار انبیاء و اولیای الهی ریشه کن کردن بیماری جهل از جامعه است؛ زیرا تا این بیماری علاج نگردد نمی‌توان انتظار داشت که ارزش‌های دینی بر جامعه حاکم گردد. امام حسین علیه السلام نیز برای تحقق این آرمان بلند، خون پاک خود را در راه خدا اهداء کرد و بدین سان اصلی‌ترین فلسفه زنده نگهداشتن مکتبشهادتبه وسیله عزاداری آن حضرت نیز، جهل زدایی جامعه اسلامی است و تا درمان کامل این بیماری خطرناک اجتماعی و حاکمیت مطلق ارزش‌های اسلامی در جهان، تداوم این مکتب ضروری است.

۱- ابراهیم: آیه ۵. نیز، ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۴۴.

۲- غرر الحکم: ح ۸۱۹.

فصل سوم : آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری

اشاره

فصل سوم : آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری در عصر حاضر ، آشنایی با آفاتی که هدف و فلسفه عزاداری سالار شهیدان را تهدید می کنند ، مهم ترین و اساسی ترین گام در راه تحقق اهداف ارزشمند این دستورالعمل سازنده اهل بیت عصمت و طهارت است و از این رو این مسأله با شرح و بسط بیشتری ارائه می شود . نقش فرهنگ اصیل عاشورا در جهل زدایی جوامع اسلامی و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام ، ایجاب می کند که اسلام ستیزان مستکبر - اعم از آنها که رسماً در مقابل اسلام قرار دارند یا کسانی که به نام اسلام بر مسلمین حکومت می کنند - در دوران های مختلف تاریخ برای تحریف آن برنامه ریزی کنند ، چرا که آنان از جهل مردم تغذیه می کنند ، و بیداری امت اسلامی بنیاد حاکمیت آنها را فرو می ریزد . نقش فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نهضت های آزادیبخش اسلامی ، موجب گردیده که تلاش های استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا برای تحریف فرهنگ عاشورا

۱. تعریف هدف عزاداری

مضاعف گردد و با توطئه های پیچیده تری وارد عرصه نبرد با این میراث گرانبهای فرهنگی شوند. (۱) اکنون باید دید چگونه فرهنگ اصیل عاشورا به وسیله دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه تحریف می شود؟ و چه آفاتی مجالس عزاداری سالار شهیدان را تهدید می کند؟ پاسخ اجمالی این سؤال این است که: هر چه با فلسفه عزاداری یعنی: جهل زدایی جامعه اسلامی و نیز با ویژگی های مجالس عزاداری هدفمند، یعنی: خدامحوری، ارائه تحلیل واقع بینانه از حادثه عاشورا و بهره گیری صحیح از احساسات و عواطف مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام، در تضاد باشد، آفت مجالس عزاداری سید الشهداء است. اینک برای توضیح این اجمال به مهم ترین آسیب ها اشاره می کنیم:

۱. تحریف هدف عزاداری خطرناکترین آفت عزاداری سید الشهداء، تحریف هدف آن است. پیش از این اشاره کردیم که فلسفه عزاداری امام حسین با فلسفه شهداتآن حضرت یکی است، بنا بر این تحریف هدف عزاداری، تحریف هدف شهداتآن بزرگوار نیز هست.

۱- برای نمونه بنگرید به کتاب نقشه ای برای جدایی مکاتب الهی...، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۸۴، ش ۷۷۲۲.

ص: ۲۵

این تحریف به دو گونه می‌تواند تجلی یابد: یکی آن که به جای روشنی بخشی و احیاگری تنها به آموزش گناهان و پاک سازی معنوی خلاصه گردد. و دیگر آن که به جای تأکید بر بُعد حماسی به جنایت یزیدیان و ستمگران در این حادثه پرداخته شود. این سخن بدان معنا نیست که آموزش گناهان و پاکسازی معنوی بر عزاداری بار نیست و یا این که نباید جنایت های ستم پیشگان را برشمرد، بلکه غرض پرهیز از نگاه تجزیه ای است. اینک به توضیح این دو مطلب می پردازیم: اگر به جای جهل زدایی و احیاء ارزش های اسلامی، فلسفه عزاداری برای سالار شهیدان، در پاک سازی گناه کاران از گناه خلاصه شود، در واقع هدفشهادت‌تمام و عزاداری برای آن حضرت تحریف شده است، یعنی دقیقاً همان تحریفی که در آیین مسیحیت در مورد حضرت عیسی علیه السلام تحقق یافت. استاد شهید مطهری در این باره می گوید: من نمی دانم کدام جانی یا جانی هایی جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی علیه‌السلام وارد کردند، و آن این که هدف حسین بن علی علیه‌السلام را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی ها در مورد مسیح گفتند درباره حسین گفتند که حسین کشته شد برای آن که بار گناه امت را به دوش بگیرد، برای این که ما گناه بکنیم و خیالمان

ص: ۲۶

راحت باشد، حسین کشته شد برای این که گناهکار تا آن زمان کم بود، بیشتر بشود... (۱). استاد مطهری درباره نوعی دیگر از تحریف هدف عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام چنین می گوید: چرا ائمه اطهار علیهم السلام (حتی از پیغمبر اکرم روایت است) گفتند که این نهضت باید زنده بماند، فراموش نشود، مردم برای امام حسین بگریند؟ هدف آنها از این دستور چه بوده است؟ ما آن هدف واقعی را مسخ کردیم. گفتیم فقط به خاطر این است که تسلی خاطر برای حضرت زهرا علیها السلام باشد! با این که ایشان در بهشت همراه فرزند بزرگوارشان هستند، دائماً بی تاب می کنند تا ما مردم بی سر و پا یک مقدار گریه کنیم تا تسلی خاطر پیدا کنند، آیا توهینی بالاتر از این برای حضرت زهرا پیدا می کنید؟! (۲) خیال می کنیم حسین بن علی در آن دنیا منتظر است که مردم برایش دلسوزی کنند یا العیاذ بالله حضرت زهرا علیها السلام بعد از هزار و سیصد سال، آن هم در جوار رحمت الهی، منتظر است که... برای او گریه بکنند تا تسلی خاطر پیدا کند! چند سال پیش در کتابی دیدم که نویسنده مقایسه ای میان حسین بن علی و عیسی مسیح کرده بود، نوشته بود که عمل مسیحیها بر عمل مسلمین (شیعیان) ترجیح دارد، زیرا آنها روزشهادت عیسی مسیح

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۲۷.

۲- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۷۸.

ص: ۲۷

را جشن می گیرند و شادمانی می کنند ، ولی اینها در روزشهادت حسین بن علی مرثیه خوانی و گریه می کنند . عمل آنها بر عمل اینها ترجیح دارد ، زیرا آنهاشهادت را برای عیسی مسیح موفقیت می دانند نه شکست ، و چون موفقیت می دانند شادمانی می کنند . اما مسلمینشهادت را شکست می دانند و چون شکست می دانند گریه می کنند . خوشا به حال ملّتی کهشهادت را موفقیت بشمارد و جشن بگیرد و بدا به حال ملّتی کهشهادت را شکست بداند و به خاطر آن مرثیه خوانی بکند . جواب این است که اولاً دنیای مسیحی که اینشهادت را جشن می گیرد ، روی همان اعتقاد خرافی است که می گوید عیسی کشته شد تا بار گناه ما بریزد ، و چون به خیال خودش سبکبال شده و استخوانش سبک شده آن را جشن می گیرد ، در حقیقت او جشن سبکی استخوان خودش را به خیال خودش می گیرد ، و این یک خرافه است . ثانیاً این همان فرق اسلام و مسیحیت تحریف شده است که اسلام یک دین اجتماعی و مسیحیت ، دینی است که همه آن چیزی که دارد اندرز اخلاقی است . از طرف دیگر گاه به یک حادثه از نظر فردی نگاه می کنیم و گاه از نظر اجتماعی . از نظر اسلامشهادت حسین بن علی علیهما السلام از دیدگاه فردی یک موفقیت بود . (۱) گفتنی است که آن چه تحریف هدف عزاداری برای امام حسین علیه السلام است خلاصه کردن آن در پاک سازی گناهان شبیه باور خرافی

۱- حماسه حسینی : ج ۱ ص ۱۲۸ .

ص: ۲۸

مسیحیان درباره مصلوب شدن حضرت عیسی است و این به معنای نفی نقش عزاداری در آموزش گناهان نیست. به سخن دیگر، هدف عزاداری بر امام حسین علیه السلام جهل زدایی و احیاء ارزش های دینی است و عزاداری با این هدف برکات فراوانی برای فرد و جامعه دارد(۱) که یکی از آنها آموزش گناهان و سالم سازی روانی انسان هاست که این برکت نیز دقیقاً در جهت احیاء ارزش های اسلامی قرار دارد. از سوی دیگر حادثه عاشورا در یک نگاه کلی و واقع بینانه، دارای دو بُعد است: یکی بُعد جنایت و مظلومیت و دیگری بُعد حماسه، عزت و عظمت. از این رو تحلیل و تبیین صحیح این حادثه در صورتی امکان پذیر است که این دو بُعد در کنار هم دیده شود و ارائه گردد، در غیر این صورت، مخاطب درک درستی از این جریان مهم تاریخ اسلام پیدا نخواهد کرد. استاد مطهری قدس سرّه در این باره می گوید: حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا دو صفحه دارد: یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی که هر دو صفحه اش یا بی نظیر است و یا کم نظیر. اما صفحه سیاه و تاریکش از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت بی نظیر و یا کم نظیر می بینیم ...

۱- ر. ک: دانش نامه امام حسین علیه السلام: بخش یازدهم / فصل چهارم: گریستن و گریاندن بر سید الشهداء و یارانش / ثواب گریه بر آنان.

ص: ۲۹

از این نظر حادثه کربلا یک جنایت و یک تراژدی است ، یک مصیبت است ، یک رثاء است . این صفحه را که نگاه می کنیم ، در آن ، کشتن بی گناه می بینیم ، کشتن جوان می بینیم ، کشتن شیرخوار می بینیم ، اسب بر بدن مرده تاختن می بینیم ، آب ندادن به یک انسان می بینیم ، زن و بچه را شلاق زدن می بینیم ، اسیر را بر شتر بی جهاز سوار کردن می بینیم . از این نظر قهرمان حادثه کیست ؟ واضح است وقتی که حادثه را از جنبه جنایی نگاه کنیم ، آن که می خورد قهرمان نیست ، آن بیچاره مظلوم است . قهرمان حادثه در این نگاه یزید بن معاویه است ، عبید الله بن زیاد است ، عمر سعد است ، شمر بن ذی الجوشن است ، خولی است و یک عده دیگر . لذا وقتی که صفحه سیاه این تاریخ را مطالعه می کنیم ، فقط جنایت و رثاء بشریت را می بینیم . پس اگر خواهیم شعر بگوییم چه باید بگوییم ؟ باید مرثیه بگوییم و غیر از مرثیه گفتن چیز دیگری نیست که بگوییم . باید بگوییم : ز آن تشنگان هنوز به عتیق می رسد فریاد العطش زیبایان کربلا(۱) آیا آیا تاریخچه عاشورا فقط همین یک صفحه است ؟ آیا فقط رثاء است ؟ فقط مصیبت است و چیز دیگری نیست ؟ اشتباه ما همین است . این تاریخچه یک صفحه دیگر هم دارد که قهرمان آن صفحه ، دیگر پسر معاویه نیست ، پسر زیاد نیست ، پسر سعد نیست ، شمر نیست . در آنجا ، قهرمان حسین است . در آن

ص: ۳۰

صفحه ، دیگر جنایت نیست ، تراژدی نیست ، بلکه حماسه است ، افتخار و نورانیت است ، تجلی حقیقت و انسانیت است ، تجلی حق پرستی است . آن صفحه را که نگاه کنیم ، می گوئیم بشریت حق دارد به خودش ببالد . اما وقتی صفحه سیاهش را مطالعه می کنیم می بینیم که بشریت سرافکنده است و خودش را مصداق آن آیه می بیند که می فرماید : (قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ) (۱) . مسلماً جبرئیل امین در مقابل اعلام خدا که فرمود : (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) (۲) سؤالی نمی کند ، بلکه آن دسته از فرشتگان که فقط صفحه سیاه بشریت را می دیدند و صفحه دیگر آن را نمی دیدند ، از خدا این سؤال را کردند که آیا می خواهی کسانی را در زمین قرار دهی که فساد کنند و خون ها بریزند ؟ و خدا در جواب آنها فرمود : (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) . (۳) آن صفحه ، صفحه ای است که ملک اعتراض می کند ؛ بشر سرافکنده است و این صفحه ، صفحه ای است که بشریت به آن افتخار می کند . چرا باید حادثه کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم ؟ و چرا باید همیشه جنایتهای کربلا گفته شود ؟ چرا همیشه باید حسین بن علی از آن جنبه ای که مورد جنایت جانان است مورد

-
- ۱- ملائکه گفتند : پروردگارا! آیا در زمین کسی را خواهی گماشت که در آن فساد کند و خونها بریزد و حال آنکه ما خود ، تو را تسبیح و تقدیس می کنیم ؟ (بقره : آیه ۳۰) .
 - ۲- من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد (بقره : آیه ۳۰) .
 - ۳- من می دانم چیزی را که شما نمی دانید (بقره : آیه ۳۰) .

۲. استناد به منابع غیر معتبر

مطالعه ما قرار بگیرد؟ چرا شعارهایی که به نام حسین بن علی می دهیم و می نویسیم، از صفحه تاریخ عاشورا گرفته شود؟ چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می کنیم، در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر جنبه جنائی آن می چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می چربد، پس باید اعتراف کنیم که یکی از جانی های بر حسین بن علی علیهما السلام ما هستیم که از این تاریخچه فقط یک صفحه اش را می خوانیم و صفحه دیگرش را نمی خوانیم. (۱)

۲. استناد به منابع غیر معتبری از آسیب هایی که خصوصاً در قرن های اخیر عزاداری امام حسین علیه السلام را تهدید می کند، استناد و استفاده اهل منبر و مرثیه سرایان از منابع غیر معتبر و غیر قابل استناد (۲) است. نکته قابل توجه این که تاریخ عاشورا بیش از هر موضوع دیگر، دارای منابع معتبر و قابل استناد است، و مرثیه سرایان متعهد و آگاه اصولاً نیازی به استفاده از منابع غیر قابل استناد ندارند. به گفته شهید مطهری: اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند می بیند از زنده ترین و مستندترین و

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۲۱ - ۱۲۵.

۲- برای اطلاع از منابع قابل استناد و منابع غیر قابل استناد تاریخ عاشورا مراجعه کنید به فصل پنجم این کتاب.

ص: ۳۲

از پر منبع ترین تاریخ ها است . مرحوم آخوند خراسانی (۱) فرموده بود آنها که به دنبال روضه نشنیده می روند ، بروند روضه های راست را پیدا کنند که آنها را احدی نشنیده است . (۲) شماری از مرثیه سرایان می پندارند هر چه چاپ و منتشر شد قابل استناد است و کاری با اعتبار منبع ندارند ، نویسندگان ارجمند کتاب لؤلؤ و مرجان درباره برخی از مطالب نادرستی که بر زیارت معتبر وارث افزوده شده می گوید : روزی طلبه ای را دیدم که آن دروغ های قبیحه را برای شهدا می خواند ، دستی بر کتفش گذاشتم ، ملتفت من شد ، گفتم : از اهل علم قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضری؟! گفت : مگر مروی نیست ؟ تعجب کردم ، گفتم : نه . گفت : در کتابی دیدم . گفتم : در کدام کتاب ؟ گفت : مفتاح الجنان (۳) . ساکت شدم ، کسی که در بی اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع کرده بعضی عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد ، قابل سخن گفتن نیست . (۴)

۱- آخوند شیخ محمد کاظم بن حسین هروی خراسانی متولد سال ۱۲۵۵ ق در مشهد و متوفی سال ۱۳۲۹ در نجف از اکابر علما امامیه و اصولی نامی است که در تدریس اصول فقه ، یگانه عصر خود بود و نسبت به مشروطه و انقلاب سیاسی ایران کمک شایانی نمود .

۲- حماسه حسینی : ج ۱ ص ۵۶ .

۳- مفتاح الجنان در ادعیه و اعمال روزها و ماه ها و زیارت ها و برخی وردها و ختومات که بارها چاپ شده و مؤلفش ناشناخته است ، برخی مطالب را آورده که سندش مشخص نیست ، بلکه مطالبی دارد که قطعاً سند ندارند (الذریعه : ج ۲۱ ص ۳۲۴ ش ۵۲۹۴) .

۴- لؤلؤ و مرجان : ص ۱۶۴ .

ص: ۳۳

۳. گزارش های ذلت بار

اشاره

بسیاری از مطالب بی اساس و دروغ که موجب وهن اهل بیت علیهم السلام است و متأسفانه به عنوان مرثیه مطرح می گردد ریشه در منابع غیر معتبر دارد، و از این رو منبع شناسی (۱) در کنار اخلاص نخستین شرط ذاکران و مرثیه سرایان راستین تاریخ خونبار عاشورا است و کسانی که فاقد این شرط باشند، شایستگی برای ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام ندارند: شخصی در شهر کرمانشاه خدمت عالم کامل جامع فریدی، آقا محمدعلی صاحب مقامع و غیره - قدس سره - رسیده و عرض کرد: در خواب می بینم به دندان خود گوشت بدن مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را می گنم! آقا او را نمی شناخت، سر به زیر انداخت و متفکر شد، پس به او فرمود: شاید روضه خوانی می کنی؟! عرض کرد: بلی. فرمود: یا ترک کن یا از کتب معتبره نقل کن. (۲)

۳. گزارش های ذلت بار حسین بن علی علیه السلام مظهر عزت الهی و عاشورا جلوگاه حماسه و عزت حسینی، و شعار دشمن شکن «یهات منا الذله» میراث گرانبهای اوست، در منابع معتبر گزارش شده که آن حضرت ضمن یک سخنرانی حماسی در روز عاشورا خطاب به سپاه دشمن فرمود: أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذُّلَّةِ،

- ۱- برای آشنایی با منابع معتبر و غیر معتبر تاریخ عاشورا مراجعه کنید به کتابهایی چون: معرفی و نقد منابع عاشورا، عاشورا پژوهی، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام. نیز، ر. ک: فصل پنجم: کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری.
- ۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۵۳ - ۲۵۴.

ص: ۳۴

وَهِيَاتٍ مِّنَ الذَّلَّةِ ، يَأْتِي اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ، وَحُجُورٌ طَابَتْ ، وَحُجُورٌ طَهَّرَتْ ، وَأُنُوفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أُبِيَّةٌ ، مِنْ أَنْ تُؤَثَّرَ طَاعَةُ اللَّثَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ . (۱) هان! خواننده شده ، پسر خواننده شده ، مرا میان دو چیز قرار داده است : شمشیر و خواری . خواری از ما دور است و خداوند ، آن را برای ما نمی پذیرد ، و نیز پیامبرش و مؤمنان و دامن هایی پاک و پاکیزه و جان هایی غیرتمند و خوددار که اطاعت از لثیمان را بر مرگی کریمانه ، مقدم نمی دارند . و نیز در پاسخ به کسانی که به او گفتند : لَا تُخَلِّيكَ حَتَّى تَضَعَ يَدَكَ فِي يَدِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ . تو را رها نخواهیم ساخت تا دست در دست عبید الله بن زیاد نگذاری . فرمود : لَا وَاللَّهِ ، لَا أُعْطَى يَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ ، وَلَا أُفْرُ فِرَارَ الْعَبِيدِ ، (إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ) (۲) (إِنِّي عُدْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مَتَكَبِّرٍ لَأُؤْمِنَ مِنْ بِيَوْمِ الْحِسَابِ) (۳) . (۴)

- ۱- . الملهوف : ص ۱۵۵ ، الاحتجاج : ج ۲ ص ۹۷ . نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هفتم / فصل دوم : احتجاج های امام در برابر سپاه کوفه .
- ۲- . دخان : آیه ۲۰ .
- ۳- . غافر : آیه ۲۷ .
- ۴- . مثير الأحران : ص ۵۱ . نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش دوم / فصل چهارم : شایستگی های مکارم اخلاقی امام حسین علیه السلام / عزت نفس .

ص: ۳۵

نه به خدا سوگند که نه بسان ذلت زدگان ، دست ذلت به دست خود کامگان خواهم داد و نه بسان بردگان پا به فرار خواهم نهاد (من به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا سنگباران نمایید) . (من از شرارت هر عنصر حق ناپذیر و متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد به پروردگار خود و شما پناه می برم) . بنا بر این هر گزارشی از تاریخ عاشورا که حاکی از پذیرش ذلت توسط آن حضرت است ، دروغ و ساخته و پرداخته دشمنان اوست مانند آن چه گزارش شده که فرموده : اِخْتَارُوا مِنِّي خِصَالًا ثَلَاثًا : إِمَّا أَنْ أَرْجِعَ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَقْبَلْتُ مِنْهُ ، وَإِمَّا أَنْ أَضَعَ يَدِي فِي يَدِ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ ، فَيَرِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ رَأْيَهُ ، وَإِمَّا أَنْ تُسَيِّرُونِي إِلَى أَيِّ ثَعْرٍ مِنْ ثُعُورِ الْمُسْلِمِينَ شِئْتُمْ ، فَأَكُونَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِهِ ، لِي مَا لَهُمْ ، وَعَلَيَّ مَا عَلَيْهِمْ . (۱) یکی از سه پیشنهاد مرا بپذیرید: یا به همان جایی که از آنجا آمده ام بازگردم و یا دستم را در دست یزید بن معاویه بگذارم و میان من و خود حکم کند و یا مرا به هر یک از مرزهای مسلمانان که می خواهید بفرستید و من هم مانند یکی از ساکنان همانجا شوم با همان وظایف و حقوق. یا آن چه کتاب نور العین به آن حضرت نسبت داده که وقتی شمر

۱- .تاریخ الطبری : ج ۵ ص ۴۱۳ . نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : فصل یکم : دیدار امام و ابن سعد میان دو لشکر

چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی؟!

می خواست آن حضرت را به قتل برساند ، فرمود: إِذَا وَلَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ فَاسْتِنِي شَرْبَةَ مَاءٍ ، فَقَالَ : هَيْهَاتَ أَنْ تَذُوقَ الْمَاءَ! بَلْ تَذُوقُ الْمَوْتَ غُضَّةً بَعْدَ غُضَّةٍ ، وَجُرْعَةً بَعْدَ جُرْعَةٍ .(۱) بنابراین ، حال که کشتنم قطعی است ، پس جرعه ای آب به من بده . او گفت : هرگز اگر قطره ای آب بچشی! بلکه مرگ را به صورت گلوگیر و جرعه جرعه ای می چشی . این گونه گزارش ها علاوه بر این که با محکّمات تاریخ عاشورا و موضع گیری های امام در طول زندگی افتخارآمیز او ، منافات دارد ، مخالف اصول باورهای شیعه در مورد جایگاه والای خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است . و بر این اساس یکی از آفات مجالس عزاداری سید الشهداء مرثیه سرایی ذلت آمیز برای آن حضرت است ، و بر ذاکران مخلص اهل بیت علیهم السلام فرض است که از هر سخن و تعبیری که حاکی از اظهار ذلت آن بزرگوار و یا اهل بیت ایشان در حادثه عاشورا باشد ، جداً اجتناب کنند . در این باره محدّث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان رؤیای صادقه ای را از روضه خوان معروفی بدون ذکر نام نقل کرده که حقیقتاً تکان دهنده است !

چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی؟! «سید فاضلی از معتبرین روضه خوانان ، شبی در خواب دید که : گویا

ص: ۳۷

قیامت برپا شده و خلق در نهایت وحشت و حیرت ، و هر کس به حال خود مشغول ، و ملائکه ایشان را می رانند به سوی حساب ، و با هر تنی دو موکل بود . من چون این داهیه را دیدم در اندیشه عاقبت خود که با این بزرگی امر به کجا خواهد کشید ؟ در این حال دو نفر از آن جماعت مرا امر نمودند به حضور در محضر خاتم النبیین صلی الله علیه و آله ، چون مآل کار خطرناک بود مسامحه کردم ، قهراً مرا کشاندند ، یکی در پیش ، دیگری در عقب و من در وسط . هراسان و ترسناک سیر می کردیم که دیدم عمارت بسیار بزرگی بر دوش جماعتی از طرف راست راه می روند ، با الهام الهی دانستم که در آن عمارت سیده زنان عالم است - صلوات الله علیها - و چون به عمارت نزدیک شدم فرصت را غنیمت دانسته از دست موکلان فرار و خود را به زیر عمارت رساندم . آن را قلعه ای محکم و محل منیعی دیدم که پیش از من جمعی از گناه کاران به آنجا پناه برده بودند ، و موکلین را دیدم از عمارت دور و قدرت بر نزدیک شدن به عمارت ، ندارند و به همان اندازه دوری با ما سیر می کنند و به اشاره التماس کردند برگردیم ، قبول نکردیم ، آن گاه به اشاره ما را تهدید کردند ، چون تکیه گاه خود را محکم دیدیم ما نیز ایشان را تهدید می کردیم . و با همین قوت قلب سیر می کردیم که ناگاه رسولی از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و به آن معظمه از جانب آن جناب گفت که : جمعی از گناهکاران امت به تو پناه آورده اند ، ایشان را روانه کن که به حساب ایشان برسیم ، پس آن مخدره اشاره فرمود که موکلان از هر

ص: ۳۸

طرف رسیدند و ما را به موقف حساب کشاندند. در آنجا منبری دیدیم بسیار بلند که پله های زیادی داشت و سید انبیاء صلی الله علیه و آله بر بالای آن نشسته و امیرالمؤمنین علیه السلام بر پله اول آن ایستاده و مشغول است به رسیدن حساب خلاق. و آنها در پیش روی آن حضرت صف کشیده، چون نوبت حساب به من رسید مرا مخاطب کرد و به نحو سرزنش و توبیخ فرمود: «چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی و او را به مذلت و خواری نسبت دادی؟». پس در جواب متحیر شدم و جز انکار چاره ای ندیدم، پس منکر شدم که نخواندم. پس دیدم دردی به بازویم رسید گویا میخ آهنی در آن فرو رفته ملتفت شدم به طرف خود مردی را، دیدم که در کفش طوماریست، آن را به من داد، گشودم دیدم صورت مجالس من در آن بود و در هر جا و هر وقت و هر چه خوانده بودم در آن ثبت شده بود و از آن جمله همان فقره که از من سؤال کردند. پس حیل دیگری به خاطر آمد، گفتم: مجلسی رحمه الله علیه آن را در جلد دهم بحار ذکر کرده، پس به یکی از خدام حاضرین فرمود: برو از مجلسی آن کتاب را بگیر، پس ملتفت شدم دیدم از طرف راست منبر صفوف بسیار است که اول آن جنب منبر و آخر آن خدای داند که به کجا منتهی می شود و هر عالمی مؤلفاتش در پیش رویش گذاشته، شخص اول در صف اول مرحوم مجلسی است. چون رسول حضرت پیغام را به او رساند در میان کتب آن کتاب را برداشت به او داد، گرفت آورد. اشاره فرمود به من دهد، گرفتم و در بحر تحیر فرو

ص: ۳۹

۴. غلو

رفتم؛ زیرا که غرض از آن حيله و افتراء خلاصی از آن مهلكه بود. پس پاره ای اوراق آن را بیهوده به هم زدم، در آن حال حيله دیگر به خاطر آمد، پس گفتم: آن را در مقتل حاجی ملا-هادی برغانی دیدم، باز به خادمی فرمود: برو به او بگو کتاب را بیاورد، و رفت و گفت: در صف ششم یا هفتم شخص ششم یا هفتم حاجی مذکور بود، کتاب را خود برداشت و آورد. پس امر فرمود آن فقره را در آن کتاب پیدا کنم، دو مرتبه خوف برگشت و مضطرب شدم و راه چاره از هر طرف بسته شد، بیهوده مشغول بر گرداندن اوراق بودم با قلب هراسان. تا آن که می گوید: چون از خواب بیدار شد جماعتی از اهل صنف خود را جمع کرد و آنچه در خواب دیده بود نقل نمود و گفت: اما من پس در خود قوه اقامه شروط روضه خوانی را نمی بینم، آن را ترک می کنم و هر که مرا تصدیق می کند سزاوار است او نیز دست از آن بکشد. با آنکه سالیانه مبالغ خطیری از این راه به او می رسید از آن چشم پوشیده دست از روضه خوانی کشید» (۱).

۴. غلو گزارش های ذلت بار، پایین آوردن و غلو بالاتر بردن اهل بیت علیهم السلام از جایگاه واقعی آنها است که متأسفانه، هر دو آفت در برخی مجالس

۱- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۷۰ - ۲۷۲.

ص: ۴۰

مرثیه سرایی مشاهده می شود . شیخ المحدثین ، ابن بابویه روایتی را از امام رضا علیه السلام نقل کرده که دلالت دارد بر این که غلو یک توطئه حساب شده دشمنان اهل بیت علیهم السلام برای بدبین کردن مردم به آنان و منزوی کردن خاندان رسالت بوده است ، متن سخن امام این است : **إِنَّ مُخَالَفِينَ وَضَعُوا أَخْبَاراً فِي فِضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ : أَحَدُهَا الْغُلُوُّ ، وَثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا ، وَثَالِثُهَا التَّصْرِيحُ بِمَثَالِبِ أَعْدَائِنَا ؛ فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْغُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شَيْعَتَنَا وَنَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا ، وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا ، وَإِذَا سَمِعُوا مَثَالِبَ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّوْنَا بِأَسْمَائِنَا .** (۱) مخالفین ما سه نوع خبر در فضایل ما جعل کرده اند : ۱ - غلو ، ۲ - کوتاهی در حق ما ، ۳ - تصریح به بدی های دشمنان ما و دشنام به آنان . وقتی مردم اخبار غلو را می شنوند ، شیعیان ما را تکفیر می کنند و می گویند : شیعه قائل به ربوبیت ما می باشد و وقتی کوتاهی در حق ما را می شنوند به آن معتقد می شوند و وقتی بدی های دشمنان ما را می شنوند ما را دشنام می دهند . بنا بر این ، کسانی که در مجالس عزاداری ، اهل بیت علیهم السلام را جایگزین خدا می کنند و به جای خدا محور کردن مجالس امام حسین علیه السلام و پیوند دادن دل ها به خدا از طریق اهل بیت که ابواب الهی

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام : ج ۱ ص ۳۰۴ ح ۶۳ ، بشاره المصطفی : ص ۲۲۱ ، بحار الأنوار : ج ۲۶ ص ۲۳۹ ح ۱ .

ص: ۴۱

۵- دروغ**اشاره**

هستند ، مردم را به «حسین الهی» شدن و «زینب الهی» گردیدن دعوت می نمایند و یا برای بزرگداشت اهل بیت ، انبیاء بزرگ الهی را کوچک جلوه می دهند ، آگاهانه یا ناخودآگاه ، در خدمت اهداف دشمنان اهل بیت قرار گرفته اند و سید الشهداء از آنان بیزار است .(۱)

۵. دروغ زشت ترین و خطرناک ترین دروغ ها(۲) ، دروغ بستن به خدا و پیامبر خدا و اهل بیت است که از گناهان کبیره شمرده شده و موجب بطلان روزه می گردد .(۳) مرثیه سرایانی که بدون حجت شرعی ، سخنی را به خدا و اهل بیت نسبت می دهند نه تنها خادم و ذاکر امام حسین علیه السلام نیستند بلکه باید بدانند که کار آنها گناه کبیره است . حقیقتاً برای بسیاری از مردم باور کردن این معنا سخت است که روضه خوانی دروغ مرثیه سرایی کند ، ولی با کمال تأسف باید به این واقعیت تلخ اعتراف کرد ، بلکه برای این مصیبت بزرگی که تاریخ عاشورا بدان مبتلا گردیده باید بیش از مصیبت عاشورا گریست ، چرا که این مصیبت پامال کردن نهضت مقدس حسینی است!

۱- برای آگاهی بیشتر درباره خطر غلو درباره اهل بیت مراجعه کنید به کتاب اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث : بخش سیزدهم : غلو درباره اهل بیت .

۲- برای آشنایی با اقسام دروغ مراجعه کنید به کتاب لؤلؤ و مرجان : «مقام چهارم» .

۳- الکافی : ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۹ .

دروغ در مرثیه سرایی در دوران گذشته

برای توضیح این اجمال، علاقمندان می‌توانند به کتاب لؤلؤ و مرجان که توسط محدث نوری در سال ۱۳۱۹ هجری قمری تألیف شده و کتاب حماسه حسینی اثر استاد شهید مطهری مراجعه کنند. و اینک نگاهی کوتاه به این دو کتاب از این منظر:

دروغ در مرثیه سرایی در دوران گذشته می‌توان گفت از موقعی که کتاب روضه الشهداء نوشته شد یعنی حدود سال نهصد هجری آسیب دروغ وارد عرصه مرثیه سرایی گردید، و به تدریج این آفت گسترش یافت به گونه‌ای که در اوایل قرن چهاردهم محدث نوری از گسترش این آفت احساس خطر کرد و به پیشنهاد یکی از علمای هندوستان اقدام به نوشتن کتاب لؤلؤ و مرجان کرد (۱). وی درباره انگیزه نوشتن این کتاب در آغاز آن می‌گوید: جناب العالم العامل الجلیل الفاضل الکامل ... سید محمّد مرتضی جونپوری هندی - ایده الله تعالی - مکرر از آنجا به حقیر شکایت از ذاکرین و روضه خوانان آن صوب کرده که در گفتن دروغ حریص و بی‌باک [اند] و اصرار تام در نشر اکاذیب و مجعولات دارند، بلکه نزدیک به آن رسیده که آن را جایز دانند و مباح شمارند، چون سبب گریانیدن مؤمنین است از دایره عصیان و قبح او را بیرون دانند! و امر

۱- استاد مطهری درباره این کتاب می‌گوید: «با این که کتاب کوچکی است ولی فوق العاده خوب است ... خیال نمی‌کنم در هیچ کتابی درباره دروغ و انواع آن به اندازه این کتاب بحث شده باشد و شاید نظیر این کتاب در دنیا وجود ندارد» (حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۹).

نمونه هایی از روضه های دروغ از نگاه محدث نوری

اشاره

فرمود که چند کلمه در این باب به طریق موعظه و مجادله حسنه نوشته ، شاید سبب تنبه و دست برداشتن از این قبایح شود . ظاهراً جناب ایشان گمان دارند که در عتبات عالیات و بلاد مقدسه ایران این طایفه از این غائله آسوده و دامن عفت ایشان به لوث کذب و افترا آلوده نیست و این خرابی دینی منحصر است در همان بلاد ، غافل از آن که نشر خرابی از سرچشمه در هر جا منتشر شده منتهی به مرکز علم و حوزه اهل شرع اعتاب عالیه است ؛ چه اگر اهل علم مسامحه نمی کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتار این طایفه می شدند و از گفتن اکاذیب نهی می کردند کار خرابی به اینجا نمی رسید . (۱) محدث نوری در بخشی دیگر از کتاب لؤلؤ و مرجان می گوید : سکوت متمکنین سبب تجرّی و بی مبالاتی این طایفه بی انصاف شده حتی در حرم های شریفه و روضات متبرکه ، خصوصاً ، حرم صاحب عزا حضرت سید الشهداء - روحنا و روح العالمین له الفداء - در غالب اوقات ، سیما در اسحار که موسم گریه و ناله و استغفار است به اقسام دروغ های عجیبه و گاهی به آوازهای مطربه ، آن محضر انوار را تاریک نمایند . (۲)

نمونه هایی از روضه های دروغ از نگاه محدث نوری اینک به چند نمونه از مرثیه سرایی های دروغین که محدث نوری در

۱- لؤلؤ و مرجان : ص ۴ .

۲- لؤلؤ و مرجان : ص ۳۲۱ .

۱ . اضافات داستان آمدن طیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بستر شهادت

کتاب «لؤلؤ و مرجان» آورده توجه فرماید :

۱ . اضافات داستان آمدن طیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بسترشهادت نقل کنند از حبیب بن عمرو که رفت خدمت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از رسیدن ضربت به فرق مبارکش ، و اشراف و رؤساء قبایل و شرطه الخمیس در محضر انورش بودند . می گوید : وما منهم أحد إلا ودمع عينيه يتفرق على سوادها حزناً على أمير المؤمنين عليه السلام . یکایک آنها بر اندوه بر امیرالمؤمنین چشمانشان آکنده از اشک شد . و به فرزندان آن جناب نظر کردم که سرها را به زیر انداخته وما تنفس منهم متنفس إلا وظننت أن شطايا قلبه تخرج من أنفاسه . کسی از آنها نبود مگر این که گمان بردم که پاره های قلبش با نفس هایش بیرون می آید . می گوید : اطبا را جمع کردند و اثیر بن عمر ریه گوسفند را باد کرد و داخل آن جراحی کرد و بیرون آورد . دید به مغز سر آلوده است . حاضرین پرسیدند : فخرس وتلجلج لسانه ؛ به لکنت افتاد و زبانش بند آمد . مردم فهمیدند و مأیوس شدند ، پس سرها به زیر انداخته آهسته می گریستند از ترس آنکه زنان بشنوند ، جز اصبع بن نباته که طاقث نیاورد و نتوانست خودداری کند «دُونَ أَنْ شَرِقَ بِعَبْرَتِهِ» بلند گریست . پس حضرت چشم باز کرد . و بعد از کلماتی حبیب می گوید :

ص: ۴۵

گفتم: یا اَیُّاَ الْحَسَنِ ، لاَ یَهْوَلَنَّکَ مَا تَرَى ، وَإِنَّ جُرْحَکَ غَیْرُ ضَائِرٍ ، فَإِنَّ الْبَرْدَ لَا یُزِیلُ الْجَبَلَ الْأَصَمَّ ، وَنَفْحَةَ الْهَجْرِ لَا یُجَفِّفُ الْبَحْرَ الْخِضَمَّ ، وَالصَّلَّ یَقْوِی إِذَا ارْتَعَشَ ، وَاللَّیثَ یَضْرِبُ إِذَا خُذِشَ . ای ابوالحسن ، آنچه می بینی ، تو را به هراس نیندازد ، جراحتت آسیبی به تو نمی زند . تگرگ صخره را از جا نمی کند و باد گرم نیمروزی ، اقیانوس را نمی خشکاند . بچه افعی آن گاه نیرومند می شود که مرتعش شود و شیر آن گاه خطرناک می شود که زخمی شود . بعد حضرت جوابی داد و ام کلثوم شنید و گریست . حضرت او را خواست ، داخل شد خدمت پدر بزرگوارش . و ظاهر این نقل چنین است که در حضور همه آن جماعت آمد و عرض کرد : أَنْتَ شَمْسُ الطَّالِبِیْنَ ، وَقَمَرُ الْهَاشِمِیْنَ ، دَسَّاسٌ کُثِبَها الْمُتَرَصِّدُ ، وَأَرْقَمٌ أَجْمَتِها الْمُتَفَقِّدُ ، عَزُّنا إِذَا شَاهَتِ الْوُجُوهُ ذُلًّا ، جَمْعُنا إِذَا الْمَوَکِبُ الْکَثِیرُ قَلَّا تو خورشید خاندان طالب ، و ماه بنی هاشمی ، ازدهایی هستی که در کمین نشسته و مار سهمگینی که مخفی و آماده حمله است ، تو عزت مایی وقتی چهره ها از خواری سرفکنده می شوند ، تو مایه وحدت و کثرت مایی هنگام کمی ها . تا آخر این خبر مسجع مفی که از شنیدنش نفس محظوظ می شود و

۲ . آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهداء در کودکی!

لکن صد حیف که اصل ندارد . و در اصل شریف ثقه جلیل عاصم بن حمید خبر عمرو و آمدن جراح را دارد ، ابدأً از این کلمات در آن چیزی یافت نمی شود . (۱) و همچنین ابو الفرج در مقاتل الطالبیین (۲) معالجه اثیر بن عمر را ذکر کرده بدون این شرح و حواشی . (۳)

۲ . آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهداء در کودکی! نمونه دیگری از دروغ در مرثیه سرایی ، داستانی است که محدث نوری آن را در کتاب خود به عنوان نمونه دیگر از دروغ پردازی آورده و شهید مطهری هم می گوید من آن را مکرر شنیده ام و آن داستان ساختگی این است : روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای منبر خطبه می خواند ، حضرت سید الشهداء علیه السلام تشنه شد ، آب خواست ، حضرت به قنبر امر فرمود : آب بیاور ، عباس در آن وقت طفل بود ، چون شنید تشنگی برادر را دوید نزد مادر و آب برای برادر گرفت در جامی و آن را بر سر گذاشت و آب از اطراف می ریخت ، به همین قسم وارد مسجد [شد] ، چشم پدر بر او افتاد گریست و فرمود : امروز چنین و روز عاشورا چنان ، و قدری از مصائب او ذکر نمود الخ . (۴)

۱- ر . ک : الأصول الستة عشر (اصل عاصم بن حمید) : ص ۱۷۸ ح ۱۴۰ .

۲- ر . ک : مقاتل الطالبیین : ص ۵۱ .

۳- لؤلؤ و مرجان : ص ۲۶۰ - ۲۶۲ .

۴- لؤلؤ و مرجان : ص ۲۹۹ .

۳ . پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهر

محدث نوری پس از اشاره به این داستان دروغ ، در تبیین مجعول بودن آن می گوید : «این قصه البته در کوفه بود و اگر در مدینه بود باید اول خلافت آن حضرت باشد ؛ زیرا که قبل از آن مسجد و منبری برای آن حضرت نبود . عمر شریف حضرت ابی عبد الله علیه السلام در آن زمان زیاده از سی سال بود ، اظهار تشنگی کردن در آن مجلس عام و تکلم کردن در اثناء خطبه مکروه است یا حرام ، با مقام امامت بلکه با اول درجه عدالت بلکه با رسوم متعارفه انسانیت مناسبتی ندارد» . (۱) محدث نوری در ادامه برای توضیح بیشتر دروغ بودن این داستان می افزاید که : از آنجا که دروغگو حافظه ندارد ، جاعل این داستان از یک سو حضرت ابوالفضل را کودکی خردسال معرفی می کند و از سویی می گوید : در جنگ صفین که دو سه سال پس از این واقعه بوده ، وی هشتاد نفر را به هوا پرتاب می کرد به گونه ای که وقتی نفر هشتادم را به هوا پرتاب کرد هنوز اولی برنگشته بود و هر کدام بر می گشت با شمشیر او را دو حصه می نمود(۲) !

۳ . پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهر نمونه ای دیگر از گزارش های دروغ این که می گویند : جناب زینب علیها السلام در شب عاشورا به جهت هم و غم و خوف از اعداء در میان خیمه ها سیر می کرد برای استخبار حال اقربا و انصار ،

۱- همان .

۲- ر . ک : لؤلؤ و مرجان : ص ۲۹۹ - ۳۰۰ .

ص: ۴۸

۴ . احوال پرسی امام حسین علیه السلام از زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا**۵ . داستان اسب امام حسین علیه السلام**

دید حبیب بن مظاهر اصحاب را در خیمه خود جمع کرده و از آنها عهد می‌گیرد که فردا نگذارند احدی از بنی هاشم قبل از ایشان به میدان بروند به شرحی طولانی ، آن مخدره مسروراً آمد پشت خیمه ابوالفضل ، دید آن جناب نیز بنی هاشم را جمع کرده و به همان قسم از ایشان عهد می‌گیرد که نگذارند احدی از انصار پیش از ایشان به میدان رود . مخدره مسرور خدمت حضرت رسید و تبسم کرد ، حضرت از تبسم او تعجب کرد و سبب پرسید ، آنچه دید عرض کرد ... تا آخر خبر که واضعش را در این فن مهارتی بود تمام (۱).

۴ . احوال پرسی امام حسین علیه السلام از زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا نقل کنند با سوز و گداز که در روز عاشورا بعد از شهادت اهل بیت و اصحاب ، حضرت به بالین امام زین العابدین علیه السلام آمد ، پس از پدر حال معامله آن جناب را با اعدا پرسید ، خبر داد که به جنگ کشید ، پس جمعی از اصحاب را اسم برد و از حال آنها پرسید ، در جواب فرمود : قتل قتل تا رسید به بنی هاشم و از حال جناب علی اکبر و ابوالفضل سؤال کرد ، به همان قسم جواب داد و فرمود : بدان در میان خیمه ها غیر از من و تو مردی نمانده . خلاصه این قصه است و حواشی بسیار دارد و صریح است در آنکه آن جناب از اول مقاتله تا وقت مبارزت پدر بزرگوارش ابداً از

۱- همان : ص ۲۶۴ . نیز ، ر.ک : معالی السبطين : ج ۱ ص ۲۰۹ .

۶ . داستان عروسی حضرت قاسم

حال اقرباء و انصار و میدان جنگ خبری نداشت. (۱)

۵ . داستان اسب امام حسین علیه السلام خبر عجیب که متضمن است طلب کردن حضرت هنگام عزم رفتن به میدان ، اسب سواری را ، و کسی نبود آن را حاضر کند ، پس مخدره زینب رفت و آورد و آن حضرت را سوار کرد بر حسب تعدد منابر ، مکالمات بسیار بین برادر و خواهر ذکر می شود و مضامین آن در ضمن اشعار عربی و فارسی نیز در آمده و مجالس را با آن رونق دهند و به شور در آرند و الحق جای گریستن است اما نه بر این مصیبت بی اصل ، بلکه در گفتن چنین دروغ واضح و افترا بر امام علیه السلام در بالای منابر و نهی نکردن آنان که متمکنند از نهی کردن به جهت بی اطلاعی یا ملاحظه عدم نقص در بعضی شئونات. (۲)

۶ . داستان عروسی حضرت قاسم به گفته محدث نوری اولین کسی که این داستان را نوشت ملا حسین کاشفی در کتاب روضه الشهداء است (۳) و همان طور که استاد مطهری فرموده اصل داستان صد در صد دروغ است (۴) ، چگونه می توان به امام

۱- همان : ص ۲۶۴ - ۲۶۵ . نیز، ر.ک : الدمعه الساکبه : ج ۴ ص ۳۵۱ .

۲- همان : ص ۲۶۷ .

۳- همان : ص ۲۸۸ . نیز، ر.ک : روضه الشهداء : ص ۳۲۱-۳۲۹ .

۴- حماسه حسینی : ج ۱ ص ۲۸ .

۷. نسبت دادن شعر ابو الحسن تهامی به امام حسین علیه السلام

۸. آمدن زینب علیها السلام به بالین برادر در قتلگاه

نسبت داد که در هنگام نبرد با دشمن و در حالی که مجال نماز خواندن هم به امام و یارانش داده نمی شود امام بگوید آرزو دارم عروسی دخترم را ببینم و در همین جا دخترم را برای پسر برادرم عقد می کنم و مراسم عروسی برپا می کنم!؟

۷. نسبت دادن شعر ابو الحسن تهامی به امام حسین علیه السلام ابو الحسن تهامی (م ۴۱۶) قصیده ای در رثاء فرزندش سروده که ضمن آن آورده: یا کَوْكِبًا مَا كَانَ أَقْصَرَ عُمْرَهُ وَكَذَا تَكُونُ كَوَاكِبِ الْأَسْحَارِ (۱) ای ستاره ای که چه عمر کوتاهی داشت آری! چنین اند ستارگان سحری محدث نوری می گوید که این شعر را در بالای منبر با صراحت به امام حسین علیه السلام نسبت می دهند که در بالای سر حضرت علی اکبر خواند و خود در بعضی از کتابهای بافته جدید دیدم که در قصه شهادت علی اکبر به آن حضرت نسبت داده با چند بیت دیگر از آن قصیده (۲).

۸. آمدن زینب علیها السلام به بالین برادر در قتلگاه برخی از مرثیه سرایان به حضرت زینب چنین نسبت داده اند که در آخرین لحظات امام به بالین حضرت آمد و چنین کرد: وَرَأَتْهُ يَجُودُ بِنَفْسِهِ، وَرَمَتْ بِنَفْسِهَا عَلَيْهِ وَهِيَ تَقُولُ: أَنْتَ أَخِي، أَنْتَ رَجُلَانَا، أَنْتَ كَهْفُنَا، أَنْتَ حِمَانَا، الخ. و ایشان را دید که در حال جان دادن بود، خود را به روی او انداخت و چنین می گفت: تو برادر منی، تو امید و پناه گاه ما و امان مایی. محدث نوری این داستان را هم یکی از دروغ های مرثیه سرایان شمرده است (۳).

۱- الدر النضيد : ص ۱۸۹ .

۲- لؤلؤ و مرجان : ص ۲۹۸ - ۲۹۹ .

۳- همان : ص ۲۶۸. نیز، ر.ک: تظلم الزهراء : ص ۱۳۱ و معالی السبطين : ج ۲ ص ۲۲ .

ص: ۵۱

۹. اسیری در این خانواده نبود**۱۰. چگونگی حضور امام صادق در مجلس عزاداری****اشاره**

۹. اسیری در این خانواده نبود خبری است لطیف و متکی بر مقدماتی که احتمال دروغ را از ذهن سامعین محو کند و سند را به ابو حمزه ثمالی بیچاره منتهی کنند که روزی آمد در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و در را کوبید، کنیزکی آمد، چون فهمید ابو حمزه است خدای را حمد کرد که او را رساند که حضرت را تسلی دهد، چون امروز دو مرتبه بیهوش شدند، پس داخل شد و تسلی داد به اینک شهادت در این خانواده عادت و موروثی است، جد و عم و پدر و عم پدر همه شهید شدند. در جواب او را تصدیق نمودند و فرمودند: و لکن اسیری در این خانواده نبود، آنگاه شمه ای از حالت اسیری عمه ها و خواهران بیان کردند [\(۱\)](#)!

۱۰. چگونگی حضور امام صادق علیه السلام در مجلس عزاداری داستان مجعول دیگری را محدث نوری خلاصه آن را از مرثیه سرایان

دروغ در مرثیه سرایی در عصر حاضر**اشاره**

نقل می‌کند که به گفته ایشان سند آن را به هشام بن حکم مظلوم می‌رسانند که گفت: روزی بعضی از شیعیان او را دعوت به مجلس عزای جد بزرگوارش کرد، عذر خواست که باید در آن محضر حاضر باشم. گفت: رخصت بگیر. گفت: نشود که اسم این مطلب را در حضورش برد که طاقت ندارد. گفت: بی‌اذن بیا، گفت: روز بعد که مشرف شدم جويا می‌شوم، نتوانم راست گفت. بالاخره او را برد، بعد از آن مشرف شد. حضرت جويا شد، بعد از تکرار عرض کرد، فرمود: «گمان داری من در آنجا نبودم (یا در چنین مجالس حاضر نمی‌شوم)» عرض کرد: جنابت را در آنجا ندیدم. فرمود: «وقتی که از حجره بیرون آمدم در محل کفش‌ها چیزی ندیدی؟» عرض کرد: جامه در آنجا افتاده بود. فرمود: «من بودم که عبا بر سر کشیدم و روی زمین افتادم» (۱).

دروغ در مرثیه سرایی در عصر حاضر نمی‌دانم تلاش‌های محدث نوری در راه مبارزه با دروغ‌گویی در مرثیه سرایی تا چه اندازه مؤثر بوده ولی در دوران زندگی ما نیز اگر وضع مرثیه سرایی اسف‌بارتر از آن‌چه ایشان توصیف کرده نباشد، بهتر از آن نیست.

۱- همان: ص ۲۶۹، محدث نوری در ادامه این نقل می‌افزاید: «چون درست حفظ نکردم شاید تحریفی در آن کرده باشم، خبر مفصل است و بسیار گریه‌آور، کاش پایه داشت و احتمال صدق در آن می‌رفت».

ص: ۵۳

۱. دعای لیلا برای علی اکبر

«حماسه حسینی» استاد شهید مطهری، تلاشی است نو برای مبارزه با دروغ پردازی در مرثیه سرایی در دوران معاصر، استاد، درباره رواج این آفت در دوران معاصر می گوید: اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند جمع آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای بشود! (۱) اینک چند نمونه از مرثیه سرایی های دروغین که علامه مطهری خود در مجلس عزا بوده و شنیده :

۱. دعای لیلا- برای علی اکبرداستان مجعول منسوب به امام حسین علیه السلام که هنگامی که علی اکبر به میدان رفت امام به همسرش لیلا- فرمود: «برو در خلوت دعا کن برای فرزندت...» از زمان محدث نوری (۲) میان مرثیه سرایان رایج بوده، استاد مطهری نیز از این داستان به عنوان نمونه دیگر از تحریف وقایع عاشورا یاد می کند و می فرماید: نمونه دیگر از تحریف در وقایع عاشورا که یکی از معروفترین قضایا شده است و حتی یک تاریخ هم به آن گواهی نمی دهد قصه لیلا مادر حضرت علی اکبر است. البته ایشان مادری به نام لیلا داشته اند، ولی حتی یک مورخ نگفته که لیلا در کربلا بوده است. اما ببینید که

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۸.

۲- لؤلؤ و مرجان: ۱۵۳.

۲. نذر کردن لیلا برای سلامتی علی اکبر

چقدر ما روضه لیلا- و علی اکبر داریم ، روضه آمدن لیلا- به بالین علی اکبر . حتّی من در قم ، در مجلسی که به نام آیت الله بروجردی تشکیل شده بود که البته خود ایشان در مجلس نبودند ، همین روضه را شنیدم که علی اکبر به میدان رفت ، حضرت به لیلا فرمود که : «از جدم شنیدم که دعای مادر در حقّ فرزند مستجاب است ، برو در فلان خیمه خلوت موهایت را پریشان کن ، در حقّ فرزندت دعا کن شاید خداوند این فرزند را سالم به ما برگرداند!» اولاً لیلابی در کربلا نبوده که چنین کند . ثانیاً اصلاً این منطق ، منطق حسین نیست . منطق حسین در روز عاشورا ، منطق جانبازی است . تمام مورّخین نوشته اند که هر کس اجازه می خواست ، حضرت به هر نحوی که می شد عذری برایش ذکر کند ، ذکر می کرد ، به جز برای علی اکبر ، فاستأذن فی القتال اباه فأذن له . یعنی تا اجازه خواست ، گفت برو . حال چه شعرها که سروده نشد! از جمله این شعر که می گوید : خیز ای بابا از این صحرا رویم نک بسوی خیمه لیلا رویم (۱)

۲. نذر کردن لیلا- برای سلامتی علی اکبر نمونه دیگری در همین مورد را که خیلی عجیب است من در همین تهران ، در منزل یکی از علمای بزرگ این شهر ، در چند سال پیش ، از

۱- حماسه حسینی : ج ۱ ص ۲۵ - ۲۶ . نیز ، ر.ک : اسرار الشهادات : ج ۳ ص ۵۱۴ .

ص: ۵۵

یکی از اهل منبر که روضه لیلا را می خواند شنیدم و من در آنجا چیزی شنیدم که به عمرم نشنیده بودم . گفت : بعد از اینکه حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد ، نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم به او برگرداند و در کربلا کشته نشود از کربلا تا مدینه را ریحان بکارد . یعنی نذر کرد که سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد! این را گفت و یک مرتبه زد زیر آواز : نَذْرٌ عَلَيَّ لَئِنْ عَادُوا وَإِنْ رَجَعُوا لَأَزْرَعَنَّ طَرِيقَ التَّفْتِ رِيحَانًا مَنْ نَذَرَ كَرَمٍ كَمَا إِذَا رَجَعُوا بِرِيحَانٍ بَكَارٍ . این شعر عربی بیشتر برای من اسباب شد که این شعر از کجا پیدا شده ؟ بعد به دنبال آن رفتم و گشتم ، دیدم این تفتی که در این شعر آمده کربلا نیست ، بلکه این تفت سرزمین مربوط به داستان لیلی و مجنون معروف است که لیلی در آن سرزمین سکونت می کرده و این شعر مال مجنون عامری است برای لیلی ، و این آدم این شعر را برای لیلا مادر علی اکبر و کربلا می خوانده . تصور کنید که اگر یک مسیحی یا یک یهودی یا یک آدم لامذهب آنجا باشد و این قضایا را بشنود ، آیا نخواهد گفت که تاریخ اینها چه مزخرفاتی دارد ؟ آنها که نمی فهمند که این داستان را این شخص از خودش جعل کرده است ، بلکه می گویند - العیاذُ باللَّهِ - زندهای اینها چقدر بی شعور بوده اند که نذر می کردند از کربلا تا مدینه را ریحان بکارند .(۱)

۱- حماسه حسینی : ج ۱ ص ۲۶ - ۲۷ .

۳ . داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می رود

۳ . داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می رود استاد مطهری می گوید : «در ده ، پانزده سال پیش که به اصفهان رفته بودم ، در آنجا مرد بزرگی بود ، مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی اعلی الله مقامه ، خدمت ایشان رفتم و روضه ای را که تازه در جایی شنیده بودم و تا آن وقت نشنیده بودم ، برای ایشان نقل کردم . کسی که این روضه را می خواند اتفاقاً تریاکی هم بود . این روضه را خواند و بقدری مردم را گریاند که حدّ نداشت . داستان پیرزنی را نقل می کرد که در زمان متوکل می خواست به زیارت امام حسین برود و آن وقت جلوگیری می کردند و دستها را می بریدند تا اینکه قضیه را به آنجا رساند که این زن را بردند و در دریا انداختند . در همان حال این زن فریاد کرد : یا ابا الفضل العباس! وقتی داشت غرق می شد سواری آمد و گفت رکاب اسب مرا بگیر . رکابش را گرفت ، گفت : چرا دستت را دراز نمی کنی ؟ گفت : من دست در بدن ندارم ، که مردم خیلی گریه کردند . مرحوم حاج شیخ محمد حسن تاریخچه این قضیه را این طور نقل کرد که : یک روز در حدود بازار ، حدود مدرسه صدر (جریان ، قبل از ایشان اتفاق افتاده و ایشان از اشخاص معتبری نقل کردند) مجلس روضه ای بود که از بزرگترین مجالس اصفهان بود و حتی مرحوم حاج ملا اسماعیل خواجهویی که از علماء بزرگ اصفهان بود در آنجا شرکت داشت . واعظ معروفی می گفت که من آخرین منبری

ریشه دروغ در مرثیه سرایی از نگاه محدث نوری**۱. تجویز دروغ در تعزیه!**

بودم، منبری های دیگر می آمدند و هنر خودشان را برای گریاندن مردم اعمال می کردند. هر کس می آمد روی دست دیگری می زد و بعد از منبر خود می نشست تا هنر روضه خوان بعد از خود را ببیند، تا ظهر طول کشید دیدم هر کس هر هنری داشت بکار برد، اشک مردم را گرفت. فکر کردم من چه کنم؟ همانجا این قضیه را جعل کردم، رفتم قصه را گفتم و از همه بالاتر زدم. عصر همان روز رفتم در مجلس دیگری که در چارسوق بود، دیدم آنکه قبل از من منبر رفته همین داستان را می گوید. کم کم در کتابها نوشتند و چاپ هم کردند! (۱) اکنون باید دید که ریشه این دروغ پردازی ها چیست؟ و چرا عده ای برای گریاندن مردم در مصیبت امام حسین علیه السلام به راحتی بر خدا و رسول و امامان دروغ می بندند و بدین سان تاریخ افتخارآمیز عاشورا را تحریف می کنند.

ریشه دروغ در مرثیه سرایی از نگاه محدث نوری از نگاه محدث نوری دو عامل عمده، موجب دروغ پردازی در مرثیه سرایی شده :

۱. تجویز دروغ در تعزیه! خلاصه مطلبی که برای جایز شمردن دروغ در عزاداری برای امام حسین علیه السلام مرحوم نوری از برخی دروغ پردازان نقل کرده این است :

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۴۹.

ص: ۵۸

احادیثی که توصیه به گریانیدن در مصیبت آن حضرت می‌کنند مطلق هستند، بنا بر این هر چه سبب گریه کردن مردم گردد هر چند دروغ باشد، نیکو است، و فضای این روایات آن است که آن چه در نكوهش دروغ وارد شده هر چند که در نهایت اعتبار است ولی اختصاص به غیر از ذکر مصیبت ابا عبد الله دارد! (۱) استاد مطهری پس از نقل این مطلب از محدث نوری اضافه می‌کند: این همان حرفی است که امروزی‌ها در مکتب «ماکیاول» در آوردند که هدف وسیله را مباح می‌کند. هدف خوب باشد، وسیله هر چه شد شد! (۲) محدث نوری در پاسخ به این سخن می‌گوید: به این بیان، [می‌توان بسیاری از معاصی کبیره را مباح بلکه مستحب کرد و برای فساق جاده وسیعی از سوی آن معاصی باز نمود؛ زیرا که اخبار فضیلت و مدح ادخال سرور در قلب مؤمن و قضای حوایج و اجابت خواهش او و سعی و کوشش در انجام آن اضعاف اخبار ابکا است، پس هر فاسقی هر زنی را که دید و خواهش نمود بوسه برویش زند یا... بر زن رواست به مقتضای اخبار استحباب ادخال سرور یا اخبار استحباب قضای حاجت و غیر آنها اجابت نماید و خود را تسلیم کند!... (۳).

۱- ر. ک: لؤلؤ و مرجان: ص ۲۷۲ (تنبيه چهارم).

۲- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۴۸.

۳- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۷۳ - ۲۷۴ و نیز، ر. ک: حماسه حسینی: ج ۱ ص ۴۹.

۲. تسامح در ابواب فضایل ، قصص و مصایب

ریشه های اصلی دروغ در مرثیه سرایی

اشاره

۲. تسامح در ابواب فضایل ، قصص و مصایب مطلب دیگری که از منظر محدث نوری دومین عامل عمده در دروغ پردازی در مرثیه سرایی است ، تمسک به سیره علما مبنی بر ضبط و نقل روایات ضعیفه در مؤلفات خود و تسامح در ابواب فضایل و قصص و به خصوص مصایب است . ایشان پس از توضیح این شبهه به تفصیل توضیح می دهد که این سخن مغالطه ای بیش نیست و هرگز علمای درستکار که سیرشان در خطوط مستقیمه موازین عدلیه است از کتابی که صاحبش را شناسند نقل نکنند و نیز از کتابی که مؤلفش بی مبالاات و فرقی میان خبر موهون و غیر موهون نگذاشته و در مقام نقل تمیزی برای آنها مقرر نداشته خبری بیرون نیاورند (۱). به هر حال تردیدی نیست که تسامح در نقل فضایل ، قصص و مصایب ، مجوز دروغ پردازی و نسبت دادن هر مطلبی که در ابواب و موضوعات یاد شده در هر کتاب یافت ، به اهل بیت علیهم السلام نیست .

ریشه های اصلی دروغ در مرثیه سرایی به نظر می رسد آن چه در ریشه یابی دروغ پردازی در مرثیه سرایی بدان اشاره شد ، در واقع بهانه دروغ پردازان است ، نه ریشه اصلی آن . زیرا هر کس که از کمترین معلومات دینی برخوردار باشد با اندک

۱- ر . ک : لؤلؤ و مرجان : ص ۲۷۷ - ۳۰۲ .

ص: ۶۰

الف - جهل**ب - سوء استفاده از زبان حال**

تأمل می‌داند که اسلام اجازه نمی‌دهد با دروغ که گناهی کبیره است زمینه گریستن بر امام حسین علیه السلام که مستحب است را فراهم کرد، یا هر مطلب مکتوب و غیر مکتوبی را بدون بررسی به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد. به نظر ما ریشه های دروغ پردازی در مرثیه سرایی امور دیگری است که این گونه بهانه تراشی ها نیز ریشه در آنها دارد، آن ریشه ها عبارت اند از:

الف - جهل شماری از مرثیه سرایان اگر بدانند آن چه می‌خوانند دروغ است قطعاً از آن اجتناب می‌کنند لیکن از آنجا که نه شناخت درستی از تاریخ عاشورا دارند و نه توان و یا حوصله تحقیق و بررسی، هر مطلبی را در هر کتابی ببینند و یا از دیگری بشنوند، در صورتی که برای گریاندن مردم مفید تشخیص دهند، بدون تأمل در صحت و سقم آن، مورد استفاده قرار می‌دهند. بنا بر این، نخستین گام برای اصلاح مرثیه سرایی، آموزش مرثیه سرایان و زنده کردن روح تحقیق در آنان و همچنین معرفی منابع معتبر و غیر معتبر تاریخ عاشورا به آنها است.

ب - سوء استفاده از زبان حال بهره گیری از زبان حال در مرثیه سرایی با دو شرط بی اشکال، و در

واقع نوعی هنرمندی در ذکر مصیبت است: شرط اول این که: مرثیه سرا، توان تشخیص حال کسی را که می‌خواهد زبان حال او را بیان کند داشته باشد، و این توان در صورتی تحقق می‌یابد که سراینده زبان حال، اطلاع کافی از هدف نهضت حسینی، تاریخ عاشورا، و خصوصیات روحی کسی که حال او را می‌خواهد بازگو نماید داشته باشد. شرط دوم این که: سخنی را به امام حسین علیه السلام و اهل بیت او نسبت ندهد، بلکه تصریح کند آن چه می‌گویم تشخیص من است. متأسفانه بدون در نظر گرفتن دو شرط یاد شده، بسیاری از مرثیه سرایان مطالبی را خصوصاً به صورت شعر به امام و اهل بیت آن بزرگوار نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد. به نظر می‌رسد سوء استفاده از زبان حال در مرثیه سرایی یکی از عوامل راه یافتن دروغ به مقتل‌های مکتوب باشد. از باب نمونه شعر معروف منسوب به امام حسین علیه السلام: *إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمِ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيُوفُ خُدَيْنِي* این شعر البته از نظر مضمون ایرادی ندارد ولی انتساب آن به امام دروغ است، این سخن بخشی از قصیده‌ای است از یکی از شعرا عرب به نام شیخ محسن الهویزی، که در رثاء امام حسین علیه السلام ضمن این ابیات آمده: *أَعْطَيْتُ رَبِّي مَوْثِقًا لَا يَنْتَهِي إِلَّا بِقَتْلِي فَاصْعَدِي وَذَرِينِي إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمِ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيُوفُ خُدَيْنِي هَذَا لِلرَّمَاحِ وَتِينِي* (۱) با پروردگام عهدی بسته‌ام که انجام نمی‌شود جز با کشته شدنم، پس مرا بالا ببر و بیفکناگر دین محمد استوار نماند جز به کشته شدن من، ای شمشیرها مرا برگیرید این خون من است، پس شمشیرهایی تشنه از آن سیراب شوند و این رگ گردنم آماده برای نیزه‌هاست. بدیهی است که شاعر، این ابیات را به عنوان زبان حال امام گفته، لیکن به تدریج به عنوان سخن امام رواج یافته است. همچنین، جمله مشهور منسوب به آن حضرت: *إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ* همانا زندگی عقیده و جهاد است. این جمله مصرعی از سروده شاعر متأخر احمد شوقی است و تمام بیت چنین است: *قَتِفَ دُونَ رَأْيِكَ فِي الْحَيَاةِ مُجَاهِدًا إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ* (۲) در راه باورت ایستادگی و مجاهدت کن که زندگی، باور و مجاهدت است

۱- ر. ک: مستدرکات اعیان الشیعه: ج ۳ ص ۱۹۱.

۲- الموسوعه الشوقیه: ج ۳ ص ۲۲۸.

ص: ۶۲

گفتنی است که این بیت شعار روزنامه «الجهاد» در مصر بوده است. (۱)

۱- الجهاد نام روزنامه صبح گاهی بوده به سرپرستی محمد توفیق دیاب ، ارگان حزب الوفد مصر که از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۸ م منتشر می گردید .

ص: ۶۳

ج - تلاش برای ارائه مصیبتی نو!**د - دنیاطلبی**

ج - تلاش برای ارائه مصیبتی نو! به صورت شغل در آمدن مرثیه سرایی از یک سو ، و یکنواخت بودن مجالس عزاداری و مستمعان از سویی دیگر به طور طبیعی ایجاب می کند که مرثیه سرایان دائماً در صدد یافتن مصیبتی جدید در باره واقعه کربلا باشند ، و از آنجا که مصایب کربلا محدود است ، تلاش برای دست یابی به مصایب جدید ، زمینه ساز ورود انواع دروغ ها و مطالب سست در عرصه مرثیه سرایی است . برای مبارزه با این خطر باید نوآوری در ارائه مصایبی که در منابع معتبر آمده ، جایگزین تلاش برای یافتن مصایب جدید گردد .

د - دنیاطلبی اصلی ترین و خطرناکترین ریشه های دروغ در مرثیه سرایی ، دنیاطلبی است ، در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده : **حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ ، وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ ، وَسَبَبُ إِجْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ . (۱)**

۱- .إرشاد القلوب: ص ۲۱. نیز، ر.ک: دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۳۸۲ ح ۵۷۸.

۶ . بدعت در نحوه عزاداری

دنیا دوستی سرآمد هر خطایی و کلید هر گناه و مایه از میان رفتن هر خوبی است . گفتنی است که انواع انگیزه های غیر الهی از مرثیه سرایی ، چه کسب درآمد مادی باشد و چه تحصیل شهرت و محبوبیت و چه غیر آنها ، دنیاطلبی است و تا این ریشه خطرناک علاج نشود ، و تا اخلاص برای مرثیه سرایان حاصل نگردد ، همه تلاش ها برای اصلاح امر مرثیه سرایی عقیم خواهد ماند .

۶ . بدعت در نحوه عزاداری آسیب هایی که تاکنون برشمردیم ، آفاتی بود که محتوای مجالس عزاداری سید الشهداء را تهدید می کنند ، اما شماری از آفات مربوط به شکل و چگونگی عزاداری می شوند . از نظر فقهی ، عبادات اعم از واجب و یا مستحب ، توقیفی است ، بدین معنا که اصل عبادت و چگونگی آن باید توسط ادله شرعی اثبات شود ، در غیر این صورت ، عملی که به عنوان عبادت انجام می شود ، بدعت محسوب می گردد و نه تنها مطلوب نیست بلکه ممنوع و محرم است . استحباب عزاداری برای سالار شهیدان بر پایه ادله قطعیه ثابت است و با عنایت به آثار و برکات فردی و اجتماعی آن از بزرگترین عبادات محسوب می گردد ، اما در مورد چگونگی انجام این عبادت ، معیار ، عزاداری های مرسوم در عصر صدور و روایات مربوط به

ص: ۶۵

عزاداری است . بلکه می توان گفت : اطلاق این روایات ، شامل انواع عزاداری های مرسوم در اعصار مختلف نیز می گردد ، مشروط به این که آن چه رایج شده صدق عزاداری کند و موجب وهن مکتب اهل بیت و یا همراه با انجام عملی نامشروع نباشد . بنا بر این ، آن چه در شماری از مجالس عزاداری به تدریج مرسوم شده ، مانند : استفاده از ابزار موسیقی ، آهنگ های مبتذل ، تشبه مرد به زن ، و همچنین قمه زدن ، بدعت در عزاداری محسوب می شود . به ویژه قمه زدن که در عصر حاضر موجب تبلیغات سوء بر ضد پیروان اهل بیت و وهن مکتب تشیع است ، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای در این باره می فرماید : قمه زدن هم از کارهای خلاف است ... نمی شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد ، ... کار غلطی است که عده ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند . کجای این حرکت عزاداری است؟! البته ، دست بر سر زدن عزاداری است . شما بارها دیده اید ، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می آید ، بر سر و سینه خود می کوبند . این نشانه عزاداری است ، اما شما تا به حال کجا دیده اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش با شمشیر بر مغز خود بکوبد و خون جاری کند ؟ کجای این کار عزاداری است؟! قمه زدن سنتی جعلی است . از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک ، خدا هم از انجام آن راضی نیست ، علمای سلف دستشان بسته بود و نمی توانستند بگویند : «این کار غلط و خلاف است» .

ص: ۶۶

امروز روز حاکمیت اسلام است و روز جلوه اسلام است . نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر ، یعنی جامعه محب اهل بیت علیهم السلام که به نام مقدس ولی عصر - ارواحنا فداه - به نام حسین بن علی علیه السلام و به نام امیر المؤمنین علیه السلام مفتخرند در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم ، به عنوان یک گروه آدم های خرافی بی منطق معرفی شوند ... قطعاً این یک بدعت است . (۱) و آخرین سخن در این باب ، این که فرهنگ عاشورا اگر آن گونه که هست و بدون تحریف به جهانیان عرضه شود ، از قدرت اعجاز آمیزی برخوردار است که می تواند به نظام سلطه و استکبار در جهان ، پایان دهد و بدینسان نه تنها امت مسلمان ، بلکه همه مستضعفان جهان را از ستم چپاولگران ، زورمداران و غارتگران بین المللی رهایی بخشد و به گفته رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای : امروز حسین بن علی علیه السلام می تواند دنیا را نجات دهد ، به شرط آن که با تحریف ، چهره او را مغشوش نکنند (۲) . یادم نمی رود در دوران ریاست جمهوری ، ایشان شبی نخستین رهبر جهاد اسلامی فلسطین شهید دکتر فتحی شقاقی را به منزل خود دعوت کردند ، جمعی از روحانیون و مسئولان کشور نیز حضور

۱- بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در جمع روحانیون استان «کهرکیلویه وبویر احمد» در آستانه ماه محرم «۱۷ / ۳ / ۱۳۷۳» .

۲- سخنان ایشان در دیدار روحانیون و عاظ در آستانه ماه محرم «۳ / ۳ / ۱۳۷۴» .

ص: ۶۷

داشتند ، یکی از حضار از شهید دکتر فتحی شقاقی پرسید که تا چه اندازه به موفقیت راه خود اطمینان دارید ؟ وی با این که پیرو مذهب اهل سنت بود پاسخی داد که همه را در بهت و شگفتی فرو برد . پاسخ او این بود که : ما اصولاً به این موضوع فکر نمی کنیم! ما موفقیت و پیروزی خود را در انتخاب راه حسین بن علی علیه السلام می دانیم ، هدف ما انجام تکلیف الهی است! باری ، همه پیروان راستین اهل بیت و علاقمندان آگاه سید الشهداء در پاسداری از فرهنگ اصیل عاشورا در برابر توطئه دشمنان آگاه و تحریف دوستان ناآگاه ، مسئولند . اما بی تردید ، مسئولیت مراجع تقلید ، فرهیختگان ، عالمان دین باور ، گویندگان ، نویسندگان و مرثیه سرایان متعهد ، سنگین تر است . (ثُمَّ لَتَسْلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ) . (۱)

۱- تکاثر: آیه ۸ .

ص: ۶۸

فصل چهارم : مجالس عزاداری هدفمند

۱. خدا محوری

ص: ۶۹

فصل چهارم : مجالس عزاداری هدفمند با عنایت به فلسفه عزاداری سید الشهداء ، و آسیب هایی که ممکن است آن را فراگیرد و باید از آن پرهیز داشت مجالس عزاداری آن حضرت در صورتی می توانند عزاداران را در جهت این هدف ، هدایت کنند که دارای سه ویژگی باشند :

۱ . خدا محوری مجاهدت سید الشهداء و همه شهدای راه حق و فضیلت در طول تاریخ برای آشنا کردن با خداوند متعال و استقرار یگانه پرستی در سایه حکومت دینی در جهان بود ، بنا بر این بدون معرفت صحیح دینی نمی توان تحلیل درستی از نهضت عاشورا ارائه کرد و از این رو خدامحوری و پیوند دل ها با خدا و ارزش های معنوی باید اساس برنامه های مجالس عزاداری و سخنرانی ها و مرثیه سرایی ها باشد و این درس بزرگی است که امام حسین علیه السلام برای ارائه آن به عموم مسلمانان به خصوص پیروان خود ، در عصر تاسوعا از دشمن یک

۲. ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا

شب مهلت خواست . برپایه گزارش منابع معتبر تاریخی عصر نهم محرم ابن سعد دستور حمله به یاران امام را صادر کرد ، آن حضرت هنگامی که آمادگی سپاه دشمن برای درگیری را ملاحظه کرد به برادرش عباس علیه السلام فرمود: **إِرْجِعْ إِلَيْهِمْ ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى غُدْوَةٍ وَتَدْفَعَهُمْ عِنْدَ الْعَشِيِّ ؛ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ ، وَنَدَعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ ، فَهُوَ يَعْلَمُ أَتَى قَدْ كُنْتُ أَحَبُّ الصَّلَاةِ لَهُ ، وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ ، وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ!** (۱) به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی آنها را تا صبح به تأخیر بینداز و امشب بازشان گردان، شاید که امشب برای خدایمان نماز بخوانیم و او را بخوانیم و از وی آمرزش بخواهیم که او خود می داند من نماز برای او، تلاوت کتابش و دعا و استغفار فراوان را دوست دارم. و بدین سان ، شب عاشورا ، آخرین شب انس امام حسین علیه السلام و اصحابش با انیس ذاکران بود : **فَبَاتَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ [لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ] رَاكِعًا سَاجِدًا بَاكِيًا مُسْتَغْفِرًا مُتَضَرِّعًا ، وَبَاتَ أَصْحَابُهُ وَلَهُمْ دَوِيُّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ.** (۲) شب در رسید و حسین علیه السلام شب عاشورا را به رکوع و سجود و گریه و استغفار و تضرع و زاری پرداخت و یارانش زمزمه ای مانند آوای

۱- ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هشتم / فصل یکم : شب را مهلت گرفتن برای نماز، دعا و استغفار .

۲- مقتل الحسین ، خوارزمی : ج ۱ ص ۲۵۱ . نیز ، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هشتم / فصل یکم : شب راز و نیاز .

ص: ۷۱

زنیور [بدون وقفه] داشتند. از عالم ربانی آیت الله میرزا جواد تهرانی (رضوان الله علیه) نقل شده است که ایشان خطاب به جمعی از روحانیون اهل منبر می فرمود: کاری کنید که خدا در مجلس امام حسین علیه السلام فراموش نشود! و این نکته ای است بس مهم و قابل توجه و تأمل، در واقع فراموش شدن خدا در مجلس امام حسین علیه السلام آفت خطرناکی است که مانع آشنایی عزاداران با فلسفه عزاداری و روح نهضت حسینی می گردد.

۲. ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورابدون تحلیل واقع بینانه از نهضت عاشورا امکان ندارد که عزاداران با اهداف بلند عزاداری آشنا شوند و در آن مسیر گام بردارند، از این رو گویندگان و مرثیه سرایان در مجالس عزاداری سید الشهداء باید بر پایه تحلیل درست واقعه عاشورا، سخنرانی و مرثیه سرایی خود را تنظیم نمایند، و بدین منظور استفاده از منابع معتبر در تبیین این حادثه، و اجتناب از آسیب های مجالس عزاداری ضروری است و بهترین راه برای رسیدن به این هدف، خواندن متن مقتل از منابع معتبر است. به فرموده رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای: اگر برای ذکر مصیبت کتاب «نفس المهموم» محدث قمی را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه آور است و همان عواطف جوشان را

۳. تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام

به وجود می آورد، چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان، برای مجلس آرایی کاری کنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه واقعی اش دور بماند؟ (۱) و بدین سان مرثیه سرایی برای سید الشهداء اگر توأم با اخلاص و صداقت باشد، کاری است بس ارزشمند و اگر هدف مجلس آرایی و دنیاطلبی باشد بسیار زیانبار و خطرناک است. (۲)

۱- سخنان معظم له در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویر احمد در آستانه ماه محرم «۱۷ / ۳ / ۱۳۷۰».

۲- در این باره، یکی از مراجع تقلید معاصر، رؤیای صادقه آموزنده ای را از استاد خود، فقیه بزرگوار، آیه الله سید عبد الهادی شیرازی رحمه الله علیه نقل کرده که خلاصه آن، چنین است: هنگامی که خبر درگذشت آیه الله سید جعفر شیرازی (برادر همسر آیه الله سید عبد الهادی شیرازی، که ظاهراً در اواخر عمر، برای معالجه به تهران آمد و به عالم بقا پیوست و قبر وی، در حرم حضرت عبد العظیم حسنی علیه السلام، نزدیک مزار ابو الفتوح رازی است) به آیه الله آقا سید عبد الهادی شیرازی رسید، من کنار استاد بودم. ایشان، سر خود را نزدیک گوش من آورد و فرمود: قضیه ای در باره آقا سید جعفر دارم که تا زنده بود، نگفتم. اکنون که فوت شده، می گویم: شبی خواب دیدم که در بیرونی منزل (همان جا که محل تدریس بنده است)، دو کرسی گذاشته اند. بعد، حضرت سید الشهداء علیه السلام و عباس علیه السلام وارد شدند و روی این دو کرسی نشستند. عباس علیه السلام، دفتری را باز کرد و من، متن آن را می دیدم. امام حسین علیه السلام، به یکی از نام هایی که در آن دفتر بود، اشاره کرد و فرمود: «این اسم را قلم بزن!» . عباس علیه السلام، آن نام را قلم زد. بعد، امام علیه السلام فرمود: «جای آن، نام آقا سید جعفر را بنویس!» . عباس علیه السلام، نام ایشان را نوشت و دفتر را بست و رفتند. مرحوم آیه الله شیرازی، سپس فرمود: من از عظمت آن رؤیا، تا صبح نخوابیدم. فردای آن روز، وقتی آقا سید جعفر آمد، به ایشان گفتم: من دیشب، خوابی دیدم که از عظمت آن، تا صبح نخوابیدم. ایشان گفت: زود داستان خوابت را بگو. من هم آن خواب را برای آقا سید جعفر، نقل کردم. ایشان، با شنیدن آن، منقلب شد و گفت: قضیه، این است که من دیشب (شب اول محرم)، در حرم بودم. بعد به این فکر افتادم که من، یک عمر برای امام حسین علیه السلام گریه کرده ام؛ اما کسی را نگریانده ام و این اجر، نصیب من نشده است. این موضوع، فکر مرا مشغول کرد. رفتم و جستجو کردم و کتاب جلاء العیون مجلسی را پیدا کردم. به خانه آمدم و زن و بچه ام را دور هم جمع کردم و گفتم: از امشب، من می خوانم و شما هم گریه کنید. ایشان، پس از نقل این رؤیا، اضافه کرد که: رؤیای آیه الله شیرازی، در همان شب، یعنی شب اول محرم و برپایی نخستین جلسه سید جعفر بوده و من، هر وقت برای زیارت به حرم حضرت عبد العظیم علیه السلام می آیم، قبر ایشان را نیز زیارت می کنم.

ص: ۷۳

۳. تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام تحلیل صحیح نهضت حسینی نمی تواند جایگزین تلاش و به کارگیری هنر در جهت جوشش عواطف و احساسات مردم نسبت به حادثه خونین کربلا گردد، در سازندگی معنوی، عاطفه و احساسات نقش ویژه ای دارد که هیچ چیز دیگر نمی تواند جای آن را پر کند و لذا اهل بیت علیهم السلام تأکید ویژه ای در مورد گریاندن و گریستن بر مصایب سید الشهداء داشتند، و خود نیز با تشویق مرثیه سرایان و استماع مرثیه آنان (۱) زمینه گسترش این فرهنگ را در میان پیروان خود فراهم می کردند، چنان که از یکی از شعرای معاصر امام باقر علیه السلام به نام کمیت نقل شده که پس از مرثیه سرایی نزد آن حضرت و گریستن آن

۱- ر. ک: دانش نامه امام حسین علیه السلام: بخش یازدهم / فصل دوم: مصیبت خوانی برای حسین علیه السلام، و فصل چهارم: گریستن و گریاندن بر سید الشهداء و یارانش / ثواب گریه بر آنان.

ص: ۷۴

بزرگوار ، فرمود : ما مِنْ رَجُلٍ ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ ، فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مَاءٌ وَلَوْ قَدَرَ مِثْلَ جَنَاحِ الْبَعُوضَةِ ، إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ ، وَجَعَلَ ذَلِكَ حِجَابًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ. (۱) هیچ کس نیست که ما را یاد کند و یا در نزدش یاد شویم و از چشمانش اشکی بیاید، هر چند که به اندازه بال پشه، مگر این که خداوند، برایش خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند، و آن را میان او و آتش حجاب قرار می‌دهد. مرثیه سرای هنرمند آن است که با تکیه بر منابع معتبر و بر پایه تحلیل و تبیین صحیح حادثه عاشورا، بیشترین نقش را در تبلور عاطفه و احساسات مردم نسبت به سالار شهیدان ایفا نماید، و بدین سان خدامحوری و ارادت به خاندان رسالت را در جامعه گسترش دهد.

۱- . کفایه الأثر : ص ۲۴۸ ، بحار الأنوار : ج ۳۶ ص ۳۹۰ ح ۲ .

فصل پنجم: کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری

اشاره

فصل پنجم: کتاب شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری درباره تاریخ عاشورا و بویژه عزاداری و مقتل کتاب های بسیاری در طول تاریخ نگاشته شده است که این خود نشان از اهتمام عالمان و محققان شیعی بدین مسأله است. (۱) این منابع در اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می توان آنها را به دو دسته کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد. این تقسیم بندی در کتاب های در دسترس قابل انجام است، اما دسته دیگری به نام منابع مفقود را نیز باید در نظر داشت، منابعی که تنها در فهرست ها به آنها اشاره شده و اکنون به آنها دسترسی مستقیم نداریم، هر چند برخی اخبارشان به کتاب های دیگر راه یافته است. بنا بر این با سه گروه منبع، مواجهیم: ۱. منابع قابل استناد، ۲. منابع غیر قابل استناد، ۳. منابع معاصر.

۱- جهت آگاهی بیشتر ر. ک: کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، محمد اسفندیاری، کتاب شناسی امام حسین علیه السلام، نجفقلی حبیبی، (در کتاب اول بیش از هزار کتاب معرفی شده و در کتاب دوم ۸۷۹ اثر معرفی شده است).

ص: ۷۶

مقصود ما از منابع قابل استناد، آن دسته مآخذی هستند که هویت تاریخی داشته و نویسندگان آنها، معلوم، سرشناس و از عالمان روشمند بوده‌اند، هر چند دیده نقد خود را بر یک یک روایات آنان باز نگاه می‌داریم. منابع غیر قابل استناد و ضعیف را منابعی داستانی، بی‌سند و بی‌پشتوانه تاریخی می‌دانیم که اخبار گزارش شده در آنها را تنها به شرط یافتن مؤیدات تاریخی و تقویت به وسیله دیگر مآخذ، می‌پذیریم. ما ابتدا به معرفی توصیفی منابع مهم قابل استناد می‌پردازیم و همین کار را درباره منابع ضعیف اما مشهور به انجام می‌رسانیم و سپس منابع معاصر را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم. (۱)

۱- ما در معرفی خود از کتاب، تأملی در نهضت عاشورا، از آقای رسول جعفریان، کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام از آقای محمد اسفندیاری و عاشورا پژوهی نوشته آقای محمد صحتی سردرودی استفاده کرده ایم.

۱. منابع قابل استناد

(۱) منابع قابل استناد خوشبختانه منابع متعدد و قابل اتکایی از پنج قرن نخست به دست ما رسیده که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته اند. این منابع را می توان به دو دسته مستقل و مشتمل تقسیم نمود: منابعی که ویژه گزارش دهی نهضت عاشورا و حماسه سازان این واقعه بی نظیر است و منابعی که تنها بخش و فصل هایی از آنها، درباره قیام امام حسین علیه السلام است. ما در اینجا همه این منابع را به ترتیب تاریخی گزارش می کنیم. گفتنی است این منابع از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند، اما همه آنها قابلیت ارجاع و استناد را دارند و به وسیله پژوهش های تاریخی روشمند قابل بررسی و پذیرش اند: ۱. طبقات الکبری، ابن سعد (متوفی ۲۳۰) ۲. انساب الاشراف، بلاذری (متوفی ۲۷۹) ۳. اخبار الطوال، دینوری (متوفی ۲۸۳) ۴. تاریخ الطبری (متوفی ۳۱۰) این کتاب از مهمترین منابع قیام حسینی است.

ص: ۷۸

۵. الفتوح ، ابن اعثم کوفی (متوفی حدود ۳۱۴) ۶. مقاتل الطالبیین ، ابوالفرج اصفهانی (متوفی ۳۵۶) ۷. المعجم الکبیر، طبرانی (متوفی ۳۶۰) ۸. شرح الأخبار ، قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳) ۹. کامل الزیارات ، ابن قولویه (متوفی ۳۶۸) ۱۰. الامالی، صدوق (متوفی ۳۸۱) ۱۱. الارشاد ، مفید (متوفی ۴۱۳) ۱۲. روضه الواعظین ، ابن فتال نیشابوری (متوفی ۵۰۸) ۱۳. اعلام الوری ، طبرسی (متوفی ۵۴۸) ۱۴. مقتل الحسین، خوارزمی (متوفی ۵۶۸) ۱۵. تاریخ دمشق ، ابن عساکر (متوفی ۵۷۱) ۱۶. المناقب، ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸) ۱۷. الکامل فی التاریخ ، ابن اثیر (متوفی ۶۳۰) ۱۸. مثير الأحزان ، ابن نما (متوفی ۶۴۵) ۱۹. تذکره الخواص ، سبط ابن جوزی (متوفی ۶۵۳) ۲۰. الملهوف علی قتلی الطفوف (الملهوف)، سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴) ۲۱. کشف الغمه ، اربلی (متوفی ۶۹۲) ۲۲. سیر اعلام النبلاء ، ذهبی (متوفی ۷۴۸)

ص: ۷۹

۲. منابع غیر قابل استناد

اشاره

(۲) منابع غیر قابل استناد حادثه عاشورا از پیشامدهای شگفت تاریخ است. قهرمانانی اندک شمار در برابر خیل عظیم جنگجویان سفاک و بیرحم تا واپسین لحظه حیات و آخرین قطره خون مقاومت کردند و از همه چیز در راه محبوب خود گذشتند. این مقاومت شجاعانه و فداکاری قهرمانانه، از آغازین لحظه‌های پیدایش، در درازنای تاریخ و تاکنون، چشم‌ها را خیره کرده و زبان‌ها و قلم‌ها را به سوی خود کشیده است. تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان، از نخستین کسانی بودند که به گزارش این واقعه با بسیاری از رخدادهای پیرامونی و حادثه‌های جزئی آن پرداختند و حتی آن دسته مورخان حکومتی که نان امویان را می‌خوردند نتوانستند، آفتاب دلاوری‌ها، رشادت‌ها و حماسه‌سراییه‌های این تعداد به ظاهر اندک و به باطن، با همه انسانیت انسان‌ها برابر، را نادیده و یا آن را زیر ابر تیره، گیرند. کتاب‌های تاریخ و سیره، چه در میان شیعیان و چه اهل سنت و حتی غیر مسلمانان، واقعه عاشورا را به عنوان یک نقطه عطف و یک پیشامد مسلم گزارش

ص: ۸۰

کرده و ارکان و وقایع اصلی آن از مشهورات، متواترات و قطعیات تاریخی است، اما تفصیل‌ها و جزئیات آن، مانند هر واقعه تاریخی دیگری با تفاوت‌هایی در نقل‌ها و یا کاستی‌ها و مبالغه‌هایی قابل انتظار همراه بوده است. این در حالی است که با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر و تحریف بیشتر می‌شود، نکته‌ای که قاعده لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک تر به حادثه تاریخی را مدلل می‌سازد. خوشبختانه منابع کهن تاریخی و سیره نگاری چنان دقیق و با تفصیل به عاشورا و کربلاء پرداخته‌اند که غرض ورزی‌ها، اشتباهات و کم‌دقتی‌های همزاد انسان، را به آسانی نشان می‌دهد. مبنای ما در سنجش اعتبار و سندیت کتاب‌های نوشته شده در دوره‌های بعد، همین منابع کهن و مشترکات تاریخی در کنار حفظ معیارهای نقد متون و اسناد تاریخی است. همچنین از آن رو که حادثه عاشورا، یکی از سرخ‌ترین جلوه‌های گل‌فام امامت شیعه است، گزارش‌ها و مآخذ پیرامون عاشورا را باید با سنجه عصمت امام علیه السلام نیز سنجید و سیره رفتاری امامت شیعه را بر آنچه به آنان نسبت می‌دهند حاکم کرد. بر این اساس، کتاب‌ها و منابعی که گزارش‌های خود را نقادی نکرده و آنها را با منابع اصلی تاریخی برابر نموده و یا به تعارض آنها با سیره و کرامت و شخصیت امام حسین علیه السلام و یارانش توجه نکرده‌اند، دچار ضعف گشته و از گردونه اعتبار و نقل و استناد خارج می‌شوند.

ص: ۸۱

هر اندازه تعداد این گزارش‌های بدون اصل و سند و یا نامتجانس با شخصیت کرامتمندانه و عزتمندانه عاشورائیان در کتابی بیشتر باشد، بر ضعف آن افزوده می‌شود و هر اندازه این گزارش‌ها کمتر، کتاب از اعتبار بیشتر بهره‌مند می‌گردد. این بدان معناست که نقد ما در این عرصه، متوجه به کتاب و محتوای آن است و نه نویسنده و گردآورنده آنها، چه، برخی از مؤلفان این گونه کتاب‌ها جزو کسانی هستند که از سر شیفتگی به این حماسه تاریخی و شخصیت اعجاب‌انگیز امام حسین علیه السلام و همراهانش و به پاس قدردانی از فداکاری‌های آنان، قلم به دست گرفته و بدون آن که تخصص اصلی آنها تاریخ و سیره باشد، در عرصه‌ای قلم زدند که تفاوت اصلی با اندوخته‌های علمی آنها مانند فقه و تفسیر قرآن داشت. احساس دین به امام حسین علیه السلام با شوری که از مطالعه نهضت عاشورا به هر انسانی دست می‌دهد، آمیخته شد و این مؤلفان شیفته را گاه به تساهل در رویارویی با گزارش‌های بی پایه کشاند و سبب شد آنان حتی به گزارش‌های شفاهی که از زبان این و آن و یا برخی واعظان و مرثیه‌خوانان شنیده‌اند، اعتماد کنند و افزوده‌هایی ناسازگار با واقعه اصلی عاشورا و در تعارض با اهداف آن را در کتاب‌های خود بیاورند، تا چه رسد به کتاب‌های کم‌اعتبار، مجهول و یا حتی مجعول. زمینه‌ها و عامل‌هایی چند، نیز این جریان را شدت بخشید که از

ص: ۸۲

جمله آنها، پیدایش سبک داستان پردازی و ارائه قرائت جذاب و مخاطب محور، از واقعه عاشورا بود. سبکی که برپایه گرایش طبیعی انسان به حکایت و نقل زیبایی وقایع روی داده، شکل گرفت و میل فطری آدمیان به بزرگ داشتن و بزرگتر کردن قهرمانان خود، به آن کمک نمود. در این میان کسانی آیات و روایات باز دارنده از دروغ پردازی را با جعل اصطلاح «زبان حال» کنار زدند و یا حتی در برخی نمونه های معدود، دروغ را تجویز کردند. راه یافتن این زبان تخیلی، احساسی و داستانی به منبر و مرثیه و تعزیه، چرخه نقل شفاهی و نگارش کتبی را کامل کرد و پس از مدتی آنچه به عنوان یک مرثیه یا مداحی و نقل حکایت و به منظور برانگیختن احساسات ساخته و خوانده شده بود، به کتاب ها راه یافت و از سوی برخی که میان منابع کهن و نزدیک به واقعه عاشورا با کتاب هایی که قرنها پس از آن به نگارش درآمده اند تفاوت چندانی نمی نهند، به صورت یک سند تاریخی و قابل ذکر درآمد. این ها، همه افزون بر اشتباهات ناخواسته انسانی است که در نقل های تاریخی پیش می آید، مانند خطای حافظه در نقل شفاهی و خطای باصره در هنگام نوشتن که به گاه نگارش و قرائت نسخه ها پیش می آید، بویژه اگر نسخه، مغلوط و یا بدخط باشد. آنچه مایه امیدواری پژوهشگران است، شکل هر می این جریان ناخجسته است. به این معنا که هر چند ممکن است تعداد کتاب های کنونی که مطالب

۱. مقتل منسوب به ابومخنف

آمیخته از درست و نادرست دارند، فراوان به نظر رسد، اما پی‌یابی جریان نقل آنها، پژوهشگر را به تعداد انگشت شماری از منابع مشخص می‌رساند که سرچشمه ورود این ادبیات تخیلی و بدون پشتوانه تاریخی به جریان گزارش دهنده حماسه کربلا هستند. محققان این مجموعه با بررسی صدها گزارش و مأخذیابی مرحله به مرحله هر یک از نقل‌ها، این چند کتاب معدود را شناسایی کرده و ساختار و ضعف‌های آنها را گوشزد کرده‌اند. این بدان معنا نیست که همه مطالب این کتاب‌ها نادرست و تحریف شده است، چه در این کتاب‌ها، گزارش‌های معتبر از کتاب‌های کهن و اصلی تاریخ و سیره نیز نقل شده است. مقصود ما آن است که بسیاری از گزارش‌های نادرست و یا بدون منبع و پشتوانه تاریخی در این کتاب‌ها یافت می‌شود، که برخی با عملکرد و سیره رفتاری امام حسین علیه السلام و اهل بیت گرامیش ناسازگار است و برخی تنها احتمال وجودشان در منابع به ما نرسیده می‌رود، و بدین جهت مطالب این گونه کتاب‌ها بدون ارزیابی قابل استناد نیستند، این منابع عبارت‌اند از:

۱. مقتل منسوب به ابومخنف ابو مخنف، لوط بن یحیی بن سعید، در گذشته به سال ۱۵۸ هجری قمری، از مورخان مورد اعتماد و از اصحاب امام صادق علیه السلام است، او به احتمال فراوان شیعه و مقبول مورخان فریقین است و از این رو

تاریخ نگاران و سیره نویسان متعدد از کتاب او درباره قیام امام حسین علیه السلام نقل کرده اند. از این میان می توان به محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷) و محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) در تاریخش، ابن قتیبه (م ۳۲۲) در الامامه والسیاسه، ابن عبدربه (م ۳۲۸) در العقد الفرید، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۵) شیخ مفید (م ۴۱۳) در الارشاد و نیز النصره فی حرب البصره، شهرستانی (م ۵۴۸) در الملل والنحل، خوارزمی (م ۵۶۸) در مقتل الحسین و در آخرین حلقه ها به ابن عساکر (م ۵۷۱)(۱)، در تاریخ دمشق، ابن اثیر (۶۳۰) در الکامل، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴) در تذکره الخواص و ابوالفداء (م ۷۳۲) اشاره کرد(۲). سوگمندان اصل کتاب ابومخنف ناپیدا شده و ما تنها می توانیم از جمع آوری گزارش های این مورخان، به بخشی از کتاب او دست بیابیم. در دوره معاصر آقای حسن غفاری و محمد هادی یوسفی غروی به این کار همت گماشته و آن بخش از کتاب ابو مخنف را که طبری در تاریخ خود گزارش کرده، گردآورده و با نام های «مقتل الحسین» و «وقعه الطّف» منتشر ساخته اند.

-
- ۱- ابن عساکر بسیار کم از ابومخنف نقل می کند، ولی در بخش معرفی زینب دختر امام حسین علیه السلام، تصریح می کند که کتاب ابو مخنف را خوانده است (ر.ک: تاریخ دمشق: ج ۶۹ ص ۱۶۸).
 - ۲- ر.ک: مقدمه وقعه الطّف: ص ۹.

پیشتر از این دو، کتابی به نام مقتل ابی مخنف منتشر شده است که نه تنها دلیلی بر صحت انتساب آن به مؤلف در دست نیست، بلکه تفاوت فراوان و آشکار مطالب آن با نقل طبری از ابومخنف، قرینه نادرستی این انتساب است. دلیل دیگر، وجود برخی مطالب موهن به شخصیت بزرگوارانه امام حسین علیه السلام است که تألیف آنها از نویسندگان مشهور و موثق همچون ابومخنف، بسی بعید است. جالب توجه آن که میان این کتاب چاپ شده ناشناخته، با متن برخی نسخه های خطی آن تفاوت بیش از حد متعارفی به چشم می آید و اعتماد به آن را از میان می برد. (۱) متأسفانه، نیاز به مقتل ابی مخنف، موجب شده، بسیاری به همین نسخه متداول و رایج روی آورده و بیشتر مطالب آن را نادانسته به ابو مخنف نسبت دهند. گفتنی است که در دو سده اخیر، بسیاری از محدثان، مورخان و کتابشناسان، پس از تأیید ابو مخنف و کتاب اصلی او، کتاب کنونی، متداول و در دسترس «مقتل ابومخنف» را بی اعتبار و غیر قابل استناد دانسته اند. از این میان می توان به محدث نوری، (۲) میرزا محمد

۱- نسخه ای از این کتاب در آخر بحار الأنوار به چاپ رسیده و یک نسخه خطی به تاریخ ۱۱۳۰ نیز در کتابخانه دار الحدیث نگاهداری می شود. این نسخه خطی برخی از اشتباهات فاحش نسخه چاپی متداول را ندارد، مانند سند کتاب در آغاز متن چاپی، ص ۲۴ و روایت از کلینی در همان، ص ۲۵.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۳۶.

ص: ۸۶

۲. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام

ارباب، (۱) حاج شیخ عباس قمی، (۲) سید عبدالحسین شرف الدین، (۳) سید حسن امین (۴) و شهید قاضی طباطبایی (۵) اشاره کرد (۶).

۲. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام نور العین، مقتلی منسوب به ابو اسحاق اسفرائینی است و این عنوان منصرف به ابراهیم بن محمد بن ابراهیم اسفرائینی، فقیه شافعی و در گذشته به سال ۴۱۷ یا ۴۱۸ هجری است، اما هیچ یک از منابع کهن، تألیف چنین کتابی را در شرح حال او گزارش نکرده اند. (۷) در میان کتابشناسان متأخر، ابتدا اسماعیل پاشا (۸) و پس از او شیخ آقا بزرگ تهرانی (۹) و یوسف الیان سرکیس (۱۰) این کتاب را به او منسوب داشته اند. آنچه نظر اسماعیل پاشا را کم اعتبار می کند، اشاره وی به

- ۱- اربعین حسینه : ص ۹ .
- ۲- نفس المهموم : ص ۹ ، الکنی والألقاب : ج ۱ ص ۱۵۵ ، هدیة الأحاب : ص ۴۵ .
- ۳- مؤلفو الشیعه فی صدر الإسلام : ص ۴۱ .
- ۴- مستدرکات أعیان الشیعه : ج ۶ ص ۲۵۵ .
- ۵- تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام : ص ۶۰ ، ۷۶ ، ۲۱۹ ، ۲۲۲ .
- ۶- برای آگاهی بیشتر درباره این کتاب و دیگر منابع مرتبط ، ر . ک : محمّد اسفندیاری ، کتابشناسی تاریخی امام حسین علیه السلام : ص ۷۰ .
- ۷- ر . ک : طبقات الشافعیه : ج ۴ ص ۲۵۶ ، وفيات الأعیان : ج ۱ ص ۲۸ ، تبیین کذب المفتری : ص ۲۴۳ ، سیر أعلام النبلاء : ج ۱۷ ص ۳۵۲ ، البدایه والنهایه : ج ۱۲ ص ۳۰ .
- ۸- هدیة العارفین : ج ۱ ص ۸ .
- ۹- الذریعه : ج ۱۷ ص ۷۲ - ۷۳ .
- ۱۰- معجم المطبوعات العربیة : ج ۱ ص ۴۳۶ .

ص: ۸۷

۳. روضه الشهداء

مأخذ خود ، وفيات الاعيان است ، حال آن که ما چنین مطلبی را در وفيات الاعيان نیافتیم و اسماعیل پاشا خود در کتاب دیگرش ، ایضاح المکنون ، کتاب را بدون ذکر مؤلف آن معرفی کرده است . (۱) کتابشناسان معاصر مانند سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه الله علیه نیز بر این اعتقادند که این کتاب را بر اسفرائینی بر بسته اند ؛ زیرا اسلوب و سبک آن با کتاب های تألیف شده در قرن چهارم ، یعنی سال های تدریس و تألیف اسفرائینی ، همسان نیست . (۲) و نکته آخر آن که مطالب کتاب ، بدون سند و مأخذ است و گاه چنان غیر معتبر و دور از عقل است (۳) که تألیف آن را از سوی یک فقیه دانشمند، بعید می سازد و از این رومحققان خبره در سیره و تاریخ امام حسین علیه السلام را به انکار آن سوق داده است . (۴)

۳. روضه الشهداء کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰) مبتکر سبک قصه پردازی و پردازش پندگونه از وقایع تاریخی است . او که سنی

۱- ایضاح المکنون : ج ۲ ص ۶۸۵ .

۲- ر . ک : أهل البيت فی المكتبة العربیه : ص ۶۵۵ .

۳- مانند آن که اسب امام حسین علیه السلام به تنهایی ۲۶ سواره و ۹ اسب را کشت (ص ۵۱) و یا جنگ از روز سوم محرم شروع شد و امام در همان روز سوم هزار نفر را کشت (ص ۳۶) و اموری دیگر ، ر . ک : ص ۷ ، ۳۷ ، ۴۱ ، ۴۴ ، ۴۸ و ...

۴- مانند شهید قاضی طباطبایی که آن را در ضعف وجعل مانند مقتل منسوب به ابو مخنف و سراسر قصه می خواند (تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام) و نیز میرزا محمد ارباب در (أربعین حسینیہ : ص ۲۷۲) و فضل علی قزوینی در (الإمام حسین وأصحابه : ج ۱ ص ۱۵۰) .

ص: ۸۸

بودن و یا شیعه بودنش معلوم نیست شیفته اهل بیت علیهم السلام بود و برای جذب عوام، حوادث تاریخی بویژه، حادثه عاشورا را با نثری دلپسند به داستان درآورد و در این میان مطالب معتبر و غیر معتبر و مستند و بدون سند را با هم درآمیخت. سبک جدید، فارسی بودن و انگیزه مؤلف برای خواندن کتاب در مجالس عزا، موجب شد تألیف کاشفی نه یک اثر تاریخی که یک اثر تبلیغی و حتی تخیلی، شمرده شود. متأسفانه عدم توجه به این مطلب و قرائت و استنساخ متکرر آن - تا آنجا که سخنرانان مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام را، «روضه» خوان نامیدند-، زمینه ورود بسیاری از اطلاعات نادرست این کتاب را به فرهنگ عاشورا فراهم ساخت و در موارد متعددی «زبان حال»، «زبان قال» حماسه سرایان کربلا گشت. مصحح و حاشیه نگار کتاب، علامه ابوالحسن شعرانی نیز در مقدمه اش بر کتاب به این موضوع اشاره کرده است: «از نقل ضعیف در روضه الشهداء عجب نباید داشت، چون در ادای مقصود واعظ، قوی است، اگر چه برای مقصود مورخ کافی نیست»^(۱). پیش از شعرانی، نیز، میرزا عبدالله افندی، همکار عالم و کتابشناس علامه مجلسی رحمه الله علیه، اکثر روایات این کتاب و بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیر مشهوره و غیر قابل اعتماد دانسته^(۲)، سید محسن امین نیز این

۱- مقدمه روضه الشهداء: ص ۶.

۲- ریاض العلماء: ج ۲ ص ۱۹۰.

۴ . المنتخب فی جمع المراثی و الخطب

سخن را تأیید نموده است. (۱) محدث نوری برخی گزارش های کتاب را بدون پشتوانه تاریخی خوانده (۲) و شهید مطهری آن را پر از دروغ، و تألیف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین علیه السلام دانسته است. (۳) شهید قاضی طباطبایی نیز مطالب آن را در مقام تعارض با مقاتل معتبر، ساقط و بی ارزش می داند. (۴) نمونه های متعددی از این گونه اخبار غیر قابل باور را می توان در جای جای کتاب دید. (۵)

۴ . المنتخب فی جمع المراثی و الخطب فخرالدین بن محمد علی بن احمد طریحی (م ۱۰۸۵) مؤلف مجمع البحرین ، مجموعه ای از احادیث و مراثی درباره امام حسین علیه السلام و برخی دیگر از امامان را گرد آورد و به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق به سوگواری، آنها را به صورت جنگ سامان داد . المنتخب تاریخ نگاری علمی زندگی یا قیام امام حسین علیه السلام نیست ، اکثر مطالب کتاب بدون ذکر مأخذ و احادیث آن به صورت مرسل آمده و غث و سمین در آن

- ۱- . أعيان الشيعة : ج ۶ ص ۱۲۲ .
- ۲- . لؤلؤ و مرجان : ص ۲۸۷ .
- ۳- . حماسه حسینی : ج ۱ ص ۵۴ .
- ۴- . تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام : ص ۳۶ .
- ۵- . مانند بیست و دو هزار زخم در پیکر امام حسین علیه السلام (ص ۶۰) ، و چسبیدن سر بر تن فرزندان مسلم بن عقیل (ص ۲۴۱) و حضور هاشم مرقال در کربلا (ص ۳۰۱) و قصه زعفر جئی (ص ۳۲۱) و عروسی قاسم (ص ۳۴۶) .

۵. محرق القلوب

به هم در آمیخته است. واز این رو آن را متناسب با هدف و شیوه مؤلف، المجالس الطریحیه و یا المجالس الفخریه نیز نامیده اند. ضعف دیگر کتاب، اختلافات موجود در نسخه های متفاوت آن است که می تواند نشانگر تصرّفات بعدی در آن باشد. (۱) محدّث نوری منتخب طریحی را مشتمل بر مطالب موهون و غیر موهون می داند (۲) و میرزا محمد ارباب قمی، مسامحات فراوان در آن را گوشزد کرده و روایات مختص آن را معتبر ندانسته است. (۳) برخی مطالب ضعیف کتاب قابل تردید و ردّ هستند که خوانندگان را به صفحات ذیل ارجاع می دهیم. (۴)

۵. محرق القلوب محرق القلوب، نوشته ملا مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ ق) است. او با اقتباس از روضه الشهداء، به عرضه مطالبی دست یازید که به گونه ای شورانگیز، عواطف و احساسات مردم را به سوی واقعه کربلا- سوق دهد، اما چون مأخذ نراقی، روضه الشهداء، کتابی ضعیف و مخلوط از مطالب درست و نادرست بود، نوشته او نیز بر اخبار ضعیف

۱- ر. ک: سخن شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه: ج ۲۲ ص ۴۲۰.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۸۷.

۳- اربعین حسینه: ص ۶۴.

۴- مانند کشته شدن بیش از ده هزار سوار کار در عاشورا (ص ۴۵۰) و مخلوط کردن سه جریان شهادت حضرت عباس و آب آوردن برای طفل ابا عبد الله و شهادت حضرت علی اکبر (ص ۴۳) و ...

۶. اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات «اسرار الشهاده»

و غیر معتبر مشتمل گشت. نراقی خود به ضعیف بودن برخی گزارش های کتابش تصریح کرده (۱) و از این رو مورد انتقاد برخی از عالمان پس از خود قرار گرفته است. میرزا محمد تنکابنی برخی از اخبار آن را مظنون یا مقطوع الکذب دانسته (۲) و محدث نوری با ابراز شگفتی از تألیف چنین کتابی از چنان عالم بزرگی، برخی مطالب آن را منکر نامیده است. (۳) شهید مطهری نیز نراقی را فقیه بزرگی خوانده ولی او را در تاریخ عاشورا، صاحب اطلاع نمی داند و برخی مطالب او را نقد کرده است. (۴) گفتنی است انتساب کتاب به نراقی، مشهور و تردیدی در آن نرفته (۵)، اما محتمل است که آن را در اوایل سنّ تحصیل و پیش از رسیدن به مراتب کمال علمی، نوشته باشد.

۶. اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات «اسرار الشهاده» آغا بن عابد دربندی شیروانی مشهور به فاضل دربندی (م ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶) از نویسندگان است که افزون بر رشته تخصصی خود، فقه، در دیگر رشته ها، مانند تاریخ عاشورا نیز کتاب نوشت. او با جمع

۱- مقدمه محرق القلوب، به نقل از: عاشورا پژوهی: ص ۴۰۶.

۲- قصص العلماء: ص ۱۳۳

۳- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۴۵.

۴- ر. ک: حماسه حسینی: ج ۱ ص ۲۸.

۵- ر. ک: الذریعه: ج ۴ ص ۴۶۱ و ج ۲۰ ص ۱۴۹ و ج ۲۱ ص ۳۵۹ و ایضاح المکنون: ج ۲ ص ۴۴۳ و هدیه العارفین: ج ۲ ص ۳۵۲.

اخبار قوی و ضعیف و به قصد حل اختلاف و تحلیل آنها یکی از بزرگ‌ترین نگاه‌ها را درباره واقعه عاشورا سامان داد . او شیفته امام حسین علیه السلام بود و انگیزه زیبایی در نگارش این کتاب داشت ، اما به دلیل استفاده از منابع ضعیف در کنار منابع اصلی و نقل برخی گزارش‌های بدون سند نتوانست مقتل معتبری ارائه دهد . او همچنین مبنای نادرستی برگزید و براساس آن از کتاب‌هایی که مشتمل بر اخبار مظنون الکذب بودند نیز نقل کرد . مبنای او این بود که نشانه‌های کذب هر چند به درجه ظنّ برسد ، مانع نقل نیست و نقل چنین اخباری در بیان سیره و تاریخ ، بی‌اشکال است . محدث نوری یکی از منابع ضعیف دربندی را نسخه بدون سروه ، مجهول و پر از دروغی می‌داند که سید عرب روضه خوانی برای کسب تأیید نزد عالمان نجف آورده و سپس به دست دربندی می‌رسد . نسخه‌ای که به گفته محدث نوری ، از کثرت اشتغال بر اکاذیب واضح و اخبار واهی احتمال نمی‌رود که از مؤلفات عالمی باشد . (۱) سخن محدث نوری را بسیاری از عالمان دیگر تأیید کرده‌اند و بسیاری از نقل‌های نادرست و غیر قابل باور کتاب را به عنوان گواه ارائه کرده‌اند . از این میان می‌توان به میرزا محمد تنکابنی (۲) ، شاگرد

۱- لؤلؤ و مرجان : ص ۲۵۱ .

۲- «اخبار غیر معتبره در این کتاب (أسرار الشهادت) بسیار و ضعیف بلکه اخباری که مظنون ، کذب آنها است بلکه گویا بعضی از آنها قطعی الکذب باشند و این مایه کسر قدر آن کتاب گردید» (قصص العلماء : ص ۱۰۸) .

فاضل دربندی ، محدث نوری (۱) ، شیخ ذبیح الله محلاتی (۲) ، سید محسن امین (۳) ، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (۴) ، شیخ آقا بزرگ تهرانی (۵) و استاد علامه شهید مرتضی مطهری (۶) ، اشاره نمود . گفتنی است بسیاری از تحلیل های نویسنده کتاب برای قابل

۱- «کار به آنجا رسید که [مخالفان] در کتب خود نوشته اند که : شیعه بیت کذب است . و اگر کسی منکر شود ، کافی است ایشان را برای اثبات این دعوی ، آوردن کتاب اسرار الشهاده را به میدان» (لؤلؤ و مرجان : ص ۲۸۹) .

۲- «فاضل دربندی در اسرار الشهاده خیر طولانی راجع به عطش سکینه و آب آوردن بریر و پاره شدن مشک و ریختن آب نقل کرده است . حقیر چون به کلی اعتماد بر آن کتاب ندارم ، فلذا عنان قلم از نقل آن باز کشیدم .» (ریاحین الشریعه : ج ۳ ص ۲۷۲) .

۳- و بالجمله قد أكثر فی مؤلفاته النقلیه من الأخبار الواهیة ، بل آورد ما لا تقبله العقول ولم تصدقه النقول» (أعیان الشیعه : ج ۲ ص ۸۸) .

۴- به حکم انصاف، این کتاب او بلکه دیگر تألیفاتی که در موضوع مقتل نگارش داده همانا در اثر آن همه محبت مفرط که داشته است حاوی غث و سمین بوده [است] .» (ریحانه الأدب : ج ۲ ص ۲۱۷) .

۵- «من شدّه خلوصه و صفاء نفسه نقل فی هذا الكتاب أموراً لا توجد فی الكتب المعتمره ، وإنما أخذها عن بعض المجامیع المجهوله اتکالاً علی قاعده التسامح فی أدله السنن» (الذریعه : ج ۲ ص ۲۷۹) .

۶- «در شصت ، هفتاد سال پیش مرحوم ملا آقای دربندی پیدا شد ؛ تمام حرفهای روضه الشهداء را به اضافه چیزهای دیگری پیدا کرد و همه را یک جا جمع کرد و کتابی نوشت به نام اسرار الشهاده . واقعاً مطالب این کتاب انسان را وادار می کند که به اسلام بگرید» (حماسه حسینی : ج ۱ ص ۵۵ و ص ۱۰۶) .

۷. ناسخ التواریخ

پذیرش کردن گزارش‌هایی است که به سادگی قابل قبول نیستند. (۱)

۷. ناسخ التواریخ میرزا محمدتقی سپهر، مشهور به لسان‌الملک (م ۱۲۹۷ ق) از شاعران و منشیان دربار قاجار است. او در کنار کار دیوانی، مأمور شد تا کتابی را درباره تاریخ جهان از آدم علیه السلام تا آن زمان، بنگارد. (۲) کتابی که همه آنچه را گفته‌اند و امکان وقوع دارد و محال نیست، در خود جای دهد هر چند دور از ذهن باشد. او این تفصیل را در بخش مربوط به امام حسین علیه السلام حفظ کرده و از این رو «هر قصه را که در کتب معارف مورّخین و محدّثین» (۳) دیده، آورده است. او هر چند، گاه به گاه به نقد پاره‌ای منقولات دست می‌یازد، اما خود نیز اشتباهات تاریخی دارد و مطالب ضعیف به کتابش راه یافته است و از این رو با وجود استفاده اهل منبر و مرثیه از آن، نمی‌توان متفردات آن را معتبر دانست. شهید قاضی طباطبایی اشتباهات آن را فراوان دانسته و محتویات بدون مدرک آن را قابل اعتماد ندانسته است. (۴) شهید مطهری نیز هر چند

- ۱- گزارش‌های غیر قابل باور مانند کشته شدن بیست و پنج هزار نفر به دست حضرت عباس و ۳۳۰ هزار نفر به دست امام حسین علیه السلام و یا قصه پردازی درباره چگونگی بیرون آمدن امام حسین علیه السلام از مدینه که به زی‌پادشاهان شبیه کرده است و یا ارائه رقم ۰۰۰/۶۰۰/۱ نفری برای سپاه عمر سعد، (ص ۳۴۵).
- ۲- لغت نامه دهخدا: مدخل سپهر کاشانی.
- ۳- ناسخ التواریخ: ج ۱ ص ۳۷۸.
- ۴- تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام: ص ۹۷ و ص ۱۲.

۸. عنوان الکلام

مؤلف را متدین خوانده، اما تاریخش را چندان معتبر ندانسته و برخی از اشتباهات تاریخی او را گوشزد کرده است. (۱)

۸. عنوان الکلام ملا محمد باقر فشارکی (م ۱۳۱۴) از فقیهان قرن سیزدهم و چهاردهم اصفهان است. رشته اصلی او فقه اما صاحب منبر و عظمی و خطابه نیز بوده است. او بدون آن که قصد بیان تاریخ عاشورا را داشته باشد در پایان سخنرانی هایش چند جمله ای ذکر مصیبت می کرد. او سپس بخشی از این سخنرانی ها را که در شرح دعاها هر روز ماه مبارک رمضان بود به نگارش در آورد و سپس دو عشریه که نوشته های ویژه مصائب امام حسین علیه السلام و در قالب مجالس دهگانه بود به آن افزود. فشارکی در مقام تاریخ نویسی نیست و قصدش ذکر مصیبت و گریاندن مردم است، از این رو در بسیاری از موارد سندی برای گفته های خود ارائه نمی دهد و حتی گاه با وجود تصریح به نبودن برخی مطالب در کتب معتبر و مشهور (۲)، تنها به گمان و احتمال، آن را نقل می کند.

-
- ۱- فلسفه تاریخ: ص ۱۴، حماسه حسینی: ج ۲ ص ۱۰۷. استاد مطهری این نکته را بر مؤلف ناسخ التواریخ خرده می گیرد که نوشته: اسب امام حسین علیه السلام چهل تن را با لگد و دندان کشت و سپس به خیمه امام حسین علیه السلام بازگشت و چندان سر خود را به زمین کوبید که جان از تنش بیرون شد.
- ۲- ر. ک: عنوان الکلام: ص ۲۹۴.

ص: ۹۶

۹ . تذکره الشهداء

کتاب عنوان الکلام مرجع و مستند کتاب های پژوهشی و تاریخی واقع نشده ، اما به دلیل ذکر برخی مواعظ حدیثی و داستانی گاه مورد استناد اهل منبر قرار می گیرد . تأخر زمانی مؤلف ، نقص ارجاع علمی به کتب و منابع و گزارش های منفرد و بدون شاهد (۱) کتاب را می توان دلیل عدم استفاده علمی از آن دانست . (۲)

۹ . تذکره الشهداء ملا حبیب شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ ق) از عالمان و فقیهان پر نویس قرن چهاردهم است . او نزدیک به ۲۰۰ نوشته دارد که از جمله آنها ، تذکره الشهداء است . کار اصلی شریف کاشانی فقه و علوم وابسته به آن بوده ، اما به دلیل شیفتگی به امام حسین علیه السلام تاریخ مفصلی در شرح حال شهیدان عاشورا نگاشت . شریف کاشی در این کتاب از همه گونه منابع قوی و ضعیف ، نقل کرد و از این رو با وجود ردّ برخی اخبار از سوی مؤلف ، تعدادی از روایت های ضعیف در کتاب باقی مانده است . این اخبار پشتوانه تاریخی ندارند و قرائن دیگری در کنار آنها وجود ندارد و از این رو همه گزارش های کتاب قابل اعتماد

۱- . برای آگاهی از متفردات بدون پشتوانه تاریخی کتاب ، ر . ک : ص ۸۱ و ۲۶۸ : مرثیه مادر علی اصغر برای طفل شیرخوارش ، ص ۲۶۵ و ۳۲۶ : بیرون کشیدن پیکر علی اصغر از قبر و جدا کردن سر او از بدن و مطالب دیگر در صفحات : ۱۹۴ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۳۲۰ و ...

۲- . ر . ک : الذریعه : ج ۱۵ ص ۲۶۸ ، شماره ۱۷۴۰ و ص ۳۵۳ ، شماره ۲۲۶۷ ، معجم المؤلفین : ج ۹ ص ۹۱ ، اعیان الشیعه : ج ۹ ص ۳۳۲ .

۱۰ . معالی السبطين

نیست . نمونه های گزارش های متفرد و تأیید نشده این کتاب را می توان در صفحات متعددی مشاهده کرد . گفتنی است برخی از این اخبار محال و یا خارق العاده نیستند ، اما سند و منبع قابل اتکایی ندارند .(۱)

۱۰ . معالی السبطين محمد مهدی حائری مازندرانی از نویسندگان قرن چهاردهم (م ۱۳۸۵) دو کتاب دیگر نیز درباره اهل بیت علیهم السلام دارد که یکی با نام «شجره طوبی» و دیگری «الکوکب الدرّی فی احوال النبیّ والبتول والوصی» است . مرحوم حائری مازندرانی در کتاب «معالی السبطين» اندکی به شرح حال امام حسن و بقیه کتاب را به امام حسین علیه السلام پرداخته است . او مطالب کتاب را با داستان و شعر درهم آمیخته و آن ها را به شکل مطالب مناسب مجالس سوگواری عرضه کرده است . او مطالب تاریخی ، حدیثی و گوناگون را نقل می کند تا زمینه مناسبی برای گزارش مقتل و وقایع عاشورا ، فراهم آورد و در این میان از نقل مطالب ضعیف و استفاده از کتب و منابع غیر قابل اعتماد - مانند روضه

۱- ر . ک : ص ۲۱۸ و ۲۲۲ : مسموم بودن و سه شعبه داشتن تیر اصابت کرده به گلوی حضرت علی اصغر ، ص ۲۷۰ : حرکت نکردن اسب برای رسیدن به قتلگاه عباس ، ص ۲۹۶ تا ۲۹۹ : شروع جنگ از روز سوم محرم ، ص ۳۲۵ و ۴۴۳ : سوغات و یادگاری آوردن برای دختر امام حسین علیه السلام و امّ البنین ، ص ۳۶۵ : آمدن صدا از حلقوم بریده و نیز ص ۲۴ ، ۱۵۶ ، ۴۱۱ و

ص: ۹۸

الشهداء ، اسرار الشهادات ، منتخب طریحی و ... - خودداری نمی کند . شهید قاضی طباطبایی که با مؤلف آشنایی و مکاتبه داشته نیز نقلیات کتاب را چندان قابل اعتماد نمی داند و آن را آمیخته از صحیح و ضعیف خوانده و از این رو ناظر کتاب را به دقت در آن فرا می خواند . (۱) نمونه هایی از اخبار ضعیف و حتی متفرد کتاب را می توان در این صفحات دید . (۲)

۱- . تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام : ص ۲۰۶ .

۲- . مانند این که امام حسین علیه السلام وقتی دید علی اکبر به میدان می رود سه بار مُشرف به مرگ شد! (ج ۱ ص ۲۵۴) یا عمه ها و خوهران علی اکبر از رفتن وی به میدان ممانعت کردند! (ج ۱ ص ۲۵۴) یا حضرت زینب قبل از آمدن امام خودش را روی جنازه علی اکبر انداخت چون می دانست اگر او فرزندش را کشته ببیند روح از بدنش مفارقت می کند (ج ۱ ص ۲۵۴) یا خروج لیلی از خیمه با سر برهنه پس از شهادت علی اکبر (ج ۱ ص ۲۵۵) .

۳ . منابع معاصر

(۳) منابع معاصر منابع پس از قرن ۹ و ۱۰ آن اندازه متعددند که نمی توان به همه آنها پرداخت . اما به گونه ی کلی می توان گفت اعتبار این کتب ، تابع اعتبار منابع مورد استفاده آنها است . به سخن دیگر ، هر اندازه گزارش کتب متأخر و معاصر متکی به کتاب های کهن تر و معتبرتر باشد و در نقل خود دقت کرده و رعایت امانت بیشتری کرده باشد ، قابل اعتمادتر خواهد بود . نمی توان کتابی مانند «الکبریة الاحمر» را با وجود عالم بودن نویسنده آن ، محمدباقر بیرجندی (۱۲۷۶ - ۱۳۵۲ ق) که کتاب خود را با تتبع فراوان گردآورده معتبر و یا غیر معتبر دانست ؛ زیرا برخی منابع آن ، قابل اعتماد و برخی ضعیف هستند و هر چند مؤلف گاه به نقد برخی گزارش ها پرداخته ، اما نقل بدون داوری مطالب از کتابهای ضعیف نیز در آن کم نیست . گفتنی است بر همین اساس اعتبار بحار الأنوار ، نفس المهموم و منتهی الآمال بیشتر است ؛ زیرا اکثر گزارش های آنها قابل قبول و مستند به کتب کهن و معتبر هستند ، به ویژه آن که محدث قمی رحمه الله علیه با عنایت به منابع غیر قابل استناد در پاره ای

ص: ۱۰۰

از موارد به ارزیابی روایات نیز پرداخته و لذا استفاده از آنها بلا مانع است ، مشروط به این که مطالبی که در این کتابها از اهل بیت علیهم السلام نقل شده به منبع گزارش نسبت داده شود ، نه به اهل بیت علیهم السلام . نتیجه این سخن آن است که تنها به دلیل وجود یک گزارش تاریخی در کتاب های معاصر ، هر چند مشهور و مورد توجه ، نمی توان آن را یک سند قابل اتکای تاریخی دانست و به استناد آن ، مطلبی را به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد ، بلکه باید منبع آن نیز معلوم و سنجیده گردد .

فصل ششم : تملیلی در باره متفردات منابع متأخر

دلایل بهره نبردن از منابع متأخر

اشاره

فصل ششم : تملیلی در باره متفردات منابع متأخر مطالعه تفصیلی گزارش های مربوط به واقعه عاشورا ، که در منابع کهن آمده (۱) ، این پرسش را برای پژوهشگر پدید می آورد که : چرا شماری از مطالب مشهوری که در منابع متأخر آمده اند و بسیاری از مرثیه سرایان در تبیین واقعه عاشورا مطرح می کنند ، در این منابع نیست ؟ آیا متفردات منابع متأخر (۲) ، معتبر نیستند و اصولاً این گزارش ها اساسی ندارند؟ و یا دلیل دیگری در این باره وجود دارد؟

دلایل بهره نبردن از منابع متأخر در فصول گذشته نکاتی در این باره بیان شد ؛ ولی با توجه به اهمیت موضوع و برای روشن تر شدن پاسخ پرسش های یاد شده ، در این جا نیز به دلایل عدم استفاده ما از منابع متأخر و نیامدن شماری از گزارش های مشهور واقعه عاشورا در دانش نامه امام حسین علیه السلام و در این فرهنگ نامه ، می پردازیم :

۱- ر.ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : ج ۳ - ج ۸ .

۲- گزارش هایی که تنها در منابع متأخر آمده اند و در منابع کهن ، اثری از آنها نیست .

ص: ۱۰۲

۱. ارائه مستند واقعه عاشورا**۲. عدم نیاز به گزارش مُتَفَرِّدات منابع متأخر**

۱. ارائه مستند واقعه عاشورانیخستین دلیل بهره نگرفتن از منابع متأخر در دانش نامه امام حسین علیه السلام، ارائه تاریخ معتبر و مستند زندگی آن امام همام و بویژه واقعه عاشوراست. از این رو، روش ما در نگارش این دانش نامه، بهره گیری از کهن ترین منابع قرن اول تا هفتم و بعضاً تا قرن نهم هجری بوده است. بر این اساس، گزارش هایی که در مصادر بعدی آمده اند و ریشه در منابع اصلی و کهن ندارند، مورد استناد ما قرار نگرفته اند. البته این سخن، بدان معنا نیست که هر چه در منابع کهن وجود دارد، معتبر است؛ بلکه مقصود، این است که مطالب منابع جدیدی که ریشه در مصادر اصلی ندارند، اساساً قابل استناد نیستند، و گرنه، اعتبار مطالب منابع کهن و قابل استناد نیز منوط به ارزیابی های لازم است، چنان که ما در دانش نامه امام حسین علیه السلام، موارد قابل توجهی از مطالب این منابع را مورد نقد قرار داده ایم.

۲. عدم نیاز به گزارش مُتَفَرِّدات منابع متأخرچنان که پیش از این اشاره کردیم تاریخ عاشورا، بیش از هر موضوع دیگری، دارای منابع معتبر و قابل استناد است و اصولاً نیازی به گزارش های منابع غیر قابل استناد، نیست. (۱)

ص: ۱۰۳

۳. تمایز روشن گزارش های منابع کهن و منابع جدید

یک نکته

۳. تمایز روشن گزارش های منابع کهن و منابع جدید این نکته، تنبّه آفرین است که گزارش منابع کهن تا قرن نهم در باره واقعه عاشورا، تفاوت و تمایز روشنی با گزارش کتاب های سده های پس از آن دارد، از جمله این که: الف - در منابع سده های اخیر، صدها بلکه هزارها گزارش نو دیده می شوند که در منابع کهن، اثری از آنها نیست. ب - شیوه ای که مصادر ضعیف سده های اخیر برای گزارش واقعه عاشورا انتخاب کرده اند، شیوه داستان سرایی به جای نقل مستند تاریخی است. از این رو، گزارش های کوتاه اصلی، در این گونه کتاب ها، به داستان هایی بلند با جزئیات فراوان، تبدیل شده اند. ج - بسیاری از منابع یاد شده، برای تحریک عواطف مردم، حتی تا مرز نادیده گرفتن عزّت و کرامت خاندان رسالت، پیش رفته اند.

یک نکته ممکن است در دفاع از گزارش های منابع سده های اخیر، گفته شود: نبودن این گزارش ها در منابع اصلی فعلی، دلیل عدم استناد آنها نیست؛ زیرا ممکن است تهیّه کنندگان آنها به منابعی دسترسی داشته اند که نزد آنها معتبر بوده؛ اما به دست ما نرسیده است. پاسخ این سخن، این است که: اولاً، هیچ یک از نویسندگان

اقسام گزارش منابع متأخر

کتاب های ضعیف مشهور، ادعا نکرده اند که به نسخه ای معتبر دسترسی داشته اند که دیگران از آن بی بهره بوده اند و معمولاً گزارش های آنان، مستند نیست، و گاه گزارش های خود را مستند به کتاب هایی نظیر خود کرده اند (که بعضاً همین استنادها هم نادرست است (۱)). ثانیاً، این گونه کتاب ها در پاره ای از موارد، گزارش های خود را به منابع معتبر، مستند می کنند؛ اما با مراجعه به منابع یاد شده، مشخص می شود که استناد آنها اشتباه است. (۲).

اقسام گزارش منابع متأخر گزارش های منابع متأخر را به سه دسته می توان تقسیم کرد: دسته اول، گزارش هایی که خلاف واقع بودن آنها، روشن و قطعی است؛ مانند: شماری از مطالب کتاب های روضه الشهداء؛ اسرار الشهاده

- ۱- مانند ماجرای ترک صحنه کربلا توسط برخی اصحاب در شب عاشورا که الدمعه الساکبه (ج ۴ ص ۲۷۱) از کتاب نور العین نقل می کند؛ ولی در این کتاب، یافت نشد و مانند به احتضار افتادن امام علیه السلام هنگام میدان رفتن علی اکبر که معالی السبطين (ج ۱ ص ۲۵۴) از شیخ جعفر شوشتري نقل می کند که در کتاب های وی یافت نشد و مانند سه شعبه بودن تیری که بر علی اصغر وارد شد که تذکره الشهداء (ص ۲۱۸) از مقتل منسوب به ابو مخنف نقل می کند که در آن پیدا نشد.
- ۲- مانند ماجرای هلال بن نافع در شب عاشورا، که کتاب الدمعه الساکبه (ج ۴ ص ۲۷۲) به شیخ مفید رحمه الله علیه نسبت می دهد؛ ولی در هیچ یک از کتاب های مفید و غیر او از قدما، چنین مطلبی نیامده است یا مانند ماجرای نماز شب خواندن زینب علیها السلام در شب یازدهم به صورت ایستاده، که وفیات الأئمه (ص ۴۴۰) از کتاب مثير الأحزان نقل می کند، ولی در آن جا وجود ندارد.

ص: ۱۰۵

و المنتخب، طریحی و سایر منابع متأخر ضعیفی که در مبحث «آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری»، مورد اشاره قرار گرفت و ریشه یابی گردید. دسته دوم، گزارش هایی که متن آنها ایرادی ندارد؛ ولی نه تنها دلیلی بر صحت آنها ارائه نشده، بلکه به دلیل آن که در منابع اصلی دیده نمی شوند و در کنار مطالبی قرار دارند که دروغ بودن آنها واضح است، واقعیت داشتن آنها، جداً مورد تردید است. دسته سوم، گزارش هایی که در منابع اصلی تاریخی و حدیثی نیز وجود دارند. به نظر ما، تنها دسته سوم از گزارش های منابع متأخر، قابل نقل و استنادند، و اگر کسانی این نظریه را نمی پذیرند و به دلیل هیجان انگیز بودن متفردات منابع ضعیف و برای گرم کردن مجالس، نمی توانند از نقل آنها صرف نظر کنند، بهره گیری از این دانش نامه، حدّ اقل این فایده را برای آنها خواهد داشت که بتوانند مطالب دستِ اوّل را که در منابع کهن آمده، از گزارش هایی که در منابع اصلی وجود ندارند، تفکیک کنند تا بویژه در نسبت دادن سخنی به اهل بیت علیهم السلام برای امری مستحب، مرتکب حرامِ مسلّم و نهیِ قطعی (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ) (۱) نگردند.

۱- (از چیزی که نمی دانی، پیروی نکن) (اسرا: آیه ۳۶).

نمونه هایی از متفردات منابع متأخر

۱. فتوای شریح قاضی در باره امام حسین علیه السلام

۲. نوازش دختر مسلم

نمونه هایی از متفردات منابع متأخر اکنون برای نمونه ، به شماری از گزارش هایی که در منابع متأخر آمده یا در زبان مرثیه سرایان شهرت یافته اند ، اما در منابع اصلی دیده نمی شوند ، به طور اجمال ، اشاره می کنیم :

۱. فتوای شریح قاضی در باره امام حسین علیه السلام در منابع اصلی، نقش شریح قاضی در ماجرای دستگیری و شهادت هانی بن عروه بیان شده است؛ (۱) امّا آنچه شهرت یافته که وی ، فتوای قتل امام حسین علیه السلام را صادر کرده ، تنها در منابع متأخر (مانند : تذکره الشهداء (۲) که در قرن چهاردهم نگارش یافته) دیده می شود .

۲. نوازش دختر مسلم در کتاب المنتخب، طریحی ، ضمن گزارش رسیدن خبر شهادت مسلم علیه السلام به امام حسین علیه السلام در راه کوفه ، آمده است : مسلم ، دختری یازده ساله داشت که همراه حسین علیه السلام بود . حسین علیه السلام زمانی که از مجلس برخاست ، به سمت خیمه آمد ، آن دخترک را نوازش کرد و به خود ، نزدیک نمود و چون همان گونه که با یتیمان رفتار می کنند ، به سر و پیشانی او دست کشید ، به دخترک ، احساس

۱- ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام : بخش هفتم / فصل چهارم / گرفتار شدن هانی و ماجرای او .

۲- تذکره الشهداء : ص ۲۷۹ .

ص: ۱۰۷

۳ . دستور خاموشی در شب عاشورا

ناخوشی دست داد . پس گفت : عمو جان ! قبلاً ندیده بودم که با من ، چنین کنی . گمان می کنم که پدرم بهشهادت رسیده است ! پس حسین علیه السلام نتوانست خود را نگاه دارد ، گریست و فرمود : « دخترم ! من ، پدر تو آم و دخترانم ، خواهران تو آند ... » . (۱) . ظاهراً منبع اصلی این گزارش ، کتاب روضه الشهداء (۲) است که صاحب کتاب المنتخب ، آن متن را تعریب کرده است ؛ ولی این گزارش ، در منابع کهن و قابل استناد ، نیامده است .

۳ . دستور خاموشی در شب عاشورامشهور است که در شب عاشورا ، امام حسین علیه السلام دستور داد که چراغ ها را خاموش کنند تا هر کس که می خواهد ، برود . پس چراغ ها را خاموش کردند و همراهان امام علیه السلام شروع به رفتن کردند . ظاهراً اصل این ماجرا ، برگرفته از کتاب ضعیف الدمعه الساکبه است که مطلبی را از کتابی ضعیف تر از خود ، یعنی کتاب نور العین ، نقل می کند (۳) و این گزارش را به سکینه علیها السلام نسبت می دهد که گفته است : من در شبی مهتابی ، در وسط چادر نشسته بودم که از پشت آن ، صدای گریه و شیون شنیدم . دامن کشان ، از خیمه بیرون رفتم و ناگهان ، پدرم را دیدم که نشسته و یارانش دورش هستند . پدرم می گریست و شنیدم که می گفت : « بدانید که با من بیرون آمدید ، چون می دانستید که من به سوی مردمی می روم که با من از دل و زبان ، بیعت کرده اند ؛ اما اوضاع ، کاملاً دگرگون شد ؛ چون شیطان بر آنها چیره گشت و خدا را از یادشان برد ، و اکنون ، جز کشتن من و کشتن هر که در راه من تلاش می کند ، و نیز اسارت خانواده ام پس از غارتشان ، هدفی ندارند . من نگرانم که شما نسبت به آنچه می دانید ، خجالت بکشید . نیرنگ زدن ، در نزد ما اهل بیت ، حرام است . پس هر یک از شما که دوست ندارد بماند ، برود . شب ، تاریک است و راه ، باز و زمان ، به هنگام . و هر کس به ما کمک کند ، همراه ما در بهشت خواهد بود و از خشم خدای مهربان ، در امان . جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « پسر حسین ، در سرزمین کربلا ، تنها و بی کس و تشنه و غریب ، کشته می شود . هر که به او کمک کند ، به من کمک کرده است و نیز به فرزند او قائم - که خداوند در فرج او تعجیل نماید - کمک کرده است . هر کس با زبانش به ما کمک کند ، در قیامت با حزب ما خواهد بود » . به خدا سوگند ، هنوز سخن پدرم به پایان نرسیده بود که جمعیت ، ده تا و بیست تا ، پراکنده شدند و با او جز ۷۱ نفر ماند . به پدرم نگاه انداختم که سرش به زیر بود . اشک گلوگیرم شد ... (۴) .

- ۱- . المنتخب ، طریحی : ص ۳۶۴ . گفتنی است که مسلم بن عقیل ، هم پسر عموی امام حسین علیه السلام است و هم شوهر خواهر ایشان ، بدین ترتیب ، ایشان ، دایی فرزندان مسلم و به دختر مسلم ، محرم است .
- ۲- . روضه الشهداء : ص ۲۵۲ .
- ۳- . گفتنی است که این مطلب را در کتاب نور العین نیافتیم .
- ۴- . الدمعه الساکبه : ج ۴ ص ۲۷۱ .

ص: ۱۰۸

گفتنی است که دستور خاموش کردن چراغ‌ها توسط امام علیه السلام، حتی در مقتل‌های ضعیف هم دیده نشده است، چنان‌که هیچ منبع معتبری، گزارش نکرده که شب عاشورا، کسی از یاران امام علیه السلام، از ایشان جدا شده باشد؛ بلکه به عکس، در مقابل پیشنهاد امام علیه السلام مبنی بر ترک کربلا، همگی ضمن حقیر شمردن مرگ، دلیرانه سرود مقاومت سر دادند و با سخنانی شورانگیز در ابراز جانبازی در راه خدا، حماسه‌ای جاوید آفریدند.^(۱)

۱- ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: بخش هشتم / فصل یکم: پاسخ خانواده و یاران امام.

۴ . داستان هلال و حبیب و آوردن اصحاب به کنار خیمه اهل بیت

۴ . داستان هلال و حبیب و آوردن اصحاب به کنار خیمه اهل بیت کتاب الدمعه الساکبه ، داستان مفصل و شورانگیزی را گزارش کرده که اجمال آن ، این است که در واقعه عاشورا ، شبی امام حسین علیه السلام از خیمه ها بیرون آمد . هلال بن نافع برای پاسداری از جان امام علیه السلام به دنبال ایشان راه افتاد . امام علیه السلام وقتی متوجه وی شد ، بعد از گفتن مطالبی ، به وی پیشنهاد داد که کربلا را ترک کند و خود را نجات دهد ؛ اما او این پیشنهاد را نپذیرفت . هلال می گوید : سپس امام علیه السلام از من جدا شد و به خیمه خواهرش وارد شد . زینب علیها السلام که از وفاداری یاران امام علیه السلام دچار تردید شده بود ، به ایشان گفت : برادر جان ! انگیزه یارانت را آزموده ای؟ من می ترسم که تو را در هنگام حمله و برخورد نیزه ها ، تسلیم دشمن کنند !

ص: ۱۱۰

در این جا امام علیه السلام به گریه افتاد و فرمود: «هلا! به خدا سوگند، آنها را ارزیابی کرده و آزموده ام. در میان آنان، جز انسان سرافرازِ سرسخت نیست، که اشتیاقشان به مرگ در راه من، همانند اشتیاق کودک به شیر مادر است...». در ادامه، از هلال، نقل شده که با شنیدن این سخنان، به گریه افتاد. پس حبیب بن مظاهر را خبر کرد و حبیب، در همان دل شب، یاران امام علیه السلام را صدا زد و آنها را اطراف خیمه اهل بیت امام علیه السلام، جمع کرد و آنها با سخنان عجیب و شگفت‌انگیزی، حمایت خود را از ایشان اعلام کردند. در این حال، زنان از خیمه‌ها بیرون آمدند و گریه سر دادند و از آنها، تقاضای حمایت کردند. در باره این داستان مفصل - که نگارنده *الدمعه الساکبه*، آن را در بیش از دو صفحه بیان کرده -، باید گفت که هیچ اثری از آن در منابع معتبر، دیده نمی‌شود و احتمالاً، وی نخستین کسی است که این ماجرا را گزارش کرده است. البته وی این گزارش را به شیخ مفید، نسبت داده؛ (۱) ولی این مطلب، در هیچ یک از کتب موجود شیخ مفید و بلکه در هیچ کتاب معتبر دیگری نیز وجود ندارد. ضمناً باید توجه داشت که هلال بن نافع - که این گزارش به او نسبت داده شده -، از یاران امام علیه السلام نیست؛ بلکه از سپاه دشمن است و نام صحابی امام، «نافع بن هلال» بوده است.

۱- .الدمعه الساکبه : ج ۴ ص ۲۷۲ .

فهرست شماری دیگر از متفردات منابع متأخر

فهرست شماری دیگر از متفردات منابع متأخر اگر بخواهیم متفردات منابع متأخر در باره واقعه عاشورا را همانند نمونه های پیش گفته گزارش کنیم، چه بسا لازم باشد که کتابی در این باره تالیف گردد. (۱) از این رو، برای آگاهی پژوهشگران، تنها فهرستوار به شماری دیگر از آنها اشاره می کنیم: - گزارش سخنانی منسوب به امام علیه السلام پس از نماز ظهر عاشورا؛ (۲) - گزارش حضور جابر بن عروه غفاری (از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله) در کربلا و فرمایش امام به او که: شکر الله سعیک یا شیخ؛ خداوند، تلاش تو را پاداش دهد، ای پیرمرد!؛ (۳) - گزارش ملاقات حبیب بن مظاهر با مسلم بن عوسجه در مغازه عطاری در بازار کوفه برای خرید رنگ مو، و چگونگی رسیدن حبیب به کربلا و ابلاغ سلام زینب علیها السلام به وی هنگام ورودش به کربلا، (۴) - گزارش همبازی بودن زهیر بن قین با امام حسین علیه السلام در کودکی، در دوران حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، و این که او در همان زمان، خاک های زیر قدم های امام علیه السلام را بوسیده و مورد ملامت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته

- ۱- بلکه به گفته شهید مطهری: «اگر بخواهیم روضه های دروغی را که می خوانند، جمع آوری کنیم، شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه ای بشود» (حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۸).
- ۲- مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف: ص ۱۰۵، أسرار الشهادات: ج ۲ ص ۲۶۶ (تقریباً با همان الفاظ از مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف).
- ۳- مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف: ص ۱۱۵.
- ۴- أسرار الشهادات: ج ۲ ص ۵۹۱.

ص: ۱۱۲

است؛ (۱) - بسیاری از گزارش های معالی السبطين ، اسرار الشهادات و عنوان الکلام در باره شهادت علی اکبر علیه السلام ، (۲) - گزارش این که امام حسین علیه السلام ، علی اصغر را روی دست گرفت و به سپاه کوفه فرمود : «وی را یک جرعه آب دهید که از غایت تشنگی ، شیر در پستان مادرش نمانده»؛ (۳) - گزارش اختلاف افتادن در لشکر عمر بن سعد در باره آب دادن به علی اصغر و دستور ابن سعد به حرمه برای قطع نزاع؛ (۴) - گزارش سخن حرمه به مختار ، با این مضمون که : «اکنون که مرا می کشی ، بگذار کارهای خود را بگویم تا قلبت را بسوزانم : من ، سه تیر سه شاخه زهرآلود داشتم . یکی را به گلوی علی اصغر زدم ، دومی را به قلب حسین ، و با سومی ، گلوی عبد الله بن حسن را هدف گرفتم»؛ (۵) - گزارش تبسم علی اصغر به امام حسین علیه السلام پس از تیر خوردنش ، (۶) - گزارش آمدن شیر در سینه مادر علی اصغر ، پس از خوردن آب

- ۱- مجالس المواعظ: ص ۵۹ ، المنتخب ، طریحی : ص ۱۹۶ (نام زهیر بن قین در آن نیست) .
- ۲- معالی السبطين : ج ۱ ص ۲۵۴ ، اسرار الشهادات : ج ۲ ص ۵۱۴ ، عنوان الکلام : ص ۲۸۲ .
- ۳- روضه الشهداء : ص ۳۴۲ .
- ۴- مصرع الحسين عليه السلام : ص ۱۸۱ .
- ۵- سوگ نامه آل محمد صلی الله علیه و آله : ص ۵۳۵ (به نقل از: منهاج الدموع : ص ۴۱۱) .
- ۶- محرق القلوب : ص مقابل ص ۱۰۵ .

ص: ۱۱۳

در شب یازدهم محرم، و این که وی پستان های خود را سر دست گرفته و گفته: «نور دیده، علی اصغر! کجایی که پستان های من، پُر از شیر است؟»؛ (۱) - گزارش بیرون آورده شدن قنّداقه علی اصغر از زیر خاک و جدا کردن سر او و به نيزه کردن آن؛ (۲) - گزارش سفارش امیر مؤمنان علیه السلام در شب ۲۱ ماه رمضان به عباس علیه السلام که: «مبادا در روز عاشورا آب بخوری، در حالی برادرت حسین، تشنه است!»؛ (۳) - گزارش توصیه امیر مؤمنان علیه السلام به فرزندان خود در باره امام حسن علیه السلام و سپردن امام حسین علیه السلام به عباس علیه السلام به عنوان امانت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام و خود ایشان؛ (۴) - گزارش سخن حضرت عباس علیه السلام به امام حسین علیه السلام که: «می خواهم یک بار دیگر صورتت را بینم؛ ولی حرمه تیر بر چشمان من زده است»؛ (۵) - گزارش سخن فاطمه کلابی (أُمُّ التَّيْنِ) که وقتی به خانه امیر

۱- عنوان الکلام: ص ۲۶۸ و ۱۲۳ تقریباً با همان الفاظ.

۲- عنوان الکلام: ص ۵۴ و ۲۶۵ و ۳۲۶.

۳- معالی السبطين: ج ۱ ص ۲۷۷.

۴- شعشعه الحسينی: ج ۲ ص ۶۰.

۵- تذکره الشهداء: ص ۲۷۲. ملّا حبیب الله شریف کاشانی، در ادامه کلام خود، این مطلب را این گونه رد می کند: «بسیار ضعیف است و در کتب مشهوره نیست».

مؤمنان علیه السلام رفت، تقاضا کرد که ایشان، او را «فاطمه» خطاب نکند تا فرزندان زهرا علیها السلام به یاد مادرشان نیفتند؛ (۱) - گزارش ماجرای جلوگیری برخی از اهل بیت امام علیه السلام از حرکت اسب ایشان و تقاضای پایین آمدن از اسب و یا بوسیدن زیر گلویش، (۲) و نیز گفتن جمله «مهلاً-مهلاً»، یا ابن الزهراء! . گفتنی است که این جمله، حتی در منابع ضعیف هم یافت نشد. تنها در اسرار الشهادات آمده است که: فأرادَ عليه السلام أن يخرجَ مِنَ الخيمةِ، فَلصقتَ بِهِ زَيْنُبُ عليها السلام فقالت: مهلاً يا أخي! توقَّف حتى أزوِّدَ مِنْ نظري و أودِّعَكَ. (۳) امام علیه السلام تصمیم گرفت که از خیمه بیرون برود، که زینب علیها السلام خود را به او چسباند و گفت: برادر جان! آهسته! درنگ کن تا تو را کاملاً ببینم و با تو خداحافظی کنم. - گزارش سراسیمه آمدن زینب علیها السلام نزد امام زین العابدین علیه السلام در خیمه، پس از شهادت امام حسین علیه السلام و پرسیدن علت دگرگون شدن اوضاع عالم، و سخن امام علیه السلام به وی که: «ای عمه! دامن خیمه را بالا بزن» و نگاه کردن امام علیه السلام به سر بریده پدر و مخاطب قرار دادن زینب علیها السلام که: «ای عمه! مهتای اسیری باشید، که پدرم را شهید

-
- ۱- این مطلب را در هیچ مصدر معتبر یا غیر معتبری نیافتیم و اساساً در منابع معتبر، هیچ گفتگویی از این بانو با امیر مؤمنان علیه السلام یا فرزندان ایشان در هیچ موردی ثبت نشده است.
 - ۲- أنوار المجالس: ص ۹۸، تذکره الشهداء: ص ۳۱۱.
 - ۳- أسرار الشهادات: ج ۳ ص ۵۶.

ص: ۱۱۵

کردند»؛ (۱) - گزارش های مربوط به هجوم به خیمه ها ، مانند: تصریح به کتک خوردن اهل حرم امام علیه السلام (۲) و کشیدن زیرانداز از زیر امام زین العابدین علیه السلام و بر زمین افکندن ایشان، (۳) و زیر دست و پا ماندن برخی از کودکان (۴) و دستور امام زین العابدین علیه السلام به عمّه اش زینب علیها السلام که: «عَلَيْكُمْ بِالْفِرَارِ؛ بر شما باد فرار!» در پاسخ چاره جویی او، (۵) و سرشماری کودکان کاروان در پایان کار و مشخص شدن این که دوتن از آنان در نقطه ای جان داده اند، (۶) - گزارش چگونگی آمدن بنی اسد برای دفن اجساد شهدا و این که امام زین العابدین علیه السلام در باره کمک آنان در دفن پدر بزرگوارش فرمود: «مَعِيَ مَنْ يُعِينُنِي؛ همراه من ، کسی هست که مرا یاری کند» و خطاب به پدرش فرمود: «أَمَّا الدُّنْيَا فَبَعْدَكَ مُظْلَمَةٌ؛ دنیا پس از تو ، تاریک است» و این که روی قبر پدر با انگشت نوشت: «هَذَا قَبْرُ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي قَتَلُوهُ عَطْشَانًا غَرِيبًا؛ این ، قبر حسین بن علی بن ابی طالب است که

۱- تذکره الشهداء: ص ۳۴۷.

۲- المنتخب ، طریحی: ص ۱۸۳ ، عنوان الکلام: ص ۲۱۳.

۳- نور العین: ص ۵۳، مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف: ص ۱۵۴، معالی السبطين: ج ۲ ص ۵۱.

۴- وفيات الأئمة: ص ۱۶۰.

۵- معالی السبطين: ج ۲ ص ۵۲.

۶- معالی السبطين: ج ۲ ص ۵۳.

ص: ۱۱۶

او را تشنه و غریب، گشتند؛ (۱) - گزارش سخن زینب علیها السلام خطاب به جسد برادر: «هل أنت أخی؟ هل أنت ابن أبی؟ آیا تو برادر منی؟ آیا تو پسر پدر (۲) منی؟» (۳) و بوسه زدنش بر حنجر و رگ های بریده برادر (۴) و گفتن «اللهم تقبل منّا هذا قلیل القربان؛ خداوند! این قربانی اندک را از ما بپذیر»؛ (۵) - گزارش های مربوط به شماری از اقدامات سَکینه در کربلا به عنوان کودکی خردسال، (۶) در صورتی که بر پایه گزارش منابع قابل استناد، وی در آن هنگام، ازدواج کرده و همراه شوهرش به کربلا آمده بود؛ (۷) - گزارش مسلم جصاص در باره حضور اهل بیت امام علیه السلام در کوفه، نان و خرما دادن کوفیان به کودکان آنها و جلوگیری امّ کلثوم علیها السلام از این اقدام به دلیل حرمت صدقه بر آنها و نیز این که زینب علیها السلام سرش را به چوب محمل زد و اشعاری خواند که با این بیت، آغاز می شود:

- ۱- .الدمعه الساکبه ج ۵ ص ۱۳ . نیز، ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام: فصل سوم / سخنی درباره کفن و دفن شهدا .
- ۲- . اکنون در افواه ، لفظ «مادر» به جای «پدر» ، مشهور است .
- ۳- . شعشه الحسینی : ج ۲ ص ۱۲۷ .
- ۴- . الخصائص الحسیّیه : ص ۱۸۰ ، تذکره الشهداء : ص ۳۶۳ ، معالی السبّطین : ج ۲ ص ۳۲ .
- ۵- . کبریت احمر : ص ۳۷۶ (به نقل از : الطراز المذهب) ، عنوان الکلام : ص ۵۷ .
- ۶- . أسرار الشهادات : ج ۲ ص ۵۸۱ - ۵۸۳ و ۴۰۲ ، عنوان الکلام : ص ۳۰۲ .
- ۷- . ر . ک : دانش نامه امام حسین علیه السلام: بخش یکم / فصل ششم : فرزندان .

«یا هِلَالاً لِمَا اسْتَمَّ كَمَالاً...؛ ای هلالی که کامل نشده...!»؛ (۱) - گزارش منسوب به امام زین العابدین علیه السلام که در پاسخ این پرسش که: «در طول سفر، کجا به شما سخت تر گذشت؟»، سه بار فرمود:

۱- نور العین: ص ۵۵، المنتخب، طریحی: ص ۴۶۳، مقتل الحسین منسوب به ابی مخنف: ص ۱۵۸ - ۱۶۱. گفتنی است که محدث قمی رحمه الله علیه در باره این خبر می نویسد: «ذکر محامل و هودج در غیر خبر مسلم جصاص نیست و این خبر را گرچه علماء مجلسی نقل نموده است، ولی مأخذ نقل آن، المنتخب، طریحی و کتاب نور العین است که حال هر دو کتاب بر اهل فن حدیث، مخفی نیست و نسبت دادن سر شکستن به جناب زینب علیها السلام و اشعار معروف نیز از آن مخدّره - که عقیده هاشمیین و عالمه غیر معلّمه و رضیعه تَدَیِ نبوت و صاحب مقام رضا و تسلیم است - بعید است» (منتهی الآمال: ص ۴۸۳). افزون بر آنچه محدث قمی رحمه الله علیه بیان نموده، سه نکته دیگر نیز در این باره، قابل توجه است: نکته اول، دادن هدیه و صدقه مستحب به هاشمی توسط غیر هاشمی، اشکالی ندارد. نکته دوم، چگونه می توان باور کرد که زینب علیها السلام در ملأ عام در میان هزاران کوفی، سر خود را به محمل بزند و خون جاری شود و این موضوع، حدود هزار سال، مسکوت بماند و پس از این مدّت طولانی، در برخی از منابع بسیار ضعیف، آن هم از یک نفر، گزارش شود؟! شایان ذکر است که همه کتاب های ضعیفی که این مطلب را از مسلم جصاص نقل کرده اند، به موضوع «زدن سر به چوب محمل» اشاره ندارند. برای نمونه، این مطلب در کتاب نور العین و نسخه چاپی مقتل الحسین علیه السلام منسوب به ابی مخنف، نیامده و تنها در المنتخب، طریحی و یک نسخه خطی از مقتل یاد شده، گزارش شده است. نکته سوم، زینب علیها السلام قطعاً کاری بر خلاف توصیه مؤکد امام حسین علیه السلام انجام نمی دهد؛ زیرا بر اساس آنچه منابع معتبر، گزارش کرده اند، امام علیه السلام به ایشان سفارش فرمود: «یا أُخْتِیْ! إِنِّیْ أُقَسِّمُ عَلَیْکَ فَأُبْرِیْ قَسْمِیْ. لا- تشقی علیّ جیباً و لا تخمشی علیّ وجهاً؛ خواهرم! تو را سوگند می دهم و بدان، عمل کن. بر [مرگ] من، گریبان چاک مده و صورتت مخراش» (ر. ک: دانش نامه امام حسین علیه السلام: بخش هشتم / فصل یکم / حال زینب در شب عاشورا).

ص: ۱۱۸

«امان از شام!»؛ (۱) - گزارش های ریختن آب و آتش و خاکستر بر سر اهل بیت امام حسین علیه السلام و افتادن آتش بر عمامه امام زین العابدین علیه السلام و سوختن سر ایشان در شام؛ (۲) گزارش بستن اهل بیت امام علیه السلام به ریسمانی که یک طرف آن به امام زین العابدین علیه السلام بسته بود و طرف دیگر آن به زینب علیها السلام و ...؛ (۳) - گزارش هایی که حاکی اند قنداقه زینب را هنگامی که در کودکی آرام نمی گرفت، در دامن حسین علیه السلام گذاشتند و آرام شد، (۴) یا این که زینب علیها السلام در کودکی، در آفتاب خوابیده بود و حسین علیه السلام که او را چنین دید، مانع تابش نور آفتاب به او شد ... تا این که ماجرای کربلا پیش آمد و بدن امام علیه السلام در آفتاب ماند...؛ (۵) این گزارش که زینب علیها السلام هنگام ازدواج با عبد الله بن جعفر، شرط ضمن عقد کرد که او را از مسافرت با امام حسین علیه السلام منع نکند، (۶) یا این که امام حسین علیه السلام در وداع آخر به وی فرمود: «مرا در نافله شب،

- ۱- عنوان الکلام: ص ۱۱۸.
- ۲- تذکره الشهداء: ص ۴۱۱.
- ۳- المنتخب، طریحی: ص ۴۷۳.
- ۴- شجره طوبی: ج ۲ ص ۱۵۳.
- ۵- أنوار المجالس: ص ۴۰.
- ۶- وفيات الأئمة عليهم السلام: ص ۴۳۳.

ص: ۱۱۹

فراموش مکن»، (۱) یا این که زینب علیها السلام شب یازدهم یا در برخی منازل راه شام، نماز شبش را نشسته خواند (۲) و هنگامی که به مدینه بازگشت، شوهرش عبد الله بن جعفر، او را نشناخت؛ (۳) و صدها گزارش دیگر، از این قبیل. کوتاه سخن، این که علت عدم اعتماد ما بر متفردات منابع متأخر درباره واقعه عاشورا و تاریخ زندگی امام حسین علیه السلام، معتبر نبودن و قابل استناد نبودن آنهاست، هر چند ممکن است برخی از آنها، در واقع، درست باشند، اما دلیلی یا دست کم، قرینه‌ای بر صحت آنها وجود ندارد. بر این اساس، می‌توان گزارش‌هایی را که اشکال عقلی و نقلی ندارند، با استناد به منابع آنها نقل کرد. البته برای آن که شنونده گم راه نشود، اشاره به ضعف منبع، ضروری است، هر چند با توجه به این که رعایت این نکات، عملاً برای همه میسر نیست، توصیه مؤکد ما، خودداری کامل از نقل گزارش‌های مستند به منابع ضعیف است.

۱- وفیات الأئمه عليهم السلام: ص ۴۴۱.

۲- معالی السبطين: ج ۲ ص ۱۳۳، وفیات الأئمه عليهم السلام: ص ۴۴۱، شجره طوبی: ج ۲ ص ۱۵۳.

۳- در این باره، هنوز هیچ مدرکی، هر چند ضعیف، یافت نشده است.

ص: ۱۲۰

..

فهرست منابع و مآخذ

- فهرست منابع و مآخذ ۱. الأخبار الطوال ، أحمد بن داوود الدينوری (م ۲۸۲ ق) ، تحقيق : عبد المنعم عامر ، قم : منشورات الشريف الرضى ، ۱۴۰۹ ق ، اول . ۲. أربعين حسينية ، محمّد أرباب ، تهران : اسوه ، ۱۳۷۲ . ۳. الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد ، محمّد بن محمّد بن النعمان العكبرى البغدادى (الشيخ المفيد) (م ۴۱۳ ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۴. إرشاد القلوب ، الحسن بن محمّد ديلمى (م ۷۱۱ ق) ، بيروت : مؤسسه الأعلمی ، ۱۳۹۸ ق ، چهارم . ۵. الأصول الستّه عشر ، عدّه من الرواه ، قم : دار الشبستری ، ۱۴۰۵ ق ، دوم . ۶. إعلام الوری بأعلام الهدى ، الفضل بن الحسن الطبرسى (م ۵۴۸ ق) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۱۷ ق ، اول . ۷. أعيان الشيعة ، السيد محسن الأمين الحسينى العاملى الشقرايى (م ۱۳۷۱ ق) ، به كوشش : السيد حسن الأمين ، بيروت : دار التعارف ، ۱۴۰۳ ق ، پنجم . ۸. الإقبال بالأعمال الحسنه فى ما يعمل مرّه فى السنه ، على بن موسى الحلى (السيد ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق) ، تحقيق : جواد القیومى ، قم : مكتب الإعلام الإسلامى ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۹. اكسير العبادات فى أسرار الشهادات = أسرار الشهاده ، آغا بن عابد الشيروانى المعروف بالفاضل الدربندى ، تحقيق : محمّد جمعه بادی و عباس ملاعطيه الجمرى ، قم : دار ذوی القربى ، ۱۴۲۰ ق . ۱۰. الاحتجاج على أهل اللجاج ، أحمد بن على الطبرسى (م ۶۲۰ ق) ، تحقيق : إبراهيم البهادرى ومحمّد هادى به ، تهران : دار الأسوه ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۱۱. الإمام الحسين عليه السلام وأصحابه ، فضل على القزوينى ، تحقيق : السيد أحمد الحسينى ، قم : محمود شريعت المهدوى ، ۱۴۱۵ ق . ۱۲. الإمامه والسياسه (المعروف بتاريخ الخلفاء) ، عبد الله بن مسلم الدينورى (ابن قتيبه) (م ۲۷۶ ق) ، تحقيق : على شيرى ، قم : مكتبه الشريف الرضى ، ۱۴۱۳ ق ، اول . ۱۳. الأمالى ، محمّد بن الحسن الطوسى (م ۴۶۰ ق) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : دار الثقافه ، ۱۴۱۴ ق ، اول . ۱۴. الأمالى ، محمّد بن على ابن بابويه القمى (الشيخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق) ، تحقيق : مؤسسه البعثه ، قم : مؤسسه البعثه ، ۱۴۰۷ ق ، اول . ۱۵. أنساب الأشراف ، أحمد بن يحيى البلاذرى (م ۲۷۹ ق) ، تحقيق : سهيل زكّار و رياض زرکلى ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۷ ق ، اول . ۱۶. اهل بيت در قرآن و حديث ، محمّد محمّدی رى شهرى ، ترجمه : حميدرضا شىخى و حميدرضا آژير ، قم : دارالحديث ، ۱۳۷۹ ش ، اول . ۱۷. أهل البيت فى المكتبه العربيه ، السيد عبد العزيز الطباطبایى (ت ۱۳۰۸ - ۱۳۷۴) ، قم : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، ۱۴۱۷ ق . ۱۸. إيضاح المکنون فى الذيل على كشف الظنون ، اسماعيل پاشا البغدادى (۱۸۳۹ - ۱۹۲۰ م) ، بيروت : دارالکتب العلميه ، ۱۴۱۳ ق . ۱۹. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار عليهم السلام ، محمّد باقر بن محمّد تقى المجلسى (العلّامه المجلسى) (م ۱۱۱۱ ق) ، بيروت : مؤسسه الوفاء ، ۱۴۰۳ ق ، دوم . ۲۰. البدايه والنهايه ، إسماعيل بن عمر الدمشقى (ابن كثير) (م ۷۷۴ ق) ، تحقيق : مكتبه المعارف ، بيروت : مكتبه المعارف . ۲۱. بشاره المصطفى لشيعة المرتضى ، محمّد بن محمّد الطبرى (م ۵۲۵ ق) ، نجف : المطبعه الحيدريّه ، ۱۳۸۳ ق ، دوم . ۲۲. تاريخ الطبرى (تاريخ الأمم والملوك) ، محمّد بن جرير الطبرى (م ۳۱۰ ق) ، تحقيق : محمّد أبو الفضل إبراهيم ، مصر : دار المعارف . ۲۳. تاريخ مدينه دمشق ، على بن الحسن بن هبه الله (ابن عساكر الدمشقى) (م ۵۷۱ ق) ، تحقيق : على شيرى ، بيروت : دار الفكر ، ۱۴۱۵ ق ، اول . ۲۴. تاريخ اليعقوبى ، أحمد بن أبى يعقوب (ابن واضح اليعقوبى) (م ۲۸۴ ق) ، بيروت : دار صادر . ۲۵. تأملی در نهضت عاشورا ، رسول جعفریان ، قم : انصاريان ، ۱۳۸۱ ش . ۲۶. تبیین كذب المفترى ، لأبى القاسم على بن الحسين الدمشقى المعروف بابن العساكر (ت ۴۹۹ - ۵۷۱ ق) ، دمشق : دارالقلم ، ۱۳۹۹ ق . ۲۷. تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله ، الحسن بن على الحزّانى (ابن شعبه) (م ۳۸۱ ق) ، تحقيق : على أكبر الغفّارى ، قم : مؤسسه النشر الإسلامى ، ۱۴۰۴ ق ، دوم . ۲۸. تحقيق دربارہ اول أربعين حضرت سيد الشهداء عليه السلام ، شهيد محمّد على قاضى طباطبایى (۱۲۹۱ - ۱۳۵۸) ، تهران :

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش. ۲۹. التذکره الحمدونیه، محمد بن الحسن بن حمدون (ت ۴۹۵ - ۵۹۲ ق)، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۶ م. ۳۰. تذکره الخواص (تذکره خواص الأئمه فی خصائص الأئمه علیهم السلام)، یوسف بن فرغلی (سبط ابن الجوزی) (م ۶۵۴ ق)، به مقدمه: السید محمّد صادق بحر العلوم، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه. ۳۱. تذکره الشهداء، ملا حبیب الله شریف الکاشارنی (ت ۱۲۶۲ - ۱۳۴۰)، تحقیق و نشر: تهران: مؤسسه شمس الضحی، ۱۳۸۴ ش. ۳۲. التذکره فی أحوال الموتی وأمور الآخرة، محمّد بن أحمد القرطبی (م ۶۷۱ ق)، تحقیق: مجدی فتحی السید، طنطا: دار الصحابه للتراث، ۱۴۱۵ ق، اول. ۳۳. ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری، تهران: مکتبه الصدوق. ۳۴. الجمل والنصره لسید العتره فی حرب البصره، محمّد بن محمّد بن النعمان العکبری البغدادی (الشیخ المفید) (م ۴۱۳ ق)، تحقیق: السید علی میر شریفی، قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق، اول. ۳۵. حماسه حسینی، شهید مرتضی مطهری، (۱۲۹۹-۱۳۵۸)، تهران: صدرا، ۱۳۷۱ ش. ۳۶. الخرائج والجرائح، سعید بن عبد الله الراوندی (قطب الدین الراوندی) (م ۵۷۳ ق)، تحقیق: مؤسسه الإمام المهدي (عج)، قم: مؤسسه الإمام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق، اول. ۳۷. الخصال، محمّد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۴ ق، چهارم. ۳۸. دانش نامه عقاید اسلامی از نگاه قرآن و حدیث، محمّد محمّدی ری شهری [و همکاران]، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵. ۳۹. دعائم الإسلام و ذکر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، النعمان بن محمّد التیمی المغربي (م ۳۶۳ ق)، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، مصر: دار المعارف، ۱۳۸۹ ق، سوم. ۴۰. دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، محمّد محمّدی ری شهری؛ با همکاری سید رسول موسوی، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۴ ش. ۴۱. دیوان محتشم کاشانی، به کوشش: مهر علی گرگانی، کتابفروشی محمودی. ۴۲. الذریعه إلى تصانیف الشیعه، محمّد محسن بن علی المنزوی (آقا بزرگ الطهرانی) (م ۱۳۴۸ ق)، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ق، سوم. ۴۳. روضه الشهداء، ملّا حسین واعظ کاشفی سبزواری (م ۹۱۰ ق)، قم: نوید اسلام. ۴۴. روضه الواعظین، محمّد بن الحسن الفّثال النیسابوری (م ۵۰۸ ق)، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۶ ق، اول. ۴۵. ریاحین الشریعه، ذبیح الله محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۴۶. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبد الله أفندی الإصبهانی (ق ۱۲ ق)، تحقیق: السید أحمد الحسینی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامّه، ۱۴۰۱ ق، اول. ۴۷. ریحانه الأدب، محمّد علی المدرس (م ۱۳۷۳ ق)، تبریز: مکتبه الخیام، دوم. ۴۸. سیر أعلام النبلاء، محمّد بن أحمد الذهبی (م ۷۴۸ ق)، تحقیق: شعیب الأرئووط، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق، دهم. ۴۹. شجره طوبی، محمّد مهدی حائری مازندرانی (۱۳۰۰ - ۱۳۸۵ ق)، قم: دارالقلم، ۱۴۲۵ ق. ۵۰. شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار، النعمان بن محمّد المصری (القاضی أبو حنیفه) (م ۳۶۳ ق)، تحقیق: السید محمّد الحسینی الجلالی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق، اول. ۵۱. طبقات الشافعیه، عبد الرحیم بن حسن الإسنوی (م ۷۷۲ ق)، تحقیق: عبد الله الجبوری، بغداد: مطبعه الإرشاد، ۱۹۷۱ م، اول.

ص: ۱۲۲

..

ص: ۱۲۳

..

ص: ۱۲۴

..

ص: ۱۲۵

۵۲. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (کاتب الواقدي) (م ۲۳۰ ق)، بیروت: دار صادر. ۵۳. العقد الفريد، أحمد بن محمد الأندلسي (ابن عبد ربّه) (م ۳۲۸ ق)، تحقیق: أحمد الزین و إبراهيم الأبياري، بیروت: دار الأندلس، ۱۴۰۸ ق، اول. ۵۴. عنوان الکلام، محمد باقر فشارکی، تهران: اسلامیه. ۵۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام، محمد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: السید مهدی الحسینی اللاجوردی، تهران: منشورات جهان. ۵۶. غرر الحکم ودرر الکلم، عبد الواحد الآمدي التیمی (م ۵۵۰ ق)، تحقیق: میر جلال الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش، سوم. ۵۷. الفتوح، أحمد بن أعثم الكوفي (م ۳۱۴ ق)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۱۱ ق، اول. ۵۸. فلسفه تاریخ، شهید مرتضی مطهری (۱۲۹۹-۱۳۵۸ ق)، تهران: صدرا، ۱۳۷۱ ش. ۵۹. قصص العلماء، محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۲۳۴-۱۳۰۲ ق)، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۰. ۶۰. الکافی، محمد بن یعقوب الكلینی الرازی (م ۳۲۹ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری، بیروت: دار صعب ودار التعارف، ۱۴۰۱ ق، چهارم. ۶۱. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه (ابن قولویه) (م ۳۶۷ ق)، تحقیق: جواد القیومی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق، اول. ۶۲. الکامل فی التاریخ، علی بن محمد الشیبانی الموصلی (ابن الأثیر) (م ۶۳۰ ق)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، اول. ۶۳. الکبریت الأحمر فی شرائط المنبر، محمد باقر بیرجندی (۱۲۳۸-۱۳۱۲ ق)، تحقیق: محمد شعاع فاخر، بیروت: دار الحوراء. ۶۴. کتاب شناسی امام حسین علیه السلام، نجفقلی حبیبی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، ۱۳۷۴ ش. ۶۵. کتاب شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، محمد اسفندیاری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش. ۶۶. کشف الغمه فی معرفه الأئمه، علی بن عیسی الیربلی (م ۶۸۷ ق)، تصحیح: السید هاشم الرسولی المحلّاتی، بیروت: دار الکتاب، ۱۴۰۱ ق، اول. ۶۷. کفایه الأثر فی النصّ علی الأئمه الإثنی عشر، علی بن محمد الخزاز القمی (ق ۴ ق)، تحقیق: السید عبد اللطیف الحسینی الکوه کمری، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق. ۶۸. کمال الدین وتمام النعمه، محمد بن علی ابن بابویه القمی (الشیخ الصدوق) (م ۳۸۱ ق)، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ ق، اول. ۶۹. الکنی والألقاب، عباس القمی (م ۱۳۵۹ ق)، تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۹۷ ق، چهارم. ۷۰. الکوکب الدرّی فی احوال النبی و البتول والوصی، محمد مهدی الحائری المازندرانی (۱۲۶۱-۱۳۴۴ ق)، قم: المکتبه الحیدریه، ۱۹۹۵ م. ۷۱. لغت نامه، علی اکبر دهخدا (ت ۱۹۵۶ م)، تهران: دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات، چاپ چاپخانه سیروس، ۱۹۶۸ م. ۷۲. لؤلؤ و مرجان، محدث نوری. ۷۳. مثير الأحزان، محمد بن جعفر الحلّی (ابن الحلّی) (م ۶۴۵ ق)، قم: مدرسه الإمام المهدی (عج). ۷۴. المحاسن، أحمد بن محمد البرقی (م ۲۸۰ ق)، تحقیق: السید مهدی الرجائی، قم: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق، اول. ۷۵. محرق القلوب، ملا مهدی نراقی. ۷۶. المزار الکبیر، محمد بن جعفر المشهدی (ق ۶ ق)، تحقیق: جواد القیومی الإصفهانی، قم: قیوم، ۱۴۱۹ ق، اول. ۷۷. مستدرکات أعيان الشیعه، السید حسن الأمين، بیروت - دار التعارف، ۱۴۰۸ ق. ۷۸. المصباح فی الأدعیه والصلوات والزیارات، إبراهيم بن علی العاملی الکفعمی (م ۹۰۰ ق)، قم: منشورات الشریف الرضی. ۷۹. مصباح المتهدّج، محمد بن الحسن الطوسی (الشیخ الطوسی) (م ۴۶۰ ق)، تحقیق: علی أصغر مروارید، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ ق، اول. ۸۰. المعجم الکبیر، سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (م ۳۶۰ ق)، تحقیق: حمدي عبد المجید السلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق، دوم. ۸۱. معجم المطبوعات العربیه و المعربیه، یوسف الیاس سرکیس (ت ۱۳۵۱ ق)، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - قم، ۱۴۱۰ ق. ۸۲. معجم المؤلفین (تراجم مصنّفی الکتب العربیه)، لعمر رضا کتّاباله (معاصر)، نشر مکتبه المثنی، دار إحياء التراث العربی: بیروت. ۸۳. معرفی و نقد منابع تاریخ عاشورا، سید عبدالله حسینی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۸۴. معالی السبطين،

- محمد مهدی مازندرانی (م ۱۳۴۴ ق)، تبریز: مکتبه القرشی، ۱۳۵۶ ق. ۸۵. مفتاح الجنان فی الأدعیه والأعمال، مجهول المؤلف.
۸۶. مقاتل الطالبيين، علی بن الحسین الأصبهانی (أبو الفرج) (م ۳۵۶ ق)، تحقیق: السید أحمد صقر، قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۵ ق، اول. ۸۷. مقتل أبو مخنف = وقعه الطف، لأبی مخنف لوط بن یحیی الغامدی (م ۱۵۷ ق)، تحقیق: محمد هادی الیوسفی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۷ ش. ۸۸. مقتل الحسین علیه السلام، موفق بن أحمد المکی الخوارزمی (م ۵۶۸ ق)، تحقیق: محمد السماوی، قم: مکتبه المفید. ۸۹. الملل والنحل، محمد بن عبد الکریم الشهرستانی (م ۵۴۸ ق)، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق. ۹۰. الملهوف علی قتلی الطفوف، علی بن موسی الحلّی (السید ابن طاووس) (م ۶۶۴ ق)، تحقیق: فارس تبریزیان، تهران: دار الأسوه، ۱۴۱۴ ق، اول. ۹۱. مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، محمد بن علی المازندرانی (ابن شهر آشوب) (م ۵۸۸ ق)، قم: المطبعه العلمیه. ۹۲. مناقب الإمام أمير المؤمنين علیه السلام (المناقب للکوفی)، محمد بن سلیمان الکوئی القاضی (م ۳۰۰ ق)، تحقیق: محمد باقر المحمودی، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامیه، ۱۴۱۲ ق، اول. ۹۳. المنتخب للطریحی، لفخر الدین طریح بن محمد الرماحی (ت ۱۰۵۸ ق)، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۲ ش. ۹۴. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی (۱۲۵۴ - ۱۳۱۹ ق)، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق. ۹۵. الموسوعه الشوقیه، احمد شوقی. ۹۶. مؤلفو الشیعہ فی صدر الإسلام، عبد الحسین شرف الدین (۱۸۷۳ - ۱۹۵۸ م)، بغداد: مکتبه الاندلس، [۱۳۸۵ ق]. ۹۷. ناسخ التواریخ، محمد تقی خان سپهر (ت ۱۲۹۷ ق)، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران - کتابفروشی اسلامیه. ۹۸. النصره فی حرب البصره، المفید. ۹۹. نفس المهموم، حاج شیخ عباس قمی (ت ۱۳۵۹ ق)، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۱ ق. ۱۰۰. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام، لأبی اسحاق الاسفراینی (ت قرن ۱۰ ق)، تونس - چاپخانه منار. ۱۰۱. وفيات الأعیان، أحمد بن محمد البرمکی (ابن خلکان) (م ۶۸۱ ق)، تحقیق: إحسان عبّاس، بیروت: دار صادر. ۱۰۲. هدیة الأحباب فی ذکر المعروف بالکنی والألقاب والأنساب، حاج شیخ عباس قمی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. هدیة العارفين، إسماعیل پاشا البغدادی (۱۸۳۹ - ۱۹۲۰ م)، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.

ص: ۱۲۶

..

ص: ۱۲۷

..

ص: ۱۲۸

..

ص: ۱۲۹

..

ص: ۱۳۰

فهرست تفصیلی .

ص: ۱۳۱

..

ص: ۱۳۲

..

ص: ۱۳۳

..

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

